

مصاحبه کوتاه

با محسن یگانه و
فرزاد فرزینبهمن قبادی در نشان دادن موسیقی زیرزمینی غلو کرده
بچه های زیرزمینی در طویله کار نمی کنند

مصاحبه با

رضا یزدانی

تولد مجله موسیقی ایرانیان

با یادداشت هایی از بزرگان موسیقی:
علی پهلوان ، رضا صادقی
حمید متبسم ، لی لی افشار
سالار عقیلی ، سعید شهروز
رضا یزدانی ، حمید حامی
مجتبی کبیری و ...مصاحبه های مفصل با
اصغر محمدی و
ساسان سلیم نژادگزارش تصویری از
کنسرت
هلال کاروان
حمید حامی

آری

شجریان
استاد است!

اولین خواننده زن
پاپ بعد از انقلاب

مصاحبه با
ارکیده حاجی وندی

پاییز از راه رسیده بود با روزهایی زیبا که شوری عجیب در دلشان مستتر است. روزهایی که طبیعت رنگ قرمز و زرد و نارنجی داشت و در پس هر قدم زدنی نئی زیبا و نوایی دلنشین طبیعت پاییزی به گوش می رسید.

می خواستیم کاری جدید را در موسیقی شروع کنیم پس در یکی از این روزهای سرد و زیبا با دلپایی گرم فکر کردیم ، بحث کردیم ، داشته ها و نداشته ها را محک زدیم و نهایتا دستپایمان را بهم دادیم و یک دل شدیم و دلمان را به حق سپردیم و به انتظار فردا نشستیم . بر این باور بودیم که صدای سازهای ناکوک ما بسیار زیباتر و دلنشین تر از ساز کوک من است و چه خرسند هستیم که در پناه یزدان پاک از همان آغاز سازهایمان هم کوک بود . دوستانی آمدند در این راه همراهمان باشند ، نازنینانی هم نیامدند و دوستانی دگر هم زود آمدند و زودتر رفتند و برخی هم در همه فراز و نشیب ها با هم بودیم .

فردا آمد ، یک روز دیگر و ما که کمر همت بسته بودیم تصمیمان بر آن بود که با هم قدم برداریم و رفیق نیمه راه نباشیم . می دانستیم موسیقی دنیای پرفراز و نشیبی است . می دانستیم در پس پرده بسیاری از ستاره های امروز ما دنیای دیگری است و می دانستیم موسیقی همیشه دلنشین نخواهد بود اما ما بر این باور بودیم که خواهیم توانست و از این پنجره کوچک زیبایی های بسیاری را خواهیم دید .

نتیجه با هم بودن ما مجله موسیقی ایرانیان شد که اینک پیشکش شماست . کلبه موسیقی که در دوسالگی آن موفقیت های بسیاری را با هم و در کنار هم تجربه کردیم و در این دو سال بالنده تر و افتخارآمیزتر از آنچه شده است که فکر می کردیم . مهربانی و محبت های شما و حمایت های همه دوستان و هنرمندان موسیقی همیشه انرژی بخش و موجب دلگرمی ما بوده است و خواهد بود .

دوستان داریم و برای دوست داشتنمان دلیلی نمی خواهیم جز همراهیتان .

با سپاس ویژه از دوست عزیزم ابراهیم مولایی که بدون وجود او هیچ یک از اندیشه ها به ثمر نمی نشست و به دوستی با او همیشه افتخار خواهیم کرد .

محمد جلوانی

چهارمین شماره ماهنامه موسیقی ایرانیان

شماره چهارم / بهمن ۸۸ / ۱۰۳ صفحه / رایگان

مصاحبه ای مفصل با

رضا یزدانی

صفحه ۳۴

MUSICMAGAZINE.IR **موسیقی ایرانیان**

ماهنامه موسیقی ایرانیان اول هر ماه به صورت رایگان منتشر می شود

فهرست شماره چهارم



۶ مصاحبه اختصاصی با ارکیده حاجی وندی



۵۴ مصاحبه اختصاصی با اصغر محمدی

صفحه ۱	پیشگفتار
صفحه ۲	اخبار موسیقی ایران
صفحه ۱۴	ویژه نامه تولد سایت مجله
صفحه ۳۲	مقاله ای در رابطه با استاد
صفحه ۳۸	گزارش تصویری و اختصاصی از کنسرت حامی
صفحه ۴۲	کالبد شکافی یک اختلاف !
صفحه ۴۴	مصاحبه کوتاه با محسن یگانه و فرزاد فرزین
صفحه ۴۶	نقد و بررسی آلبوم مهر
صفحه ۴۸	مقاله - آری او استاد است
صفحه ۵۲	نقد و بررسی آلبوم شکوفایی
صفحه ۶۲	گزارش تصویری از کنسرت هلال کاروان
صفحه ۶۶	مقاله - موسیقی نواحی خراسان
صفحه ۶۸	معرفی وبلاگ
صفحه ۷۲	معرفی نوازنده - حمید متبسم
صفحه ۷۴	نگاهی به موسیقی راک در ایران
صفحه ۸۰	نقد و بررسی ویدئو کلیپ ها در ایران
صفحه ۸۸	پرونده هنری - اسطوره سازی در ایران



۸۲ مصاحبه اختصاصی با سلیم نژاد و چنگیزی

آلبوم جدید غلام کویتی پور با نام «خاموش» منتشر شد

بعد از سال ها سیری شدن از انتشار آلبوم غریبانه ۱ و ۲ توسط کویتی پور ، آلبوم جدید وی با نام خاموش توسط موسسه ی تصویر دنیای هنر و نوای نی لبک شرقی با ۸ قطعه متفاوت منتشر شد.

دو آلبوم قبلی کویتی پور از بهترین کارهای حوزه موسیقی مذهبی می باشد .

مستند آلبوم « سلام آقا » با صدای خوانندگان نامی موسیقی پاپ کشور منتشر شد

آلبوم سلام آقا با صدای رضا صادقی، محمد علیزاده، مهدی بهمایی و محسن چاووشی منتشر شد.این آلبوم مناسبتی که در ایام محرم منتشر شده است دارای ۱۰قطعه با نام های خدای احساس، مرثیه، ظهر عطش، گل پرپر، حالام کن، امیر کائنات،ماه قبله، غدیر خون، شام غریبان و با حسین است. این آلبوم با تهیه کنندگی رامین بصیرت نیا و قیمت ۱۵۰۰ تومان منتشر شده است.

حضور «رضا یزدانی» به عنوان بازیگر نقش اصلی فیلم «تهران سیم آخر» در جشنواره فیلم فجر

رضا یزدانی در فیلم تهران سیم آخر که برای جشنواره فیلم فجر آماده می شود به عنوان نقش اصلی بازی کرده است. رضا یزدانی با اعلام این خبر به خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان گفت: در این فیلم که برای جشنواره فجر آماده می شود ضمن بازیگری، قطعه ای با آهنگسازی کارن همایون فر و ترانه اندیشه فولادوند خوانده ام.

وی خاطر نشان کرد: این فیلم در دو اپیزود ساخته شده است که کارگردانی اپیزود اول را داریوش مهرجویی و اپیزود دوم که زمان آن در حدود ۴۵دقیقه هست، مهدی کرم پور بر عهده داشته و من نیز در اپیزود آخر به عنوان نقش اول به ایفای نقش پرداخته ام.

رضا یزدانی، خواننده و آهنگساز، متولد مهرماه ۱۳۵۲در تهران به دنیا آمد. وی در آثار خود ارائه دهنده سبک پاپ – راک است و تا به حال ۳آلبوم از خود منتشر کرده است.



اولین آلبوم مستقل پیام صالحی خواننده آریان منتشر می شود ، صالحی از آریان جدا نمی شود



اولین آلبوم مستقل پیام صالحی تا اردیبهشت ماه وارد بازار موسیقی می شود. پیام صالحی یکی از بنیانگذاران گروه موسیقی آریان و خواننده این گروه در این زمینه به خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان گفت: در این آلبوم که فعلا اسمی برایش انتخاب نشده است و در مراحل پایانی کار هستیم ، نیما وارسته تنظیم همه آهنگ ها را برعهده دارد. پیام صالحی در ادامه افزود: آلبوم دارای ۸قطعه است که ترانه و آهنگ های این اثر بر عهده حمید عسکری، شاهین تیک، علی حسین زاده و سهراب پاکزاد است که این آلبوم دارای سبک و فضای متفاوتی از آریان و نزدیک به آلبوم زیر بارون از سهراب پاکزاد و امیر طبری است، ضمنا این را هم بهتر است بگویم که بنده همچنان به عنوان خواننده، به عنوان عضوی از گروه آریان فعالیتیم را ادامه خواهیم داد. صالحی در خصوص تهیه کننده این آلبوم نیز افزود: ترانه شرقی تهیه کننده آلبوم های گروه آریان است و برای آلبوم مستقیم فعلا با این شرکت قرارداد ندارم و هنوز مشخص نیست آلبوم توسط چه شرکتی منتشر شود. گفتنیست ، پیام صالحی در کنار علی پهلوان دیگر خواننده گروه آریان از ۱۰سال پیش به عنوان خواننده عضو گروه آریان هست و با این گروه تا به حال چهار آلبوم را به بازار عرضه کرده است.

رحیم شهریاری: اسفند ماه در برج میلاد کنسرت خواهیم داشت

گروه موسیقی آراز به سرپرستی و خوانندگی رحیم شهریاریدر تهران و اروپا کنسرت برگزار می کند ـ رحیم شهریاری در این زمینه به خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان گفت : بعد از ایام محرم و صفر (اسفند ماه) در برج میلاد کنسرت خواهیم داشت و سپس راهی اروپا می شویم .

وی در ادامه افزود : تور کنسرت های خارجی گروه آراز از ۲۵اسفند ماه در شهر استانبول ترکیه آغاز می شود و سپس در کشورهای آلمان ، فرانسه ، سوئد و دانمارک ادامه می یابد . ضمنا ما در این اجراها قطعاتی از آلبوم جدید کیم بیلر را به همراه تعدادی از قطعات فولکلور آذری که خوانده ام به روی صحنه می بریم.

به گزارش مجله موسیقی ایرانیان ، اوختای شادی به عنوان نوازنده تار ، حمزه شهریاری به عنوان نوازنده کلارینت ، امان الله عبدالله اف به عنوان نوازنده بالابان ، افشین علوی به عنوان نوازنده کمانچه ، پیمان حمیدی به عنوان نوازنده پیانو و کیبورد ،محمدحسین افشاری به عنوان نوازنده نقره ، چناره مطلب آوا به عنوان نوازنده قانون و حبیب طاهریان به عنوان نوازنده گوشا نقره در این اجراها رحیم شهریاری را همراهی خواهند کرد .

انتقاد فرج نژاد از مسولین جشنواره موسیقی فجر

بیست و پنجمین جشنواره موسیقی فجر اواسط اسفند با حضور گروه های داخلی و خارجی شروع به کار خواهد کرد . خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان برای نقد و بررسی این رویداد به سراغ میدیا فرج نژاد آهنگساز جوانی که سابقه همکاری با بزرگان موسیقی ایران را دارد رفته است. در ادامه می توانید صحبت های وی را در این زمینه بخوانید.

میدیا فرج نژاد با انتقاد از مسولین برگزار کننده جشنواره موسیقی فجر گفت:وقتی صحبت از جشنواره می کنیم ، ابتدا باید اهداف برگزاری کاملا روشن بیان شود و در جهت اهداف بودجه ی مناسبی را اختصاص بدهیم و برای برگزاری بهتر و کارآمد از گروه های فعال و اساتید دعوت به عمل بیاوریم و غیر از تمامی اینها ، پیشینه ای درخشان و یا حداقل قابل بررسی داشته باشیم و نیز برگزار کننده ای قدرتمند که مورد اعتماد و اطمینان اهالی موسیقی باشد ـ وقتی با دقت نگاه کنیم متوجه می شویم که بسیاری از پارامترهای بالا در جشنواره ی فجر رعایت نشده و همین امر موجبات عدم همکاری بسیاری از هنرمندان ما را فراهم کرده است.

وی با اشاره به برنامه ریزی اشتباه برگزار کنندگان جشنواره، افزود: برنامه ریزی دقیق نیست ، گروه ها به دلیل عدم برنامه ریزی صحیح برای اجرا آمادگی کامل ندارند ، نحوه ی انتخاب گروه ها و کارشناسی آنها گاها بحث برانگیز است و در کل شاهد اتفاق خجسته ای در این جشنواره نیستیم و این را هم اضافه کنید که تبلیغات انجام شده بر روی این جشنواره از سوی رسانه بسیار ضعیف است. خب ، هنرمند با شرایط گفته شده به چه دلیل و امیدی باید در این جشنواره شرکت کند ـ همین است که ما هر سال شاهد نقاط ضعف بیشتری در این جشنواره هستیم و گروه هایی که هر ساله در این جشنواره شرکت می کردند و دارای مقام نیز بودند اکنون از حضور سر باز می زنند و انگیزه ای ندارند.

فرج نژاد درباره سطح جشنواره موسیقی فجر و اینکه گفته می شود جشنواره در سطح بین المللی برگزار می شود خاطرنشان کرد : درباره ی بین المللی بودن جشنواره ی فجر باید بگویم که گویا تعریف از بین المللی بودن ناصحیح است چرا که گروه های خارجی شرکت کننده در این جشنواره غالبا گروه های درجه سه و چهار کشورهای دیگر هستند و این را هم در نظر بگیرید که بسیاری از کشورهای صاحب موسیقی در کل این جشنواره را برای حضور موثر ، به رسمیت نمی شناسند و با توجه به گستره ی وسیع موسیقی در کشور ما و پیشسازی هنر موسیقی ما در منطقه این امر بسیار جای بررسی دارد که چرا آن طور که شایسته است این جشنواره برگزار نمی شود و چرا برای یک بار هم که شده با کارشناسی صحیح و و ایجاد شرایط برای حضور بزرگان موسیقی ایران در این جشنواره ، اعتبار آن را افزایش نمی داندند؟ با شرایط موجود برای بسیاری از اهل موسیقی این سوال وجود دارد که ، وقتی ایرادات را بر طرف نمی کنیم و هر بار بسیاری را نیز تکرار می کنیم چه اصراری وجود دارد که این جشنواره را بزرگترین اتفاق موسیقی سال بدانیم و این طور به نظر برسد که گویی هدف ، فقط مبارزه با این تفکر است که هنر موسیقی در اجتماع ما و نزد مسولین محجور و مورد بی مهری فراوان نیست!

مجموعه آموزشی فلامنکو در اسپانیا منتشر شد

آموزش گام به گام نواختن فلامنکو تالیف مهدی محققى از سوى شرکت RGB در اسپانیا منتشر شد. محققى در این زمینه به خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان گفت : این مجموعه آموزشی در سه کتاب / دی وی دی که شامل سه دستگاه به نام های بولریاس ، سولنا ، سولنا پور بولریاس می شود به دو زبان انگلیسی و اسپانیایی منتشر شده است.

محققى در پاسخ به این سوال که آیا این اثر در داخل ایران نیز منتشر خواهد شد ، گفت : «فعلا به دلیل کپی رایت نمی توانیم بدون اجازه شرکت RGB این مجموعه را در ایران منتشر کنیم ـ ولی تمام سعی ما بر این است ، با هماهنگی و مذاکره با این شرکت اسپانیایی زمینه انتشار این مجموعه را در ایران فراهم کنیم.

وی همچنین درباره هنر فلامنکو ، خاطرنشان کرد : هنر فلامنکو جریانى است عمیق و وسیع که از منابع گوناگونی سرچشمه می گیرد. هنری متشکل از سه عنصر خواندن،رقصیدن و نواختن که با کنار هم قرار گرفتن این سه،هنری با شکوه و کامل به تسمیع وتصویر در خواهد آمد. فلامنکو همچون موسیقی دستگاهی ایران،دستگاهی است. فلامنکو دارای پنج دستگاه (پالو، توکه) اصلی است که از هر یک از این پنج پالو ، از پالوهای دیگری مشتق شده است. برخی از پالوها از آمریکای لاتین وارد فلامنکو شده که در مجموع وجود حدودا ۵۰پالو موجب تنوع و غنای این هنر شده است که سولنا، فاندانگوس، سگریاس، توناس و تانگوس پنج پالوی اصلی فلامنکو هستند .

گفتنیست ، مهدی محققى متولد شهر تهران(سال ۱۳۵۸) می باشد ـ او که فارغ التحصیل رشته مهندسی صنایع است، موسیقی را از سال ۱۳۶۹آغاز و از سال ۱۳۷۶به نواختن گیتار پرداخته است ـ تا کنون وی کنسرت های متعددی را در شهرهای مختلف برگزار کرده است ـ



لیلی افشار : در ایران کنسرت و تدریس خواهم داشت



دکتر لی لی افشار نوازنده صاحب نام ایرانی مقیم آمریکا نوازنده گیتار(تايستان سال ۸۹) به ایران می آید ـ لی لی افشار در این زمینه به خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان گفت : مشغول تولید آلبوم جدیدم هستم و نیز تايستان ۸۹بخاطر کلاس ها و کنسرت هایم به ایران خواهم آمد که تاریخ و مکان دقیقشان هنوز مشخص نیست.

وی در ادامه افزود : در ۲۶فوریه ۲۰۱۰میلادی برابر با ۵ اسفند ۱۳۸۸خورشیدی و ۲۴آوریل ۲۰۱۰میلادی برابر با ۴اردیبهشت ۱۳۸۹خورشیدی در شهرهای جکسون ویل و هانتینگتون واقع در ایالت فلوریدای آمریکا مستر کلاس و کنسرت هایی خواهم داشت .

گفتنیست پرفسور لیلی افشار Lily Afshar متولد شهر تهران است و از نوازندگان بزرگ گیتار کلاسیک در جهان به شمار می رود. وی نخستین زنیست که در جهان و در رشته اجرای گیتار کلاسیک به درجه دکتری دست یافته است.

افشار که دکتری خود را از دانشگاه ایالتی فلوریدا دریافت نموده است ، جوایز بین المللی بسیاری را نیز در طول زندگی هنری خود کسب کرده است.

دکتر لیلی افشار کرسی پرفسوری خود را در دانشگاه ممفیس

در سال ۲۰۰۰ بدست آورد و بیش از ۱۸سال است برنامه

لیسانس ، فوق لیسانس و دکتری نوازندگی گیتار را در

دانشگاه ممفیس اداره می کند.
وی تا کنون اجراهای متعددی در سالن های مشهور اروپا، آسیا، شمال و جنوب آمریکا، آفریقا و استرالیا داشته است.

کنسرت رضا صادقی در سینما سپاهان اصفهان

کنسرت رضا صادقی ۱۲، ۱۳ و ۱۴اسفند در سینما سپاهان

اصفهان برگزار می شود. به گزارش مجله موسیقی ایرانیان، این کنسرت هر شب در دو سانس(۱۶تا ۱۸ و ۲۰تا ۲۲)

برگزار خواهد شد و صادقی قطعاتی از آلبوم تازه خود و گلچینی از قطعات آلبوم های قبلیش را اجرا خواهد کرد.

در تماس با آرش قندی مدیر روابط عمومی موسسه ایمان

هنر (برگزار کننده کنسرت) اعلام شد :

قیمت بلیط ها : ۳۵ و ۴۵هزار تومان (هنوز قطعی نمی باشد)

محل برگزاری : اصفهان، خیابان چهارباغ عباسی، کوچه

سپاهان – سینما سپاهان اصفهان

شماره تلفن تماس : ۰۹۳۵۷۷۷۸۵۹۵

موسسه ایمان هنر

خازنی: جشنواره موسیقی فجر به مانند طفل تو خالی است

تا چندی دیگر بیست و پنجمین دوره از جشنواره موسیقی فجر شروع به کار خواهد کرد . برای نقد و بررسی این رویداد مهم موسیقایی،خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان به سراغ پیمان خازنی که سابقه حضور در جشنواره موسیقی فجر را نیز دارد رفته است. در ادامه می توانید صحبت های وی درباره جشنواره موسیقی فجر را بخوانید.

پیمان خازنی درباره سطح جشنواره موسیقی فجر و اینکه گفته می شود جشنواره در سطح بین المللی برگزار می شود به خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان گفت : ما اگر تعریفمان از واژه بین المللی این باشد که فقط افرادی که غیر ایرانی هستند در جشنواره شرکت کنند و ما خوشحال باشیم که غیر ایرانی ها در کنار ایرانی ها آمده اند و جدول جشنواره را پر کرده اند ، بله در این صورت می توان گفت جشنواره موسیقی فجر بین المللی است ـ ولی بیادید خودمان را گول نزنیم ـ آیا گروه هایی که در جشنواره شرکت می کنند گروه ها و نوازنده های حرفه ای دنیا هستند؟ متاسفانه همه گروه ها از کشورهایی همچون ارمنستان ، تاجیکستان و ... که موسیقی در همان کشورها خیلی ارزان هست در جشنواره شرکت می کنند ـ حتی اگر از کشورهایی مثل فرانسه گروه هایی می آید مطمئن باشید نوازنده های این گروه ها درجه دوم یا درجه سوم هستند ـ

خازنی در ادامه افزود: با بودجه ای که برای دعوت از گروه های خارجی در نظر گرفته می شود بهتر از این نمی شود گروه های خوب دعوت کرد ـ و من فکر می کنم تا زمانی که بودجه محدودی هزینه می شود هیچ وقت گروه درجه یک در جشنواره حضور نخواهد داشت ـ خود من به عنوان سرپرست گروهی که در جشنواره بارها اجرا داشتم از نزدیک شاهد مشکلاتی که گفتم بوده ام ـ باور کنید مبلغی که برای یک گروه ۱۰ یا ۱۵نفری هزینه می کنند بسیار ناچیز است به شکلی که خجالت می کشم مبلغ آن را اعلام کنم. وقتی با یک گروه داخلی چنین برخوردی می شود نتیجه بگیرید یا یک گروه خارجی چه برخوردی خواهد شد ـ

خازنی در ادامه با بیان اینکه اصلی ترین ضعف جشنواره موسیقی فجر همین بحث محدودیت در بودجه آن ـ است ، خاطر نشان کرد : همین مشکلات باعث شده هر گروهی یک سال ، دو سال در جشنواره شرکت می کنند و زمانی که می بینند جشنواره به غیر از خستگی سودی برایشان ندارد، ترجیح می دهند سال بعد خودشان اجراهایی ترتیب داده و کار خودشان را پیش ببرند ـ البته این مشکل تنها برای من و گروهم نبوده بلکه گروه های دیگر نیز همین مشکل را داشته اند.



مجموعه های چکاوک موجی هدف دار از جنس گلهای رنگارنگ

تا چندی دیگر اولین آلبوم از مجموعه چکاوک به بازار موسیقی عرضه می شود . پیمان خازنی آهنگساز این اثر معتقد است این آلبوم فضای کاملا متفاوتی با آلبوم شوخی دارد . خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان به سراغ وی رفته است تا صحبت هایش را در باره مجموعه چکاوک بشنود .

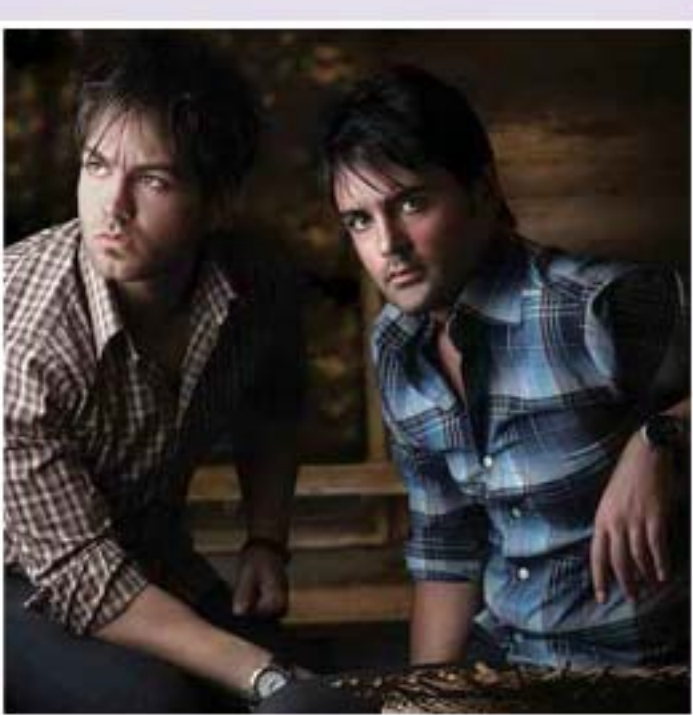
پیمان خازنی مجموعه چکاوک را اینگونه معرفی می کند : نگرش امروزی شرط موفقیت گونه ای از موسیقی است که در زمانی به اجتماع ارائه می شود. مجموعه های چکاوک نیز که با تاثیر از دوران همیشه درخشان گلها پایه گذاری شده است بر این دیدگاه منطبق است . اولین آلبوم از این مجموعه یعنی آلبوم شماره یک چکاوک با صدای محسن شاهرودی و دکلمه محمد صالح علاء با همکاری ارکستر با چیدمان های مختلفی تولید و نشر می شود که شامل برنامه های یک الی چهار است . این اثر فضایی کاملا متفاوت با آلبوم شوخی که اثر قبلی ام بود دارد و کاملا بر پایه اصالت های موسیقی ایرانی بنا شده است . تصنیف های شعر و موسیقی در این آلبوم و همچنین فضای تنظیمی با هدف اصلی این موسیقی یعنی ارتباط عاطفی با عاشقان موسیقی ایرانی صورت گرفته است و کاملا در خدمت ملودی می باشد . استفاده از خوانندگان، ترانه سرایان، نوازندگان، تک نوازان، تنظیم کنندگان و آهنگ سازان نسل جوان از اهداف اصلی این مجموعه به شمار می آید و همگی تلاش می کنند تا با همدلی، موج نو در هنر معاصر ایران را رقم بزنند.رسالت مجموعه های چکاوک احیای موسیقی ایرانی است . منظورم از موسیقی ایرانی گونه ای گرانبها و نجیب از موسیقی ایران زمین است که به دلایل مختلفی در اجتماع کنونی روبه انزوا رفته است .

وی در ادامه درباره همکاریش با رستمیان گفت : آلبوم بعدی من با عنوان عشق دیرین با صدای آقای علی رستمیان در مراحل اخذ مجوز است که در ابتدای سال ۸۹به جامعه هنری ارائه خواهد شد.

گفتنیست، پیمان خازنی تا کنون با ارکسترهای متعددی چون ارکستر ملی جوانان، ارکستر وزیری و ارکستر رادیو همکاری داشته است، وی که از شاگردان کیوان ساکت بود اولین آلبومش را با نام شوخی که تلفیقی از تار و پیانو است ، بعد از انتخابات منتشر کرد و استایل نوازدگی و هنر او در این آلبوم شبیه بعضی آثار کیوان ساکت است که مانند استادش کارهای تلفیقی سنتی/کلاسیک را با تار و پیانو می کند.



اولین کنسرت مشترک سهراب پاکزاد و امیر طبری در تهران



اواسط اسفند ماه اولین کنسرت مشترک سهراب پاکزاد و امیر طبری در تهران برگزار خواهد شد. پاکزاد در حالی خبر از اجرای کنسرت می دهد که اولین آلبوم مشترک این دو جوان خوش صدا با نام زیر بارون چند ماه پیش با تنظیم نیما وارسته به بازار عرضه شده و از طرف مخاطبین موسیقی با استقبال چشم گیری مواجه شده است .

سهراب پاکزاد در گفتگو با خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان با اعلام این خبر گفت: با مذاکراتی که صورت گرفته، مطمئنا در اواسط اسفند ماه در تهران کنسرت خواهیم داشت ولی هنوز تاریخ دقیق آن مشخص نیست.

اطلاعات تکمیلی در زمینه ی تهیه بلیت و زمان دقیق برگزاری این کنسرت به زودی از طریق مجله موسیقی ایرانیان به اطلاع شما کاربران گرامی خواهد رسید

تکذیب خبر همکاری دوباره محمدرضا گلزار با گروه دارکوب

طی هفته های پیش در بعضی از سایت ها، خبری مبنی بر پیوستن دوباره محمدرضا گلزار سوپر استار سینمای ایران به گروه دارکوب و کنسرت های بزرگ این گروه در هفت شب با هفت خواننده منتشر شد که همایون نصیری سرپرست گروه دارکوب در گفتگو با خبرنگار مجله موسیقی ایرانیان ضمن رد کردن همکاری دوباره با گلزار این خبر را نیز تکذیب کرد.

همایون نصیری در این زمینه گفت: برنامه ای ترتیب داده شده است که در آن محمدرضا گلزار و چند خواننده دیگر حضور دارند، پیشنهادی شد در این برنامه ها گروه دارکوب نیز حضور داشته باشد . ولی با توجه به برنامه هایی که خود داشتم و کنسرتی که بعد از عید نوروز گروه دارکوب برگزار خواهد کرد، ترجیح دادیم در این برنامه ها حضور نداشته باشیم»

گفتنیست، محمدرضا گلزار که سابقه حضور در گروه آریان را دارد. چندی پیش ضمن فعالیت در عرصه سینما به عنوان نوازنده گروه دارکوب در کنسرتهای این گروه حضور پیدا می کرد که بعد از مدتی از این گروه نیز جدا شد.

آلبوم هایی از مجید درخشانی و پژمان حدادی منتشر می شود

موسسه آوا خورشید وابسته به مرکز موسیقی بتهوون، آلبوم های ’آلست‘ و ’صبح امید‘ را تا دو هفته دیگر وارد بازار موسیقی می کند.

خانه موسیقی بابک چمن آرا (مدیر مرکز موسیقی بتهوون و موسسه آوا خورشید) گفت: آلست عنوان آلبوم دو نوازی سنتور و تمیک است که پژمان حدادی و بهرام اسکویی زاده قطعاتی را دستگاه های نوا و بیات اصفهان را اجرا کرده اند. صبح امید نیز آلبومی در سه بخش و در دستگاه شور با تارنوازی مجید درخشانی و همراهی کمانچه نواز جوان حسام اینانلو است. قطعات این آلبوم کاملا آزاد از قیده‌های کلاسیک موسیقی ایرانی و براساس تفکر و تجربه دونسل متفاوت اجرا شده است.

وی ادامه داد: بهرام اسکویی زاده فارغ التحصیل دانشکده موسیقی دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد از دانشگاه کالیفرنیا، ارواین در رشته آهنگسازی و تکنولوژی و اخذ دکترای در دانشگاه کالیفرنیا سانتا باربارا است و سابقه همکاری با بسیاری از موسیقیدانان ایرانی و غیرایرانی را دارد. پژمان حدادی نیز از اعضا موثر گروه دستان و زربانگ و مبتکر سازهای کوبه ای و دوایر کوکی است.

فروشگاه موسیقی بتهوون که بیشتر از ۵۰سال در تاریخ موسیقی ایران سابقه دارد در سال ۱۳۸۶به حالت تعطیل درآمد. علت این تعطیلی رکود در بازار موسیقی و کنسرت های کم رونق عنوان شده بود. بتهوون از تیرماه امسال در فروشگاهای واقع در خیابان سنایی کار خود را دوباره آغاز کرده است .

اپراها و سمفونی های چکناواریان منتشر می شود

چکناواریان از انتشار اپراها و سمفونی هایش در قالب چند جلد کتاب خبر داد.

لوریس چکناواریان آهنگساز گفت: هم اکنون مشغول جمع آوری ۸۵۰۰صفحه از آثارم هستم که در طول ۵۰سال اجرا نموده ام.

وی ادامه داد: این آثار شامل چهار اپرا، پنج سمفونی و تمامی کنسرت های من در طول پنجاه سال پیش است که قصد دارم تمامی آثارم را در قالب بی‌ست جلد کتاب منتشر کنم. این آهنگساز با اشاره به زمان انتشار این کتاب ها بیان داشت: اگر اسپانسر خوبی از این کار حمایت کند حتما آن ها را منتشر خواهیم کرد.

خالق اپرای رستم و سهراب در خصوص همکاری خود با شهرام ناظری گفت: من در زمان همکاریم با شهرام ناظری دوازده قطعه را برای ایشان تنظیم کرده ام که تا به حال اجرای صحنه ای نشده اند.این قطعات بر اساس اشعار شاهنامه فردوسی است، اجرای آنها به آقای ناظری بستگی دارد و هر زمان ایشان آمادگی داشته باشند، این آثار را به روی صحنه می بریم.

اولین بانوی نوازنده قانون ایران درگذشت

سیمین آقا رخی نخستین نوازنده ساز قانون پس از یک دوره بیماری درگذشت .

این نوازنده قدیمی قانون متولد سال ۱۳۱۷در تهران بود و سهم بسزایی در نشر و گسترش این ساز مهجور داشت.

وی با ارکستر های مختلفی از جمله ارکستر مرحوم خالقی همکاری داشته و در تهیه آلبومهای متعدد با صدای خوانندگان مختلفی همکاری کرده بود.

وسایل شخصی علینقی وزیری به موزه موسیقی اهدا شد

سلطانی کارگروه موسیقی ایکوم از اهدای وسایل شخصی علینقی وزیری به موزه موسیقی خبر داد.

پیمان سلطانی آهنگساز و کارگروه موسیقی گفت: با توجه به صحبت های انجام گرفته با مرادخانی رئیس موزه موسیقی، چندی پیش وسایل شخصی کلنل علینقی وزیری را برای نمایش به موزه موسیقی اهدا کردیم.

وی ادامه داد: پالتو، عینک، لباس های کنسرت، ذره بین ها ، شمشیر و چند کتاب از جمله وسایلی وزیری بود که ما به موزه دادیم.

این آهنگساز در خصوص قرار گرفتن این وسایل در مکانی خاص در موزه بیان داشت: طبق مذاکراتی که از گذشته با مرادخانی داشتیم، ایشان ویتروینی خاص برای این اشیاء در نظر گرفته بودند اما بنده اطلاعی ندارم که هم اکنون در کجا قرار گرفته اند.

سلطانی در خاتمه خاطرنشان کرد: یک تعداد نت و دست نوشته نیز از وزیری در دست دارم که آنها را نیز در آینده به موزه اهدا می کنم.

طلیعه دشتی با آواز حسین علیشاپور منتشر شد

سی دی طلیعه دشتی با آواز حسین علیشاپور و موسیقی و تنظیم احسان عبایی منتشر شد.

در تهیه این اثر؛ مجید درخشانی، پیمان سلطانی، شهرام آقایی پور، مهناز گودرزی، زهرا حسن نژاد، محمدرضا شرایلی، سیاوش کفاشی، ارسلان قربانی، محمداقبر زینالی، نادر فولادی نسب، مهدی رنگین کمان، احسان امامی، فرهاد ابراهیم خانی و سیامک علیشاپور همکاری داشته اند. صدابرداری این اثر با محمداقبر زینالی و علی توکلی در استودیو هور آهنگ انجام شده است. مسترینگ آن را ریموند موسسیان در استودیو باران انجام داده است.



جایزه فرهاد لغو شد



جایزه فرهاد که قرار بود اوایل سال ۸۷برگزار شود، به دلیل مشکلات همسر فرهاد مهراد به عنوان یکی از اعضای هیات مدیره و وکیل خانوادگی خانواده مهراد، لغو شد و احتمالا جشنواره دیگری توسط دبیرخانه جایزه فرهاد برگزار خواهد شد.

یحیی شریعت نیا وکیل سابق خانه فرهاد عنوان کرد: پس از انحلال خانه فرهاد و منتفی شدن برگزاری جایزه فرهاد ، آثاری که به دبیرخانه این جشنواره رسیده؛ تحت عنوان دیگری مورد داوری و بررسی قرار می گیرند.

وی در گفتگو با ایلنا، درخصوص دلایل برگزار نشدن این جایزه گفت: مشکل عدم برگزاری این جشنواره؛ مشکلات مالی، محل برگزاری یا دریافت مجوزهای لازم نبود ، بلکه به این دلیل بود که از همان ابتدا خانم گلغام ترجیح می دادند که آقای مدیا کاشیگر یا فردی که مورد انتخاب ایشان باشند، دبیری جشنواره را برعهده بگیرند، که درنهایت همین مسائل منجر به ایجاد مشکلات تازه وانحلال خانه شد.

شریعت نیا ادامه داد: از نیمه دوم سال قبل و آذرماه، خانم گلغام تصمیم به انحلال گرفتند و آقای صالح نیکبخت به عنوان وکیل ایشان به دادگاه شکایت کرده تا درنهایت در آذرماه خانه منحل شد. بنده به هم همراه آقای فریدون شهبازیان، منوچهر آزادی و دیگر اعضای دبیرخانه از خانواده ایشان جدا شدیم.

این وکیل دادگستری اضافه کرد: حدود ۴۵۰کار به دبیرخانه جشنواره رسید که در همان زمان به درخواست ارشاد حدود یک صد اثر در دور اول جشنواره کنار گذاشته شد. این آثار بسیار برجسته و متفاوت و به تعبیر آقای شهبازیان منحصریفرد بود که از میان این آثار ۴۰اثر انتخاب شد. درصورتی که جشنواره دیگری برگزار کنیم، کار نیاز به داوری دوم دارد تا درنهایت ازمیان کارهای رسیده؛ ۱۵- ۲۰اثر انتخاب شود.

وی درخصوص زمان برگزاری این جشنواره عنوان کرد: برگزاری هر جشنواره ای نیاز به حداقل ۶ماه کار مطالعاتی و برنامه ریزی دارد. درحال حاضر مشکل برنامه ریزی نداریم. اما باید هم محلی برای برگزاری جشنواره پیدا شود و دوباره مجوزی صادر شود چون مجوز جایزه قبل به نام خانه فرهاد گرفته شده بود. ممکن است این جشنواره با نام عام تری مثل جشنواره موسیقی جوان یا پاپ برگزار شود. البته هنوز تصمیمی برای آن گرفته نشده است. به دلیل اینکه علاقه متدان تاکنون کارهای خود را به نام فرهاد ارسال کرده اند؛ سال اول جشنواره به نام و یاد فرهاد برگزار می شود اما آنچه مسلم است، برگزاری دور اول آن احتمالا به سال آینده موکول خواهد شد.

همایونفر با سه فیلم در راه جشنواره فجر



کارن همایونفر با ساخت موسیقی سه فیلم سینمایی در بیست و هشتمین جشنواره بین المللی فیلم فجر شرکت می کند. همایونفر گفت: ساخت موسیقی فیلم سینمایی ’شب واقعه‘ به زودی به پایان می رسد و فیلم برای نمایش در بیست و هشتمین جشنواره فجر آماده می شود. فیلم های سینمایی ’صد سال به این سالها‘ و ’سیم آخر‘ هم در جشنواره امسال روی پرده می روند.

وی افزود: متاسفانه فیلم های سینمایی ’هیچ‘ و ’دموکراسی تو روز روشن‘ در جشنواره امسال اکران نمی شوند. امیدوارم با حل مشکل این فیلم ها شاهد نمایش آنها در این رقابت سینمایی باشیم.

کارن همایونفر برای فیلم های سینمایی ’پاپیتال‘، ’آفتاب بر همه یکسان می تابد‘، ’توفیق اجباری‘، ’کودک و فرشته‘ و... موسیقی ساخته است.

جایزه سال زنده یاد ایرج بسطامی

جایزه سال زنده یاد ایرج بسطامی همزمان با هشتمین سالگرد زلزله بم به برترین خوانندگان جوان تعلق می گیرد. عضوهیئت مدیره بنیاد بسطامی با اعلام این خبر گفت : اولین دوره جایزه ایرج بسطامی که جزئیات بیشتر آن متعاقبا در قالب فراخوانی منتشر خواهد شد به سه خواننده منتخب در عرصه آواز اصیل ایرانی اهدا خواهد شد.

محمدهلی بسطامی در ادامه افزود: از جمله شرایط اصلی شرکت در این جایزه داشتن شرط سنی ۱۵ تا ۲۸سال است که متقاضیان پس از بررسی نمونه آثارشان توسط اساتید آواز می توانند برای رقابت به مرحله تهای راه یابند.

وی همچنین تصریح کرد: این مراسم در تهران و توسط بنیاد ایرج بسطامی برگزار خواهد شد که از دو سال قبل فعالیت خود را با هدف حفظ و اشاعه کلیه رشته های هنری به خصوص موسیقی آغاز کرده است.



جای بسی خوشحالی، افتخار و ایجاد انگیزه برای گروه است که ضمن به یاد داشتن نه سال تلاش و کوشش همچنان سعی کنند موقعیت وجهه خود را به لحاظ موسیقایی و اتحاد و همبستگی بیشتر حفظ کنند.

• مساله اختلاف نظرها (چه در مورد نحوه ی عمل و چه در مورد حواشی) در گروه ارکیده چگونه حل می شود؟
با مدیریت ، صبر و شکیبایی

• در این ۹ سال، روی هم رفته تا به حال بر روی چند تا آهنگ کار کردید (آهنگ هایی که در کنسرت ها هم اجرا شده باشد)؟

به این دلیل که فعالیت گروه ارکیده در قالب کنسرت هست و در چند سال اخیر سعی ما بر این بوده که در هر کنسرت حداقل ۵ ترانه جدید در کنار کارهای قبلی داشته باشیم، بنابراین جدا از کارهای بی کلام می توان از ۵۰ تا ۶۰ ترانه نام برد.

• بیشتر مخاطبین شما در چه گروه سنی هستند؟
مخاطبین گروه ارکیده قالباً از قشر جوان و تا حدودی از قشر میانسال هستند.

• در آمد شما از موسیقی تنها مربوط به کنسرت ها میشود؟
شما که اجازه ضبط و فروش آلبوم ندارید چگونه از پس این همه هزینه های سنگین گروه بر میایید؟
تامین این هزینه ها تا به امروز با تکیه بر سرمایه شخصی و تا حدودی در آمد حاصل از کنسرت ها بوده، ولی نقطه ای که اشاره فرمودید یکی از مشکلات اساسی موسیقی بانوان است.

• امکان برگزاری کنسرت در خارج از کشور را دارید؟
در چارچوب یک سری ضوابط این امکان وجود دارد و اتفاقاً پیشنهاد هایی برای اجرای خارج از کشور داشته ایم.

• سبک گروه شما موسیقی پاپ هست ولی می بینیم در ساز بندی گروه از سازهای سنتی استفاده می شود. حتی خود شما هم نوازنده سنتور هستید و همین باعث خواهد شد به موسیقی سنتی گرایش بیشتر داشته باشید. ولی با این همه شما موسیقی پاپ کار می کنید. اولاً به چه دلیل از این سازها در یک گروه موسیق پاپ استفاده می شود و دوماً فکر نمی کنید همین تناقض در سبک موسیقایی شما باعث ضعف کارتان شود؟

چون معتقدم سازهای سنتی قابلیت مطرح شدن در دیگر انواع موسیقی را دارند و از آن جایی که موسیقی پاپ ما ریشه در موسیقی کلاسیک و فولکور ایران دارد، فضا برای خلق آثار خوب گسترده است. نه تنها باعث ضعف نیست که باعث قوت است.

ارکیده حاجی وندی که لقب اولین خواننده زن پس از انقلاب را با خود به یدک می کشد، حدود ۹ سال پیش گروهی را پایه گذاری کرد که شاید آن زمان خود او هم فکر نمی کرد تا یک دهه بعد سرپرست تنها گروهی باشد که بعد از ۹ سال توانسته خود را در سطح اول موسیقی ایران حفظ کند، حاجی وندی با گروه ارکیده که خواهرانش هم نیز عضوی از این گروه هستند در جشنواره های متعدد و معتبر موسیقی همچون جشنواره فجر شرکت و توجه مخاطبین زیادی را به خود جلب کرده، از شما دعوت می کنیم برای آشنایی بیشتر با گروه و سرپرستش مصاحبه ی زیر را بخوانید.

• هدف و اصولاً علت اصلی گرایش شما به هنر موسیقی چیست؟
دلیل اصلی این گرایش به واسطه حضور در خانواده موسیقایی و طبعاً علاقه ام و ژن موسیقایی از جانب پدرم بوده.

• در زمینه موسیقی تحصیلات آکادمیک داشته اید؟
بله، دارای مدرک کارشناسی موسیقی با ساز تخصصی سنتور.

• جرقه تشکیل گروه ارکیده چگونه ایجاد شد؟
شور و هیجان فعالیت موسیقی در دوران دانشجویی از طرفی و چون در آن زمان ضبط و همخوانی با خوانندگان موسیقی پاپ و همینطور اصیل را تجربه می کردم و این همخوانی ها متأسفانه جوابگوی نیاز ها و خواسته های موسیقایی که در ذهن من میگذشت نبود، بهانه هایی بزرگی شدند برای تشکیل یک گروه موسیقی که در آن به صدای زن احترام گذاشته شود و به صورت واقعی شنیداری شود. ضمن علاقه ام به این نوع موسیقی و از آن جایی که خلاء حضور یک گروه پاپ متشکل از نوازندگان و خواننده زن، احساس میشد، گروه موسیقی پاپ ارکیده شکل گرفت.

• کلاً روال اجرای برنامه هایتان به چه شکلی است؟
روال برنامه ها بر اساس قطعاتی است که توسط گروه و یا آهنگسازان دیگر تهیه، ساخته و تنظیم می شوند و به صورت (live) به گوش مخاطب می رسد.

• آهنگ هایی که در کنسرت هایتان اجرا می کنید بایستی قبل از اجرا از فیلتر ارشاد عبور کنند و مجوز برایشان گرفته شود؟ (ترانه ها و ...)
بله ، ترانه ها و موسیقی جدید که هر بار در کنسرت های مختلف اجرا می شوند. قطعاً مراحل اخذ مجوز را طی خواهند کرد.

• امسال نهمین سال فعالیتتان را جشن گرفتید. گروه شما اولین گروه موسیقی زنان هست که اعضای اصلی، این همه سال کنار هم بودند، وقتی اعلام میشود ارکیده ۹ سال فعالیت داشته و هنوز هم در سطح اول موسیقی است، چه حسی به شما دست میدهد؟

گفتگو با ارکیده حاجی وندی

اولین خواننده زن پاپ بعد از انقلاب

● ابراهیم مولائی

• **سابقه نوازندگی در گروهی به غیر از ارکیده داشته اید؟**

به عنوان نوازنده به غیر از حضور در چندین گروه سنتی اخیرا تجربه اجرای سنتور در تیتراژ پایانی سریال دلنوازان را داشته ام.

• **لطفا از همکاری هایتان با بهروز صفاریان بگویید؟ اینکه از چه زمانی و به چه شکلی این همکاری شروع شد؟**

این همکاری از زمان پنجمین جشنواره موسیقی گل یاس (سال ۱۳۸۲) تا به حال ادامه دارد و ایشان زحمت زیادی در رابطه با تنظیم قطعاتی، برای گروه ارکیده انجام داده اند.

• **از اینکه کارهایتان زیاد دیده نمیشود ناراحت هستید یا خوشحال؟! این دیده نشدن شاید باعث شود کارشناسان، منتقدین و رسانه های موسیقی زیاد روی کارهای شما حساس نباشند از آن طرف هم خوب دیده نشدن باعث میشود واقعا به آن چیزی که حقتش را دارید نرسید! نظر خودتون در این رابطه چیست؟**

طبیعا هر آهنگساز و هنرمندی تمایل دارد موسیقی اش را به گوش همگان برساند. این در مورد ارکیده هم صدق می کند. ضمن اینکه گروه ارکیده بارها در جشنواره و همینطور کنسرت های مستقل خود مورد کارشناسی، انتقاد و تحسین کارشناسان، رسانه ها و مخاطبین قرار گرفته است.

• **با توجه به محدودیت های موجود در حیطه موسیقی بانوان تا به حال به فکر تهیه آلبوم بی کلام، تک نوازی یا ... بوده اید؟**

بله ایده های جدیدی داریم که قرار است به مرحله اجرا در آوریم.

• **گروه شما سابقه حضور در جشنواره موسیقی فجر را دارد، امسال نیز حضو خواهید داشت؟**
احتمالا در بخش جنبی جشنواره شرکت کنیم.

• **کیفیت کارهای بانوان در جشنواره فجر را چطور ارزیابی می کنید، سطح کیفی موسیقی بانوان بالاتر است یا مردان؟**
از آنجایی که در موسیقی مرز و جنسیت نمی شناسند و در حال حاضر در کشورمان خانم های تحصیلکرده و موزیسن ها و استعداد های قابلی بینشان هست که چنانچه بستر مناسبی برایشان محیا شود، خواهند درخشید و در رابطه با جشنواره فجر به نظر من کارهای بانوان در بخش های مختلف کلاسیک، سنتی و محلی به لحاظ نوازندگی و خوانندگی در سطح قابل قبولی است ولی شاید تنها نقطه ضعفی که وجود دارد این باشد که کارها معمولا در بخش بانوان تکراری است و آن هم حتما به این جهت است که متاسفانه به دلیل محرومیت از داشتن آلبوم در بازار از این گروه ها، انگیزه کافی برایشان برای تولید قطعاتی که تنها در کنسرت مورد مصرف قرار می گیرند، وجود ندارد.

• **با توجه به اینکه ساز تخصصی شما سنتور هست دوست دارم در این زمینه چند سوال از شما داشته باشم، قبل از هر چیز می خواهم نظرتان نسبت به دو بزرگ مرد سنتور ایران «مرحوم فرامرز پایور» و «مرحوم پرویز مشکاتیان» را بدانم و با توجه به اینکه برای سنتور فقط دو روش و شیوه آموزش در ابتدا و حتی در مقاطع عالی وجود دارد (نخست مکتب استاد پایور و سپس مکتب استاد مشکاتیان) در غیاب این دو بزرگ مرد، آینده سنتور و سنتورنوازی و آموزش آن درموسیقی ایران را به چه شکل می بینید؟**

سنتور استاد پایور بسیار با شخصیت و تمیز است. نو آوری جذاب و دلپذیری که آقای پایور به همراه چند تن از اساتید دیگر انجام دادند، مثل اضافه کردن نمد به مضراب ها که به دلنشین شدن و تمیز شدن سنتور کمک کرد. از طرف دیگر همین اضافه شدن نمد به مضراب ها باعث شد تا دیگر، سنتورهای قدیمی جوابگوی نوازندگی جدید نباشند، زیرا وقتی با مضراب بی نمد ساز نواخته می شود به علت زنگ و داشتن فرکانس های بالا و همهمه، معایب ساز از چشم نوازنده پنهان می ماند.

همچنین کوک دقیق و صدای دلنشین ساز هم تحت شعاع قرار می گیرد. اما با مضراب نمد دار تشخیص صدای ساز بسیار ساده انجام می شود و از زمان مضراب های با نمد به بعد است که سازندگان سنتور مجبور به مطالعه بیشتر شدند تا سازهایی با کیفیت صوتی بهتر و طبق ذوق مطلوب تر ایجاد کنند.

آقای پایور علاوه بر تحولی که بعد از حبیب سمائی در سنتور نوازی ایجاد کردند، کمی هم از سنت دور شدند، مانند قطعات «قریبا»، «فانوس» و غیره، اما سنتور خوش صدای پرویز مشکاتیان، مضراب های سی و چند ساله، کرشمه های خاص، سبک با شکوه و روانی ملودیک، خلاقیت خود جوش و ساده و غیر مصنوع که در چند دهه ی جاری نظیر ندارند و شیرین نواز از بزرگترین موسیقی دانان محبوب که ارائه هنرش منطبق بر خواست های اجتماعی و تقاضای مخاطبانش بود . وی نماینده موسیقی اصیل جدید بود که از حیث هنر و تفکر مترقی بود. گرچه این دو هنرمند خاموش شدند ولی آثارشان و هنرشان نزد مردم و شاگردانی که تربیت کرده اند، جاودانه و محفوظ است و آن چه که از خود برای ما شاگردان و نسل جوان به میراث گذاشته همانند گوهری سینه به سینه حفظ و منتقل خواهد شد.

• **جایگاه سنتور در موسیقی سنتی چیست و به نظرتان چه ویژگی هایی دارد(با اینکه شما از سنتور در موسیقی پاپ استفاده می کنید)؟**

در جواب به سوال شما شاید لازم باشد تعریفی از موسیقی پاپ داشته باشم. موسیقی پاپ هیچ چیزی جز موسیقی کلاسیک و فولک ما نیست که همانا به دلیل ساده فهم تر شدنش دچار ساده نوازی شده و از پیچیدگی که موسیقی های دیگر دارد عاری شده تا اکثریت بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند، که به این نوع موسیقی، مردمی یا به اصطلاح پاپ گفته می شود.

پس در این جا استفاده از سنتور هیچ منعی ندارد، چرا که استفاده از هر نوع سازی در قالب موسیقی پاپ به علت زیبا بودن است و در پاپ هر چیزی که زیباتر باشد و هر عنصری که بتواند ارتباط بهتری با مخاطب برقرار کند، می تواند باعث شود آن موسیقی موفق و تاثیر گذار باشد. کما اینکه اخیرا این نوآوری در موسیقی پاپ بودیم که از ساز سنتور استفاده شد و بسیار مورد تشویق و رضایت قرار گرفت و این تلفیق ها می تواند بسیار جذاب و گیرا استفاده شوند.

• **بعد از انقلاب اسلامی ، سهم بانوان از جامعه ی موسیقی ایران را چقدر می دانید؟**

به نظر من بعد از انقلاب، خانم ها در زمینه نوازندگی جدی و آکادمیک پیشرفت داشته اند و حضورشان مستحکم تر شده و تلفیق های بسیار خوبی از این نوازنده ها در کنار آقایان انجام شده، مثل حضورشان در ارکستر سمفونیک، ارکستر ملی و ...

• **تا به امروز جنسیت شما باعث شده تاثیری در پیشرفت موسیقایی شما بگذارد؟**

به لحاظ پیشرفت علمی و موسیقایی خیر، ولی به دلیل نبودن بستر مناسب و گسترده از لحاظ کمرنگ تر دیده شدن و کمتر مطرح شدن، متاسفانه بله.

• **شما اگر ریاست دفتر موسیقی وزارت ارشاد را بر عهده داشتید چه رویکرد جدید و متفاوتی برای رفع مشکلات موسیقی بانوان اتخاذ می کردید؟**

برای ایجاد بستر مناسب و فرهنگ سازی در هنر موسیقی تلاش

می کردم تا خانم ها هم بتوانند در موضعی قابل دفاع، مجال فعالیت گسترده تری را در وطنمان داشته باشند. کما اینکه این حمایت در سینما و ورزش در بخش بانوان به وضوع قابل مشاهده است.

• **درباره مشکل کپی رایت در ایران صحبت کنیم، راه حل شما برای برخورد با این مشکل بسیار جدی چیست؟**

این مساله بسیار پیچیده و رفع آن از عهده اهالی هنر و مسولیتش خارج است ولی می بایستی ابتدا توسط مقامات عالی در مجلس به تصویب برسد، که مدیران اجرایی اصلح انتخابات شوند برای ایجاد سازماندهی کپی رایت که به پابلیشر (سازمان جهانی کپی رایت جهانی) وصل شود و در نهایت بتوانند به بهره برداری معنوی و مادی خود برسند.

شایان ذکر است که حوزه ی موسیقی در قبال این مشکل نسبت سینما و فیلم و نشر مظلوم تر واقع شده است و امیدواریم که هرچه زودتر به این موضوع اهمیت داده شود و هنرمندان بتوانند به لحاظ مادی و معنوی نتیجه کارشان را بگیرند و موجب از بین رفتن واسطه هایی که برای کسب درآمد از هنرمندان سو استفاده می کنند، بشود و چرا که در این صورت هنرمند احساس مسئولیت می کند تا کار گزیده ای بهتر انجام دهد و نیازی به انبوه کار کردن ندارد. بنابراین افزایش کیفیت خواهیم داشت و شاید کسانی که فقط به خاطر مادیات وارد عرصه موسیقی شده اند به تدریج کنار خواهند رفت.



خواهران حاجی وندی!

۲

ارغوان حاجی وندی

ارمغان حاجی وندی

۳

۴

دنیا حاجی وندی

ارکیده حاجی وندی

اعضای گروه ارکیده :

ارکیده حاجی وندی - ارغوان حاجی وندی
ارمغان حاجی وندی - دنیا حاجی وندی
مریم نیک بین - مونیکا لران
آرمینا جعفری - ساره عظیمی
سپیده عظیمی - نرگس تقی پور
آذین ملک زاده - پریسا جدی



آغاز سومین سال فعالیت مجله بین المللی موسیقی ایرانیان THE SECOND BIRTHDAY MUSICMAGAZINE



● مدیر مسئول و سردبیر
مجله موسیقی ایرانیان



ابراهیم مولانی

بهمن ماه که میشود خاطرات دو سال پیش در ذهنم تداعی می گردد، خاطرات یک روز گرم تابستانی که سوار بر مینی بوس! در حال برگشت به منزل بودم که یکی از کابران سایت قبلیم که دوست و همکارم هم بود زنگ زد، شاید آن موقع فکر نمی کردم همین یک تماس باعث شکل گیری چنین ساختار فرهنگی ای شود. با او کلی صحبت کردم، او که می دانست به موسیقی علاقه ی بسیاری دارم پیشنهاد داد سایتی راه اندازی شود که در آن به موسیقی به طور کامل پرداخته شود، همین پیشنهاد باعث شد ساعت ها به این قضیه فکر کنم، ایده ی آن کاربری که الان از دوستان و همکاران عزیزم در خود همین مجله هست باعث شد شش ماه به تنهایی و شب و روز بر روی پروژه ی مجله موسیقی

ایرانیان کار کنم، تا اینکه این شش ماه تلاش نتیجه داد و بهمن ماه با اسم مجله موسیقی ایرانیان و دومین musicmagazine.ir کار خود را در زمینه رسانه ی موسیقی آغاز کردیم.

همین داستان سر آغاز فعالیت های مجله در عرصه موسیقی بود. از بهمن ماه ۸۶ سعی کردیم روز به روز متفاوت تر شویم و به همین صورت فعالیت هایمان را ادامه دادیم و حال نیز چهار ماهی می شود با انتشار ماهنامه موسیقی ایرانیان در کنار سایت خبری موسیقی ایرانیان همه تلاشمان را کرده ایم تا شما هنر دوستان سخت پسند از ما راضی باشید.

اصولا هر مجموعه و هر کاری به دلیل و به امید هدف خاصی نفس می کشد و رشد می کند، خب هدف تیم مجله ی موسیقی ایرانیان (که البته تا چندی قبل این تیم یک نفره بوده ولی خدا را شکر مدتی است که این تیم چند نفره شده) حول چند موضوع مهم می چرخد و تنها نیرویی که آنرا زنده گذاشته، رسیدن به آن قله هاست.

یکی از مهم ترین اهداف ما در این ماهنامه معرفی، نقد و بررسی همه ی آثار موسیقایی در همه ی سبک هاست که البته برای نیل به این هدف، ما نیازمند تحلیل گران و منتقدان قوی و پر تلاشی هستیم که متأسفانه در این زمینه خیلی مشکل داریم، به این دلیل که اصولاً در ایران چنین نفراتی کم داریم که در صورت وجود هم، به دلیل ناتوانیمان

در ساپورت مالی اعضای هیئت تحریریه، متأسفانه آنها ما را با بی محلی و کم محلی خود مواجه می کنند که امیدواریم به نقطه ای برسیم تا بتوانیم این مشکل را حل کنیم.

یکی از اهداف دیگر ما پی ریزی بستر مناسبی برای دیده شدن نوشته ها و افکار کسانی هست که اصولاً دغدغه موسیقایی دارند و کمتر در بند و پول و شهرت هستند که خیلی ها به ما خرده میگیرند که مثلاً چرا به فلان سبک موسیقی کمتر می پردازید یا چرا بیشتر به موسیقی پاپ توجه می کنید، خب بدیهی است وقتی کارشناس و یا نویسنده ی سبک خاصی از موسیقی وارد کار نمی شود و در این عرصه قدم نمی گذارد ما هم انقدر دارای آگاهی در انواع موسیقی نیستیم که بتوانیم همه سبک های موسیقی را بررسی کنیم. به همین دلیل از همینجا از همه ی هنردوستان، دلسوزان، منتقدان و خبرنگاران دعوت می کنیم تا ما را در راه «یاری به هنر موسیقی ایرانیان» کمک کنند تا بتوانیم خانه ای درست کنیم تا با گرمایش پیکر هنر موسیقی نحیف و ضعیفمان را کمی قوت ببخشیم.

از این تریبون نوشتاری- مجازی هم بهتر است استفاده کنم و گلایه هایی را از اهالی مطبوعات و سایت های دیگر بکنم، اول اینکه متأسفم که همه متغیرها در ایران ما وابسته ی رابطه و پول شده، خب ما در این مجله جمعی هستیم که فقط بخاطر پیشرفت موسیقی گام برمیداریم ولی من واقعا متأسفم که با اینکه از همه ی رسانه ها و مطبوعات درخواست کردیم تا خبر انتشار مجله را در رسانه هایشان قرار دهند که کار جمعی از جوانان دلسوز موسیقی بیشتر دیده شود، ولی تعدادی از روزنامه ها این کار را فقط در گروهی پرداخت مبالغ مالی شرط کردند و بقیه هم که کلاً جوابی بر ایمیل هایمان ندادند. این در حالی صورت می گیرد که خیلی از همین رسانه ها و مطبوعات گاها مطالب ما را بدون ذکر منبع در رسانه هایشان درج می کنند و البته ما هم که دستانمان به هیچ جا بند نیست و فقط میشینیم و از این همه زشتی روزگار غصه می خوریم که خب چرا اکثر روزنامه ها مطالب و اخبار شاید خیلی ضعیف تر و کم اهمیت تری را که خبرگزاری های دولت بر رسانه هایشان قرار می دهند، با ذکر منبع کپی می کنند ولی اخبار مهم تر، تخصصی تر و معتبرتر پایگاه ما را یا با بی توجهی از کنارش رد می شوند و یا هم بدون ذکر منبع مطالب را کپی می کنند.

امسال در حالی وارد سومین سال فعالیت هایمان شدیم که نه تنها پشتیبان مالی، اعتباری و تشکیلاتی نداریم بلکه نامالیماتی های فراوانی کشیده ایم (آخرین نامالیمتی، حمله سایبری به مجله موسیقی ایرانیان بود که با برنامه ریزی قبلی انجام شد و مجله موسیقی ایرانیان را طی هفته پیش دچار مشکلات فراوانی کرد) و پیکر لاغر و نحیفمان از دست بی احترامی ها، بی توجهی ها، کارشکنی ها و تنهایی ها روز به روز عذاب و سختی بیشتری می بیند، ولی وقتی تیم ما آمار بازدید و توجه مردم را به خود می بیند، انرژی مضاعفی بر قدم ها و بازوانش منتقل می شود، که با اینکه ماهنامه هنوز سابقه ی زیادی ندارد و با اینکه تبلیغات بسیار محدودی فقط در چند سایت انجام داده اما خوشحالیم که در حال حاضر تعداد دائلود مجله بالاتر از ۴۵ هزار رسیده، و این در حالی است که بسیاری از سایت ها و وبلاگ ها بدون ذکر منبع، مجله را به نام خود برای دائلود قرار دادند که تخمین می زنیم حداقل در سایت های دیگر به تعداد ۳۵ هزار هم دائلود داشته که این موضوع به این معنی است که ماهنامه با تعداد بازدید ۸۰ هزار چند برابر یک مجله ی چاپی دیده می شود و این نشاندهنده ی آن است که چقدر جای یک رسانه ی موسیقایی معتبر و کامل خالی است.

در پایان جا دارد از همه ی کاربران و هنردوستان سایت تشکر کنم که تنها دلخوشی ما رضایت آنهاست، همچنین جا دارد از همه ی هنرمندان هم بابت یادداشت ها و اظهار لطف هایشان نسبت به بنده و مجموعه تشکر کنم که امید داریم مجموعه را از کمک ها و انتقادهایشان بی نصیب نگذارند.



● نوازنده و آهنگساز



حمید متبسم

گسترش سایت های خبری موسیقی ایران نشان از توجه مردم سرزمین ما به این هنر دارد و توجه خاص اهل دل، مرحوم موثری بر درد بی مهری های تاریخی است که بر موسیقی و موسیقی دان ما گذشته است.

سایت مجله موسیقی ایرانیان در طی دو سال عمر خویش با آزاد اندیشی و پرهیز از شخصیت پروری های دست و پا گیر و همچنین با سرعت و دقت در خبر رسانی از جمله بهترین های این دوستان موسیقی ست.

با بهترین شاد باش ها برای مسولین و مخاطبین مجله موسیقی ایرانیان

● خواننده موسیقی پاپ



رضا صادقی

ضمن تبریک سالگرد شروع به کار مجله موسیقی ایرانیان، باید عرض کنم شما که در زمینه موسیقی فعال هستید باید اول مشخص کنید که در رابطه با موسیقی داخل ایران صحبت می کنید یا موسیقی جهانی، ما یک موسیقی ایرانی جهانی داریم و یکی هم موسیقی جهانی، شما اگر بخواهید در رابطه با موسیقی جهانی صحبت کنید به هیچ نتیجه ای نمی رسید چون معیارهای امکاناتی و اجرایی آن به نفع کشورمان نیست و اما در مقابل موسیقی ایرانی جهانی وجود دارد و من احساس می کنم اگر شما سعی کنید به موسیقی ایرانی جهانی بپردازید و از جنجال ها دوری کنید و بیشتر خبررسانی دقیق و موثق داشته باشید موفق تر خواهید بود، من از اینکه خیلی پر انرژی دارید کارتان را انجام می دهید خوشحالم و امیدوارم سایت هایی مثل سایت شما که سایت قوی، محترم و معتبری نیز هستند بیشتر شود تا مردم ما دسترسی آسانی به اخبارمعتبر و موثق داشته باشند.

● نوازنده و آهنگساز



لی لی افشار

در زمینه موسیقی فعالیت های چشمگیری داشته اید با تبریک تولد مجله موسیقی ایرانیان، امیدوارم موفق باشید و به فعالیت های هنری و پشتیبانی از موسیقی دان ها ادامه دهید.

● خواننده موسیقی پاپ



علی پهلوان – آریان

● نوازنده و آهنگساز



محسن شریفیان

● خواننده موسیقی پاپ



فرزاد فرزین

پیدایش سامانه های اطلاع رسانی با فن آوری جدید پدیده ای است که می تواند کمک شایانی به هنرمندان و هنر دوستان بنماید. امیدوارم مجله موسیقی ایرانیان مانند گذشته بتواند با نگاهی مثبت و بدون هیچ نگرش مغرضانه ای تنها به اطلاع رسانی سالم در خصوص موسیقی کشورمان ادامه دهد و هر روز بیش از پیش بر پله های پیشرفت گام بردارد.

موضوعی که مهم هست این است که ما به وجود چنین سایت هایی نیاز داریم، در رسانه های ملی که حتی در نشان دادن ساز هم مشکل داریم در رسانه های شنیداری هم که معمولا بدون ذکر منبع و مآخذ موسیقی ما را پخش می کنند، پس رسانه هایی همچون مجله ی موسیقی ایرانیان می تواند در این زمینه فعالیت های گسترده ای داشته باشد و جای خالی رسانه ی جامع موسیقی در کشورمان را پر کند، در ضمن خواهش من از دوستان مجله این هست که بر حیطه ی موسیقی نواحی، فعالیت بیشتری انجام شود و مجله و سایت کم کم بیشترین سمت تخصصی شدن حرکت کند و معرف خوبی برای موسیقی های نواحی ایران باشد. به نظرم فعالیت این سایت می تواند در فضای بسته ی خبر رسانی در حوزه موسیقی ایران، بسیار امیدوار کننده باشد.

به دلیل اینکه رسانه های ما در زمینه موسیقی بسیار کم هست و ما محدودیت اطلاع رسانی داریم، وجود سایت های معتبری همچون مجله موسیقی ایرانیان برای موسیقی ایران لازم بوده و امیدوارم همیشه در کارتان موفق باشید، در ضمن تولدتان هم مبارک!



● نوازنده و آهنگساز



رضا برون

از روزی که گشتن در اینترنت را به پرسه زدن در کوچه های غربت و تنهایی ترجیح دادم نمی دانم چه شد که موزیک مگزین را به طور کاملا اتفاقی پیدا کردم، شاید به خاطر کار و درس بود و یا بخاطر آنکه ذهن جستجو گر من همواره به دنبال هر چیز که در ارتباط با موسیقی باشد می گردد، به هر حال خوشحال بودم از آنکه چنین مجله ای وجود دارد، و من با خود می اندیشیدم هر قدر هم که باشند باز هم کمند زیرا که برای بازتاب موسیقی ایران با آن همه شکوه و عظمتی که در آن نهفته است هر چه بگوییم کم گفته ایم و هر چه بنویسیم هیچ نیست، آن وقت ها این جوان را نمی شناختم هنوز هم او را از نزدیک ندیده ام، اما آن روز ها با خود می اندیشیدم چرا او این کار را با همه ی زحمتش انجام می دهد، سپس فکر کردم او نمی تواند در این راه تنها باشد و حتما یک تیم همکار هستند.

مدتی پس از برپایی پایگاه اینترنتی من و گروه موسیقیمان، یعنی گروه موسیقی مهرآوا، از طریق دوست هنرمندم دکتر پیمان ناصح پور که او نیز در آلمان زندگی می کند اما صدها کیلومتر دور تر از من، تلفنی با خبر شدم که موزیک مگزین مهربانی کرده و با لطف بسیار من و گروه مهرآوا را به خوانندگان خود معرفی کرده است، به دکتر گفتم این ها را میشناسید؟ گفت آری ابراهیم مولائی از دوستان خوبيست که از طریق اینترنت با او در ارتباط هستم، اگر خواستی با او در ارتباط باشی این هم ایمیلش. با خوشحالی برای مولائی نامه ای نوشتم و از این همه مهرش سپاسگزاری کردم و او نیز با محبت تمام به من پاسخ داد و تلفنش را برای من فرستاد، به او تلفن کردم، شنیدن صدایش در این دیار غربت برایم انرژی مثبتی بود، خوشحال شدم و حس کردم او نیز اینچنین است، به من گفت در تبریز زندگی می کند، در اداره ای مشغول به کار می باشد و یکه و تنها این مجله را اداره می کند، راستش کمی تعجب کردم اما اینچنین بود، با خود گفتم بدون چشمداشت مالی و هیچ امکانات ویژه به راستی که دشوار است، پس از آن به یاد خودمان افتادم که بارها بدون هیچ چشمداشت مالی هزاران دردسر را در این راه بر خود هموار کردیم، پس او نیز می تواند چنین باشد، آری باید چنین باشد، و به راستی اینگونه هم هست، پس از آن تلفن، ارتباط ما بیشتر شد، چند بار برایش مطالبی را فرستادم که با مهر فراوان آن ها را چاپ کرد و حتی ایرادهای گوناگون مرا نیز تحمل نمود، این روزها سالگرد مجله ی اوست، مجله ای که اینک به صورت ماهنامه نیز منتشر می شود و خوانندگان بسیاری دارد، و این ضرورت برای همه ی کسانی که با موسیقی سر و کار دارند و در ضمن خواننده ی این مجله هستند، احساس می شود که به ارزش هنری این کار واقف باشند، ابراهیم مولائی (سردبیر و صاحب امتیاز مجله) را انسانی مهربان و سرشار از عواطف انسانی یافتم که به راحتی انتقاد را می پذیرد و به آن بها می دهد و انصافا در این مجال هم من قصد ندارم همانند بسیاری از هم میهنان، زبان به انتقاد بگشایم چرا که انتقادی وجود ندارد و من می پندارم که خبرنگار موسیقی به راستی باید دارای صبر زیاد و عشقی سترگ به کارش باشد و من او را اینچنین می دانم. بر آن هستم که مجله موسیقی او نیز گواه این گفته من است. بر ماست تا از او سپاسگزار باشیم و حرمتش بنهیم و بر این همه عشق و پشتکارش درود بفرستیم. جناب ابراهیم مولائی امروز از دوستان خوب من هستند و من به نوبه ی خویش و از سوی همه همکارانم در گروه موسیقی مهر آوا این رویداد خجسته را ارج می نهیم و به او شادباش می گویم و در تمام مراحل کار مطبوعاتی و زندگی برای ایشان آروزی پیروزی دارم. گام هاشان در راه خدمت به موسیقی ایرانی استوار باد، ابراهیم عزیز برقرار باشید، دمت گرم و سرت خوش باد.

● خواننده موسیقی راگ



رضا یزدانی

آغاز سومین سال فعالیت های مجله موسیقی ایرانیان را تبریک می گویم . فعالیت چنین سایت های معتبری در موسیقی ایران میمون و تاثیرگذار است، امیدوارم این روند رو به رشد ادامه داشته باشد و به جامعه موسیقی کمک کنید و در این اوضاعی که مشکل خبر رسانی هم داریم به بهترین و سریع ترین زمان ممکن خبر رسانی داشته باشید و بازدیدهایتان به مرز میلیون برسد!

● خواننده موسیقی پاپ



مجتبی کبیری

سعی کنید محیطی برای هنرمندان و خواننده ها به وجود آورید که در آرامش به کار خودشان ادامه دهند و حتما از جنجال سازی به دور باشید. مشکلی هم که در بیشتر سایت های موسیقی هست و به نظرم باعث ضربه زدن به هنرمندان می شود تایید همه نظرات مخاطبین هست، لطفا سعی کنید نظرات بیهوده و جهت دار که در راستای ضربه زدن به هنرمندان هستند را بدون سند و مدرک تایید نکنید.

● خواننده موسیقی پاپ



سهراب و امیر

پیشنهادی می کنیم خبرهایی که منتشر می کنید حتما موثق و معتبر باشد و با این پشتکاری که دارید انشالله هر روزتان بهتر از دیروزتان باشد! وما نیز شاهد پیشرفت های مجله موسیقی ایرانیان باشیم.



● خواننده موسیقی سنتی



سالار عقیلی

هر سایت خبری وظایفی دارد که شما هم به بهترین نحو ممکن دارید وظایف خبری خود را دنبال می کنید. از میان سایت هایی که تا به حال دیده ام سایت شما خوب و از بهترین ها در زمینه موسیقی بود.

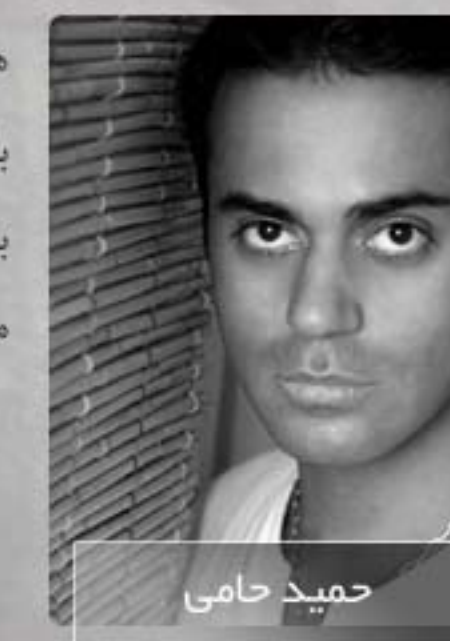
● خواننده موسیقی پاپ



سعید شهبروز

به جناب آقای مولائی و همکارانتان که در عرصه موسیقی زحمت می کشید خسته نباشید می گویم. ما هنرمندان که در تلوزیون و حتی شبکه های ماهواره ای هیچ فرصت تبلیغ و اطلاع رسانی برای فعالیت هایمان نداریم و تنها همین رسانه های اینترنتی که معتبر هم هستند ما را ساپورت می کنند، ضمن تبریک سالگرد شروع به کار مجله موسیقی ایرانیان امیدوارم همیشه بهتر از دیروز باشید.

● خواننده موسیقی پاپ



حمید حامی

هنوز رسانه های اینترنتی که در زمینه موسیقی فعال هستند جایگاهی که باید در بین مردم داشته باشند را پیدا نکرده اند و این مشکل هم به دلیل سرعت پایین اینترنت در کشورمان هست که باعث شده همه مردم به اینترنت دسترسی نداشته باشند. امیدوارم این مشکل حل شود و مجله موسیقی ایرانیان به آن جایگاه والا که لیاقتش را دارد برسد.

● مجری ، تهیه کننده و خبرنگار



هومن شهبندی

تبریکات صمیمانه مرا به مناسبت سالگرد افتتاح سایت پر بار مجله موسیقی ایرانیان بپذیرید، به گواه تاریخ موزیک در ایران میتوانم با افتخار به شما بگویم که سایت شما حرفه ای ترین سایتی هست که تا حال دیده ام، من در اروپا خصوصا در بلژیک فعالیت های هنری دارم و در برگزاری کنسرت دستی در این کشور دارم به جرات میتوانم بگویم که به این سطح و این کیفیت تا حال ندیده ام، به شما و همکارانتان خسته نباشید میگویم.

امیدوارم در مسوولیتی که در پیش رو دارید موفق و سر افراز بیرون بیایید

● خواننده موسیقی پاپ



امین رستمی

مجله موسیقی ایرانیان، رسانه ای جامع، معتبر و شکیل در عرصه موسیقی هست که دسترسی به اطلاعات برای مخاطبین این مجله بسیار راحت است، امیدوارم نیز مثل سابق بدون غرض ورزی از هنرمندان در این سایت حمایت شود.

● خواننده موسیقی پاپ



بابک قدمایی

با سلام و درود خدمت دوستان عزیز، هنرمند و زحمتکش در مجله موسیقی ایرانیان، سالروز تولد این سایت فرهنگی ، وزین و پر مخاطب را خدمت شما و همه مخاطبان و به ویژه خانواده شریف موسیقی این مرز و بوم تبریک عرض می کنم. آرزو دارم هم چون گذشته در این حرکت ارزنده و اثر گذر بیش از پیش موفق و پیروز باشید.

● خبرنگار و مقاله نویس سایت موسیقی ما



امین موسوی

اگر بخواهیم از دید حرفه ای و دنیوی قضیه بگذریم، هر موجود و یا مجموعه ای که دارای قدرت انتخاب باشد، حال می خواهد این مجموعه به صورت مجرد، انسان باشد، خواه می خواهد یک جامعه و یا یک سایت باشد، در صورتی ماندنی، جاودانه و سعادتمند می شود که خوبی، درستی و انسانیت را تنها متغیر خود در انتخاب اعمال و تصمیماتش برگزیند، با توجه بر همین اصل هم جناب مولائی مدیر مسئول این سایت با رفتار و برخورد درست و انسانی با هنرمندان، نویسندگان و مخاطبان نشان داده که بیشتر از آنکه بنده ی پول و مادیات باشد، دغدغه ی موسیقایی و هنری دارد که این ویژگی بسیار بزرگی در ایشان می باشد که متأسفانه کمتر در جامعه و رسانه های دیگر ما این موضوع دیده می شود، جناب مولائی مادامی که این ویژگی را در خود رشد دهند و حفظ کنند، مطمئناً می توانند بیش از پیش پیشرفت کنند، گرچه با زیاد شدن مشغله ی آدمی در این جوامع جهان سوم نیمه مدرن، کمتر هر فرد می تواند دغدغه ی انسانی و عاطفی خود را حفظ کند.

اگر بخواهیم کمی هم به طور حرفه ای به قضیه نگاه کنیم، سایت مجله ی موسیقی ایرانیان هم مثل هر مجموعه و تشکیلاتی دارای نقاط ضعف و مثبتی می باشد، از نقاط مثبت این سایت می توان به پوشش کامل اخبار موسیقی در کمترین زمان اشاره کرد که این سایت به خوبی اکثر اخبار موسیقی را با رصد دقیق و همه جانبه ی خود در سایتش قرار می دهد، یکی دیگر از ویژگی های مثبت این سایت این است که در کنار اخبار دیگر رسانه ها به تازگی با اخبار اختصاصی خود توانسته یکی از پایگاههای خبری مهم موسیقی در جامعه مجازی باشد، که البته ایرادات دستوری و نگارشی زیادی را هم می توان به بعضی از مطالب اختصاصی سایت گرفت که امیدوارم با تلاش و کوشش بیشتر این ایراد رفع شود، که البته اگر بخواهیم به سایت هم انتقادات دیگری بکنیم، کمی پیچیدگی و آشفتگی را می توان در جایگاه مطالب و در قسمت های مختلف سایت دید که مخاطب را در انتخاب بازدید از قسمت های مختلف سایت کمی سردرگم می کند که امیدوارم این ایراد هم رفع شود.

اگر بخواهیم کمی هم در مورد ماهنامه موسیقی ایرانیان صحبت کنیم، می توان گفت بر خلاف بسیاری از مجلات چاپی و زرد، اکثر مطالب این ماهنامه از جمله مقاله و مصاحبه، اختصاصی است و این خود یکی از بارزترین ویژگی این مجله است، البته این ماهنامه باز هم ضعف هایی کم و بیش در رعایت نگارشی دارد که طراحی گرافیکی عالی ماهنامه، توانسته این ایرادات را تا حد زیادی مخفی کند. یکی دیگر از ویژگی های منحصر به فرد ماهنامه این است که فقط درگیر یک نوع سبک موسیقی نیست، بلکه با باز گذاشتن دست مقاله نویس به همه ی سبک های موسیقی اجازه ی مطرح شدن و بررسی شدن می دهد که امید است با تلاش و کوشش بیشتر، مقاله های عمیق تر و ریشه ای تر هم در مورد موضوعات مختلف موسیقی در ماهنامه قرار گیرد که جای مقاله های تحلیلی عمیق هنری و به دور از سلیقه در رسانه های مختلف هنری مخصوصاً موسیقی به شدت دیده می شود.

در کل اگر بخواهیم ماهنامه را از شماره ی یک تا شماره ی آخر بررسی کنیم، به این نکته می رسیم که با وجود تمام ضعف ها و کاستی ها، این مجله در طول سه ماه پیشرفت روز افزون و قابل توجهی داشته و دارد و این خود باعث خوشحالی هست که هر چقدر سایت ها و رسانه های موسیقی بیشتر و قوی تر شوند، باعث رقابت سازنده ای بین همه ی سایت ها می شود و مطمئناً نتیجه ی این اتفاق به طور ناخودآگاه باعث پیشرفت هنر موسیقی خواهد شد.

در پایان هم تولد این سایت را به همه ی مخاطبان و مسئولین سایت تبریک می گویم و امیدوارم مجالی پیش بیاید تا امکان چاپ ماهنامه موسیقی ایرانیان بوجود بیاید تا مطالب این ماهنامه بیشتر دیده شود.

● خواننده موسیقی پاپ



محمد علیزاده

ضمن تبریک تولدتان، پیشنهادی که برای دوستان عزیزم در مجله موسیقی ایرانیان دارم این هست که در خدمت موسیقی باشید. از باند بازی هایی که در اکثر سایت های موسیقی هست سعی کنید به دور باشید.

● خبرنگار مجله نسیم



میثم یوسفی

بحث کلیشه ای دنیای ارتباطات و رسانه، بحث متداول این ایام است، و به صرفه کلیشه ای شدنی عنوان، نمی شود از کنار چنین موضوع بروز و سر پایی به راحتی بگذریم، از طرفی علی رغم علایق من به رسانه های مکتوب، اعتراف میکنم که رسانه های الکترونیک به سرعت در حال گسترش هستند و بار اصلی رسانه های مستقل را در کشوری مثل ایران که عملاً داشتن تلویزیون خصوصی برای هنرمندانش یک آرزوست به دوش دارند. مجله موسیقی ایرانیان در همین راستا بار سنگینی را به دوش می کشد تا تلاش کند که یکی از معدود رسانه های مستقل، منصف و تاثیر گذار هنری و موسیقی باشد، امیدوارم در این راه موفق باشند

● خواننده موسیقی پاپ



بابک جهانبخش

به نظر من مجله موسیقی ایرانیان سایت خیلی خوب و معتبری هست و اتفاق بسیار خوبیست که سایت های موسیقی معتبر در حال زیاد شدن هستند و به نظر من خیلی این به نفع موسیقی ایران است، من هم امیدوارم همیشه خبرهای مجله موسیقی ایرانیان معتبر و موثق باشند.





● نوازنده و آهنگساز



میدیا فرج نژاد

از زمانی که شروع به کار در وادی پر نشیب و فراز موسیقی اصیل ایرانی کردم، همیشه یرایم سوال بود که چرا هیچ گاه آنچنان که باید نشریه ای وجود ندارد که به معنای واقعی کلمه دلسوزانه و خالی از هر جناح بندی و مافیایی دست به انتشار اخبار و مقالات هنرمندان بزند و این توان را داشته باشد که با نیکنامی، اعتماد هنرمندان را به خود جلب کند.

همیشه این گونه بوده است که هنرمندان ما کمتر برای حفظ این میراث عالی قدر دست به قلم شده اند و معدود است مقالات و دست نوشته هایی از هنرمندان ما که بدون ممیزی و کج سلیقه گی به انتشار رسیده باشد. همین فضای بسته باعث روی آوردن هنرمندان ما به سکوت شد و بسیاری نیز به همان کاستی موجود بسنده کردند و این حق نبود که هنرمندان را مسکوت و منزوی ببینیم.

نشریات موجود نیز با وجود زحمات خود کمتر توانستند که با هنرمندان آنچنان که شایسته است مشارکت و مشورت داشته باشند و روابط همیشه تعیین کننده بوده است نه حقایق.

در سرزمینی چون ایران، با دارا بودن منابع وسیع موسیقایی، امکانات موجود به حق که جوابگوی این حجم از آثار و زحمات نیست و این را به سادگی می توان احساس کرد.

چرا که رسانه ها کاملاً بر مبنای سلیق خود عمل می کنند و گاها حرکات مخربی هم در رسانه ها می بینیم که گویی دوستان ما در رسانه کاملاً ذائقه ی تشخیص خود را برای شناخت موسیقی ارزشمند و ماندگار از دست داده اند.

در شرایط موجود و با دشواری ها و بی مهری های کنونی بود که در دنیای بزرگ اینترنت با مجله ی موسیقی ایرانیان طی تماس دوستان آشنا شدم و برایم بسیار جذاب بود که دوستان هنرمند و حتی سخت گیر نیز از وجود این مجله سخن به میان می آورند.

در ادامه با کار این مجله بیشتر آشنا شدم و برایم جالب بود که سردبیر و اعضای این مجله به شکلی مداوم و پیگیر اخبار هنرمندان را دنبال کرده و حتی هنرمندان را با تماسهای مکرر خود مشتاق به همکاری های گونا گون می کنند. حرکتی که بسیار پیش از این ها باید توسط رسانه ها و جراید صورت می گرفت این بار به وسیله ی کسانی انجام می شد که ظاهراً دلسوزانه برای موسیقی ما تلاش می کنند، نه صرفاً برای فروش و کسب درآمد بیشتر.

فعالیت این مجله را در احوالات فعلی جامعه به فال نیک میگیرم و همت این عزیزان را اجر می نهم و امیدوارم که با کمک هر چه بیشتر هنرمندان وتلاش مدیران، این مجله هر چه بیشتر شاهد حق گویی در این مجله باشیم و مجله ی موسیقی ایرانیان تبدیل شود به مکانی امن برای هنرمندان در جهت ارتقا فرهنگ شنیداری و پیشرفت موسیقی ایران زمین.

با آرزوی موفقیت

● خواننده موسیقی اپرا



بهرام تاج آبادی

مجله بین المللی موسیقی ایرانیان یکی ازغنی ترین منابع موجود رایج در مورد موسیقی ایران و موسیقی بین الملل است که حاوی مطالب گوناگون و متنوع و اخبار و مقالات مختلف است، با شیوه نوشتاری متنوع و متفاوت که پخش نماهنگ ها و دانلود موسیقی های مختلف ویژگی خاصی به این مجموعه بخشیده که مورد توجه هر خواننده ای واقع میگردد، در پایان جای تقدیر وتشکر وخسته نباشید دارد به این عزیزان که با عشق و علاقه و با کمترین امکانات این مجموعه را فراهم کردند، به امید موفقیت روزافزون این عزیزان.

● سردبیر سایت گفتگوی هارمونیک



سجاد پورقناد

در طی دو سه سال گذشته چند سایت موسیقی شروع به فعالیت کرده اند که بیشتر اطلاعات آنها از دیگر سایتهای موسیقی یا خبری است. یکی از این سایتها مجله موسیقی ایرانیان است که با وجود داشتن گرافیک و برنامه نویسی نسبتاً مناسب بخش اعظمی از اخبار و مقالات خود را از دیگر سایتها تهیه میکند که باعث کم شدن بازدید سایتهای منبع میشود. اخیراً مجله موسیقی ایرانیان تغییر روش داده و تعداد مطالب و اخبار اختصاصی آن رو به افزایش است، همچنان که شاهد بودیم این مجله مقالات و مصاحبه های مهمی هم در دو سال اخیر داشته که امیدواریم اینگونه مطالب زیادت‌ر شود. راه حل راهگشا و مهمی که میشود برای اطلاع رسانی اخبار و مقالات مهم موسیقی دنبال کرد، تا هم بینندگان این سایت از وجود مطلب مطلع شوند و هم صاحب اصلی مطلب، لینک دادن از روی تیت‌ر به خبر یا مقاله مورد نظر است به منبع اصلی که امیدواریم این مجله از این روش استفاده کند.

● خواننده موسیقی پاپ



احسان حق شناس

تولد مجله موسیقی ایرانیان را خدمت شما دوست عزیزم ابراهیم مولائی و همکارانتان تبریک می گویم.

سایت بسیار معتبر و حرفه ای دارید، خود من در اتفاقات اخیر و اطلاع رسانی که از طرف شما شد فهمیدم که به اندازه یک رسانه تصویری مخاطب دارید و از نظر مطلب هم البته سایت در سطح بالایی قرار دارد واعتبار لازم را در بین مردم و اهالی موسیقی کسب کرده است.



● آرمین ابراهیمی – ترانه سرا و مقاله نویس

در شرایطی که ماهنامه های تخصصی در زمینه ی موسیقی روز به روز به سوی گردابی فراگیر می روند و ارزش ها و شاخصه های خود و به طبع مخاطبان شان را پایین تر می آورند، همت کردن به درآوردن مجموعه ای مستقل و یک دست که بتواند سلیقه های گوناگون را به خودش جذب کند و با آغوش گشوده به سمت ترویج نقد و خبر اصولی برود اتفاق میمونی ست. مجله اینترنتی موسیقی ایرانیان، یکی از همین محصولات فرهنگی است که می کوشد به اغلب مسائل جاری موسیقی داخل نگاهی آزاد داشته باشد. مطمئنا راه برد امتداد فعالیت تحسین آمیز این دست ماهنامه ها و مجموعه های اینترنتی (که نمونه اش در زمینه سینما و فلسفه و ادبیات ماهنامه اینترنتی «رخداد» از سایت rokhdad.com بود) حمایت کاربران اینترنتی و آگهی های تبلیغاتی سایت ها و موسسه های فعال است. همانطور که musicema.com با دریافت تبلیغات گسترده به اشاعه فرهنگ اطلاعات اینترنتی در حیطه ی موسیقی داخل می پردازد سایت ها و ماهنامه هایی نظیر موسیقی ایرانیان می تواند فعالیت هایش را از همین طریق گسترش بدهد. در سوی دیگر، به زعم نگارنده، برخلاف طراحی سایت هایی نظیر cinemaema.com که فارغ از محتوا، با شمایل خود نیز جذب مخاطب می کند سایت موسیقی ایرانیان از طراحی درگیر کننده و متفاوتی برخوردار نیست. این تغییر می تواند قشر کم سال بسیاری را، که نخستین مواجهه شان با سایت برایشان از هرچیز دیگری مهم تر است به سوی سایت و طبعاً ماهنامه بکشد. همچنین، اگر شماره های منتشر شده، مثلاً دو شماره پیش از شماره ی تازه، به شکل صفحات اینترنتی در سایت قرار بگیرند و خود سایت شکل یک ماهنامه را پیدا کند و در واقع بشود «سایت اینترنتی ماهنامه» و نه یک سایت مستقل که ماهنامه هم منتشر می کند راه کار خوبی برای گسترش مطلب در نت است. امید که گرداننده گان این ماهنامه، که به طور دائم در حال تهیه ی مطالب ارزشمند برای ارائه و انتشار هستند فکری هم برای تبلیغات اینترنتی بکنند تا سایت و ماهنامه شان در نت دیده بشود.

آغاز سومین سال فعالیت های ماهنامه موسیقی ایرانیان را به همه نویسنده گان آن و خواننده گانش تبریک می گویم.

● نوازنده و آهنگساز



نیما وارسته

تولد مجله موسیقی ایرانیان را به همه مخاطبین و مسوولین مجله تبریک می گویم و امیدوارم همیشه کار اطلاع رسانیان را بدون غرض ورزی و به دور از هرگونه باند بازی و .. ادامه دهید.

● نوازنده و آهنگساز



پیمان خازنی

فرهنگ و هنر در میان ما ایرانیان امریست ذاتی و شاید به جرات بتوان گفت فردی که با شنیدن سخنی از پارسی گویان و یا شنیدن نغمه ای ایرانی به وجد نیاید یک ایرانی اصل نیست. در این میان ترویج هنر ایرانی را باید مدیون اطلاع رسانی درست، دقیق و جهت گیری دانست. امری که در این دو سال توسط مسولین مجله موسیقی ایرانیان به درستی صورت پذیرفته است، امیدوارم با همدلی فردایی بهتر در هنر ایران زمین رقم بزنیم .

پس به امید آن روز

● نوازنده و مقاله نویس



پیمان نامح پور

کسانی که اخبار موسیقی ایران را دنبال می کنند احتمالاً با پایگاه خبری مجله موسیقی بین المللی ایرانیان آشنا هستند. وجود چنین پایگاه هایی برای موسیقی بسیار خوب است. اگر کسی اخبار موسیقی مندرج در این رسانه خبری را دنبال کرده باشد، متوجه خواهد شد که مجله، با توجه به مشکلات گوناگونی که در این گونه کارها است، از رشد خیلی خوبی برخوردار بوده است. مجله موسیقی ایرانیان، نه تنها خبرهایی را از جاهای گوناگون در پایگاه خود گردآوری می کند، بلکه با انجام مصاحبه های اختصاصی با هنرمندان حرکت جالبی را آغاز کرده است. همچنین سه ماه است که ماهنامه موسیقی ایرانیان را به صورت پی.دی.اف طراحی کرده است که قابل توجه است. آخرین کار جالبی که توسط این مجله انجام شد، نشر فایل صوتی "دلبر عیار" تقدیم شده به پرویز مشکاتیان است، اینجانب پیمان ناصح پور، به عنوان یک کوبه ای نواز و وبنویس موسیقی، آرزوی کامیابی برای این مجله و دست اندر کاران آن دارم.

● خواننده موسیقی پاپ



ارکیده حاجی وندی

با درود و افتخار بر مجله موسیقی ایرانیان که به حمایت از هنرمندان کشورش می پردازد، عزمتان راسخ و برقرار باشید.

● مقاله نویس



محمد جواد مصافی

وب سایت مجله بین المللی موسیقی یکی از فعال ترین وب سایتهای موسیقی فعال در ایران میباشد که میتوان آن را جزو پر بازدید ترین وب سایت های موسیقی نیز بر شمرده، که در زمینه تخصصی موسیقی فعالیتهای شایان و قابل تحسینی را انجام داده است، دست اندکاران این مجله بین المللی با زحمات فراوان و بدون هیچ گونه چشم داشتی و تنها با عشق موسیقی سرزمین خود فعالیت های در خور تحسین و شایانی را انجام داده و از طریق این رسانه به هنر موسیقی خود خدمت میکنند. انجام مصاحبه با هنرمندان؛ درج مقالات موسیقی و گزارشهای خبری و اخبار صحیح و بدون حاشیه را از مزایای وب سایت مجله بین المللی موسیقی بوده و خواهد بود. هم اینک در آستانه سالگرد تولد این وب سایت وزین هستیم و امید داریم در آینده این حرکت ادامه یافته و شاهد موفقیتهای روز افزون دست اندرکاران آن باشیم.

● سردبیر سایت موسیقی ۳۶۰



آریا کرنافی

امروز شاهد دومین سال فعالیت یکی از بهترین سایت های موسیقی کشورمان هستیم. سایتی که از آغاز با محور قرار دادن کارهای گروهی و استفاده از تیم توانمند ، که در چند ماه گذشته موفق شدند سه شماره از مجله موسیقی ایرانیان را نیز بصورت مجازی به انتشار برسانند و به اغنای فرهنگ موسیقی کشورمان کمک کنند. این گروه همواره تلاش کرده تا بدون هیچگونه حاشیه از هنرمندان و موسیقیدانان کشور حمایت کند و برای بهبود وضع موسیقی ایران گام بردارد. مجله موسیقی ایرانیان از آغاز فعالیت هایش تا کنون فراز و نشیب های بسیاری را گذرانده است و حال در مسیری که می بایست قرار گیرد، قرار گرفته است. افتتاح این پایگاه خبری - تحلیلی از همان اول یک اتفاق تاثیر گذار در موسیقی کشور ما بوده و هست. همانطور که مردم عادی از اطلاعات این پایگاه بهره مند می شوند ، هنرمندان نیز اخبار مرتبط با موسیقی و هنر را به وسیله این پایگاه بدست می آورند.

و از همه مهم تر مجله موسیقی ایرانیان از آن جهت برای موسیقی کشورمان حائز اهمیت است که به دور از افراط گرایی به انتشار خبرهای موسیقی می پردازد و همواره جزو آن دسته سایت هایی بوده که اخبار دقیق و حقیقی ارایه می داده اند و از شایعات و اخبار نادرست و دروغین دوری جسته است. امید است که فعالیت های این تریبون هرچه بیشتر گسترش یابد و روزی برسد که مطالب آن نه تنها در بین ایرانیان بلکه میان مردم سراسر جهان خوانندگانی داشته باشد.

● نوازنده و آهنگساز



میلاد ترابی

در کل سایتتان را دوست داشتم و دارم! سایتتان سایت بسیار خوبی هست و احساس می کنم برای پیشرفت موسیقی ایران وجود چنین سایت هایی بسیار نیازاست. با اینکه به موسیقی و اطلاع رسانی آن کم محلی می شود ولی این سایتی که شما دارید بسیارعالیست و پیشنهاد می کنم به فکر چاپ ماهنامه هم باشید. در ضمن آغاز سومین سال فعالیت هایتان را هم تبریک می گویم.

● خواننده موسیقی پاپ



فرهاد جواهر کلام

سومین سال تاسیس مجله موسیقی ایرانیان را خدمت همه علاقه مندان به موسیقی و همه دوستاران و کاربران این سایت تبریک عرض می کنم و امیدوارم همیشه از این سایت های خوب، معتبر و پرمحتوا در اینترنت شاهد باشیم که وجود چنین رسانه های قوی با اطلاع رسانی درست به پیشرفت و ارتقاء موسیقی که هدف همه ی ما است و داریم برایش زحمت می کشیم کمک خواهد کرد.

● خواننده موسیقی پاپ



سهیل تهرانی

سایتتان بسیار فعال و زیباست و ممنونم از توجه و اهمیتی که به اهالی موسیقی می دهید. من همیشه اعتقادم بر این هست که هنرمندان ۵۰٪ موفقیت هایشان به خاطر خبرنگاران و خبر گزاریها و عزیزی چون شماست، برایتان آرزوی موفقیت روز افزون دارم و از زحمات جناب آقای مولائی عزیز تشکر می کنم.



● سردبیر سایت پرشیامک



پیمان شیرپور

برای من نوشتن از هنر و موسیقی همانند خود موسیقی همیشه مقدس است و همیشه ارتباط نزدیکی میبینم بین خودم و دوستانی که در این زمینه فعالیت میکنند ، در این مدت که با سایت "مجله موسیقی ایرانیان" آشنا شدم با توجه به پیش زمینه های بدی که از سایت های موسیقی میشناختم همیشه منتظر خبر های سطحی و نقد های کم ارزش بودم که با خوشحالی می توانم بگویم که در این مدت هیچ وقت کمبود و کاستی در این سایت ندیدم و به نظر من این سایت روز به روز در حال پیشرفت و کامل شدن است و افتخار می کنم به داشتن چنین سایتی در دنیای مجازی ایرانیان که با همکاری چنین سایت هایی میتوانیم شاهد پیشرفت در موسیقی کشورمان باشیم و نکته مهم تر پروراندن هنرمندان مسئول و متعهد هست که متأسفانه چنین فضایی را هیچگاه در رسانه نوشتاری موسیقی کشورمان از سالهای گذشته چه در فضای مجازی اینترنت و چه در نشریات چاپی کشور ندیدم .

با آرزوی موفقیت و بهترین ها برای عوامل سایت "مجله موسیقی ایرانیان"

● نوازنده و آهنگساز



رهام سبجانی

برای داشتن چنین سایتی تبریک میگویم و به نظرم سایت بسیار جالب و زیبایی دارید، پیشنهاد میکنم بیشتر تخصصی تر کار کنید و سعی کنید مقالات تخصصی مختلفی در زمینه موسیقی بر روی سایت قرار دهید.

سایتتان به شکلی باشد، مخاطبینی که بازدید می کنند تنها به عنوان یک سایت خبری بهش نگاه نکنند بلکه سایتی باشد که در شاخه های مختلفی فعالیت کند و سعی کند از سایت های دیگر متفاوت باشد، به شکلی که مخاطبین را مجبور کند تا از سایت بازدید کنند و با بازدیدشان موسیقی و تحلیل های درست را از مجله موسیقی ایرانیان دریافت کنند.

● خواننده موسیقی پاپ



مهران احراری

اگر همین سایت های موسیقی نباشند مطمئن باشید وضع موسیقی از همین هم که هست بدتر خواهد شد، رسانه های اینترنتی هستند که به بهترین شکل و بدون هیچ چشم داشتی اطلاع رسانی می کنند و باعث می شوند ضمن پیشرفت موسیقی ، پل ارتباطی بین هنرمندان و مردم باشند، واقعا از دوستان عزیزم در مجله موسیقی ایرانیان ممنونم و تولدشان را تبریک می گویم .

● خواننده موسیقی سنتی



سیاوش ناظری

● مقاله نوییس



وحید رضا صیرفیان

هنر و به طور خاص موسیقی زبان یگانه ی آدمیان است. هنر گر از جان خیزد، راستین پیام دل رساند به چشم و گوش تشنه ی مشتاقان. و آنان که همقدم و همگام هنر و هنرمند، کیوتران پیام رسان اند، رسالت بس بزرگی بر شانه دارند. شما را سپاس و درود که اینگونه خالصانه و وفادارانه رسالت خویش را به پیش می برید.

میلادتان مبارک

در حال حاضر بسیاری از طرفداران موسیقی خواسته های خود را از طریق شبکه مجازی دنبال می کنند، حرکت و جهت دهی صحیح در این فضا می تواند منجر به هدایت درست کاربران شود. مجله موسیقی که تقریباً در همه زمینه های این هنر فعالیت سازنده و موثری دارد، می تواند در آینده موسیقی ایران نقش پررنگ تری داشته باشد. خوشحالم که در آغاز سومین سال فعالیت این سایت، بیش از پیش به آن نزدیک شده ام و امیدوارم بتوانم به عنوان عضوی کوچک، مسولان این پایگاه هنری را در رسیدن به اهدافشان یاری کنم.

سالگرد آغاز به کار سایت مجله موسیقی ایران مبارک.

● مقاله نوییس



مرتضی مسعودزاده

اگر بگویم بهترین مجله اینترنتی؛ کمی جفا کردم، باید بگویم بهترین مجله و بهترین مرجع موسیقی ایران چه در اینترنت و چه در مجلات چاپی. دو سالی گذشت و در این دوسال مجله بین المللی ایرانیان با صداقت و شفافیت فعالیت کرد و طرفدار شخص و خواننده خاصی نبود و هم از موسیقی پاپ گفت و هم از موسیقی سنتی . این سایت همچنان به روند روبه رشد و یکه تازی خودش ادامه می دهد، هر روز که به این مجله سر می زنیم؛ می توانیم از تمام اخبار موسیقی ایران در ۲۴ ساعت گذشته اطلاع کسب کنیم و واقعاً یکی از کاملترین منابع موسیقی ایران است. جدیدترین اخبار؛ گزارش ها؛ مصاحبه ها و ... همه و همه توانسته این مجله را برترین کند. در کنارش؛ ماهنامه موسیقی ایرانیان نیز با کیفیت برتر خودش و مطالب جالب و اختصاصی و جذاب خودش؛ توانسته این مجله را موفق ترهم نیز بکند. واقعاً بی نظیرهست. آمار فوق العاده بازدید کننده؛ دلیل محکمی بر ادعای من است. رمز موفقیت این مجله را در اعتماد، صداقت، دوستی و پشت کار فوق العاده ی همه عوامل این مجله می دانم. با اینکه فقط دو سال است که از افتتاح این مجله می گذرد اما می بینیم که چقدر مخاطب دارد . تولد مجله موسیقی ایرانیان را تبریک می گم و آرزو دارم روز به روز مجله موفق تر شود .

ابولحسن صبا ابر مرد موسیقی ایران

● رضا برون - ستور نواز مقیم آلمان

سی آذر هر سال من را بی اختیار به یاد آن مرد بزرگ می اندازد. گرچه ما ایرانیان هر سال شب یلدا را به جشن مینشینیم و به راستی که رسمی است پسندیده، اما با خود می اندیشم اولاً که در جشنها هم می توان از درگذشته گان یاد کرد و دوم آن که اصولاً فرهنگ ما فرهنگ عزاداری و سوگ نبوده است.

پس جای آن دارد که همزمان با فرا رسیدن یلدا ی ایرانی از ابرمردی یاد کنیم که در سی آذر ۱۳۳۶ درگذشت.

آری سخن از استاد بزرگ "ابوالحسن صبا" است.

او که در طول عمر پر برکتش به راستی موسیقی ایران را دچار تحولی بزرگ کرد. صبا به طور همزمان از دو جریان موسیقی که در آن سالها وجود داشت بهره برد و دانش موسیقی خود را تکمیل ساخت.

یکی از جریان ها، کاملاً سنتی بود که موسیقی را از راه سینه به سینه آموزش می داد و صبا از محضر استادان این سبک همچون حسین خان اسماعیل زاده، درویش خان و حبیب سماعی در زمینه های گمانچه، ویولن، تار و سنتور بهره ها برد. و دیگری جریانی بود که معرفی کننده آن استاد شادروان علی نقی وزیری بود که این جریان گرچه خود باز هم ریشه در سنت موسیقی یعنی ردیف داشت اما به فراگیری نت اعتقاد داشت و از شاگردان می خواست تا بدان اتمام ورزند.

و صبا ی جوان بدون هیچ تعصبی از هردوی این جریان ها استفاده کرد، و از آنان آموخت. چرا که او عاشق فراگیری بود و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد. اما نبوغ او به راستی بی نظیر بود و او را در میان شاگردان از رتبه ای ممتاز برخوردار می ساخت. در این مورد کافیت به نوشته های نویسنده های دوران خود همچون شادروان استاد روح الله خالقی رجوع شود.

دیری نگذشت که این جوان خود به استادی یگانه مبدل گشت. در مورد جنبه های زندگی صبا سخن بسیار نهفته است اما به قول شاعر: یک قصه بیش نیست غم عشق و ین عجب کز هر زبان که می شنوم نامکرر است.

به راستی چه کسی می تواند ملودی های جاودانه او را فراموش کند: زنگ شتر، بهارمست، سامانی، ضربی ترک، چهار مضراب ماهور و بسیاری دیگر خود معرف شخصیت مستقل و بزرگ صبا در آهنگسازی می باشد.

آنچه به عنوان قطعاتی مثل زردملیحه و به یاد گذشته و رقص چوبی قاسم آبادی پس از او در موسیقی ایرانی باب شده حاصل ۴ سال سفر و اقامت او در شمال ایران و استفاده از ملودی های آن نواحی است.

تدوین روشی دگرگون برای ویولن، روشی که از همقطاران و همزمانان خود متفاوت است گرچه انتقاداتی را برانگیخته که در مورد آن هنوز هم سخن می رود اما به راستی نباید فراموش کرد که چه ما این روش را در موسیقی ایران بپسندیم چه نه باید اذعان کرد که خود پایه گذار یک جریان نوازندگی در میان نسل بعد از او یعنی شاگردانش شد. نگاشتن ردیف موسیقی برای ویولن و برای سنتور از دیگر خدمات اوست که دست کم همه کسانی که چون من دستی هرچند اندک بر سنتور دارند نمی توانند اهمیتش را از یاد ببرند.

صبا بیش از آن که به سبک موسیقی با کلام بپردازد به موسیقی بی کلام پرداخت و از این لحاظ جایگاهی ویژه دارد که به باور من اگر بخواهیم به موسیقی بدون کلام در ایران بپردازیم باید به آن نظری از سر تامل بیفکنیم.

اما چگونه می توان از صبا سخن گفت و به مقوله های تربیت شاگردان توسط او اشاره نکرد، که به راستی باید گفت او در این زمینه انقلابی بی نظیر انجام داد. شاگردانی بزرگ از مکتب او برآمدند که هریک آسمان موسیقی ایران را خورشیدی گشتند. بزرگان و استادانی همچون: فرامرز پایور، علی تجویدی، همایون خرم، حبیب الله بدیعی، رحمت الله بدیعی، پرویز یاحقی و اسدالله ملک و بسیاری دیگر که هریک از آنها نقطه عطفی در موسیقی ایران هستند. استاد صبا از جمله اولین کسانی بود که پس از تاسیس رادیو ایران با آن نهاد به همکاری پرداخت و هنوز شاید باشند کسانی که ساز جاودانه او را در رادیو ایران به خاطر بیاورند.

و همچنین نباید فراموش کرد فروتنی این مرد بزرگ را، من خود از یکی از اساتید موسیقی ایران شنیدم که صبا حتی در سالهایی که کلاس و شاگردانی داشت هنوز خود را از آموختن بی نیاز نمی دانست و وقتی شنید استاد روسی در تهران ویولن کلاسیک درس می دهد به نزد او رفت تا از کلاسهایش بهره ببرد.

و این قابل توجه جوانانی در سن و سال من می باشد که بدبختانه با مختصر پیشرفتی، نام استاد بر خود مینهند و دیگر حاضر نیستند به کلاس هیچ کس بروند و می پندارند آموختن از مرتبه آنان می کاهد که هرگز چنین نیست.

نکته ی دیگر آن که صبا بسیار به شاگردان خود اهمیت می داد و استعداد شاگردانش را جدی می گرفت. خودم به خاطر دارم چند سال پیش نواری را در آرشیو رادیو ایران شنیدم.

در این نوار استاد صبا به همراه استاد فرامرز پایور که در آن زمان بسیار جوان بودند. یکی از آهنگهای استاد پایور را که برای ویولن و سنتور نوشته شده بود مینواختند. بی اختیار از خود پرسیدم کدام یک از استادان این زمانه این کار را برای شاگردش انجام می دهد؟ و اسباب شهرت را برای او فراهم می کند؟ شاید یک در هزار.

و همین ظرائف و دقایق است که هنرمندی چنین بزرگ را می سازد.

به هر حال از این نابغه موسیقی باید بسیار گفت تا بر آینده گان معلوم شود که این دیار مهد انسان های بزرگی بوده است. که هر کدام در حیطه ی تخصص خود بسیار کوشیده اند و توانسته اند تاریخ کشور خود را دگرگون سازند.

اگر میخواهیم آینده گان بر ما حرمت بنهند بر ماست که بزرگانی همچون استاد صبا را بیشتر بشناسیم و حرمتشان را پاس داریم چرا که آنان نیز از ما می آموزند.

جایگاه استاد صبا به راستی برای موسیقی دان ایرانی در مرز اسطوره هاست.

بی شک نام چنین بزرگانی که از مفاخر فرهنگ دیرپای ما هستند جاودان خواهد ماند و جاودان تر باد.

روانش شاد و راهش پر راهرو

رضا برون - دانشجوی موسیقی - برلین آلمان



رضایزدانی

فیلم قبادی بیش از حد موسیقی زیر زمینی را غلو شده نشان داده، نمی دانم واقعا چه اصراری است تا نشان بدهیم بچه های زیرزمینی در طویله کار می کنند

● ابراهیم مولائی

از خیلی وقت پیش منتظر بودم با این خواننده ی دوست داشتنی موسیقی ایران مصاحبه ای داشته باشم، هنرمندی که جنس صدا و کلا هنرش متفاوت تر از بقیه ی همکارانش است و همین هم باعث شده مخاطبین و هواداران زیادی داشته باشد، او متولد دهه پنجاه است و به جز خوانندگی، هنرپیشگی را هم تجربه کرده، آلبوم «شهردل» نخستین اثر وی است که با اشعار مولانا منتشر شد. «پرنده بی پرنده» دومین آلبوم رضا یزدانی بود که با منتشر شدنش در موسیقی ایران اتفاق خاصی نیفتاد! ولی پس از این آلبوم، او ترانه ای به نام «لاله زار» را که متعلق به آلبوم دومش بود، با انجام تغییراتی برای فیلم «حکم» مسعود کیمیایی خواند و این آهنگ بود که او را برای اولین بار سر زبان ها انداخت، بعد از آن هنگامی که آلبوم سوم وی با نام «هیس» به بازار آمد سر و صدای زیادی به پا کرد و جایگاه او را به عنوان یک خواننده ی حرفه ای و مطرح تثبیت کرد. اما یزدانی به وسیله خواندن تیتراژ سریال «مرگ تدریجی یک رویا» بود که توانست هنر خود را به مردم عامی تر بشناساند. در این مصاحبه از موضوعات زیادی صحبت به میان آمد، از شما دعوت می کنم حتما مصاحبه ی زیر با رضا یزدانی عزیز را بخوانید.

■ آقای یزدانی هدف و اصولا علت اصلی گرایش شما به هنر چیست؟ بیشتر به جنبه ی حرفه ای کار دقت می کنید که مثلا دوست دارید در بالاترین سطوح بین المللی ظاهر شوید و یا نه بیشتر برایتان این مهم است که کارتان را مردم بپسندند؟

گرایش من به هنر با موسیقی شروع شد. از بچگی علاقه ی عجیبی به موسیقی داشتم و این کشش باعث شد بعدا گرایشم به هنر در شاخه های دیگر نیز ادامه پیدا کند و البته هدف من این هست که در واقع بتوانم جهانی هم شوم.

■ یعنی ارضای حس درونی؟
بله قطعاً.

■ ابتدا با توجه به اینکه شما سابقه هنرپیشگی هم دارید سوالات را از این حیثه شروع کنیم ، آخرین فیلمی که بازی کردید فیلم « تهران سیم آخر» بود ، چطور به این گروه پیوستید !؟

آقای کرم پور با توجه به شناخت قبلی که از من داشت برای بازی در این فیلم از من دعوت کردند، با بررسی فیلم نامه و داستان فیلم (داستان فیلم درباره چند جوان است که به دنبال کارهای موسیقی و در پی برگزاری کنسرت ۱۰۰۰ دیدم فیلم نامه خوبی هست و همین باعث قبول پیشنهاد آقای کرم پور شد.

■ مثل اینکه قرار بود این فیلم در سه اپیزود ساخته شود ولی آخر سر دو اپیزود شد.

بلی در نهایت این فیلم در دو اپیزود ساخته شد که کارگردانی اپیزود اول را داریوش مهرجویی برعهده دارند که داستان تهران قدیم است و اپیزود دوم که زمان آن هم در حدود ۴۵ دقیقه هست، مهدی کرم پور بر عهده داشته که این اپیزود هم داستان تهران امروزی را دارد که من در اپیزود آخر به عنوان نقش اصلی بازی کرده ام ...

■ تا حالا به غیر از فیلم هایی که در آن به ایفای نقش پرداخته اید. فیلم دیگری بوده که به شما پیشنهاد شود ولی چون عوامل و یا فیلم نامه قوی نداشته است شما با آن مجموعه همکاری نکنید؟ و اینکه وقتی پیشنهادی به شما میشود چه شرایطی باید داشته باشد که شما پیشنهادشان را قبول کنید؟

بله فیلم هایی بوده که قبول نکردم ، اینطور نیست که بگویم چه شرطهایی باید داشته باشد ، شرط خاصی که ندارد ولی کلا باید عواملی کنار هم باشند که بتوانند رضایتم را جلب کنند و نیز نقشی باشد که باعث نشود حرفه اصلی من که همان موسیقی است لطمه بخورد. در این سال ها هم سعی کرده ام کارهای سطحی و پایین انجام ندهم.

■ بیشتر دوست داشتید در فیلم هایی که به عنوان بازیگر حضور دارید چه نقشی را بازی کنید؟

بازی در نقش هایی که به شخصیتم و موسیقی نزدیک تر باشد راحت ترم.

■ رابطه تان با سینما چطور است؟ در چه حد فیلم تماشا می کنید؟

من آرشیو کاملی از سینمای دنیا دارم. که تقریبا هر روز یک فیلم می بینم. من اساسی فیلم بازم!

■ فیلم جدید بهمن قبادی «کسی از گربه های ایرانی خبر نداره» را دیدید؟ نظرتان به عنوان موزیسین درباره این فیلم چیست؟ به نظرتان این فیلم توانسته حرف دل دوستانی که به عنوان موسیقی زیرزمینی کار می کنند را به گوش مردم برساند؟

بله دیدم ، فیلم معمولی است و خیلی این موسیقی زیرزمینی را هم غلو شده نشان داده! الان بچه هایی که موسیقی کار می کنند مطمئن باشید نمی روند در طویله کار کنند. همه آنها در استدیو کار می کنند و نمی دانم واقعا چه اصراری است تا نشان بدهیم بچه های حالا به اصطلاح زیرزمینی در طویله کار می کنند!

■ شما کار تیتراژ زیاد انجام می دهید آیا به این کار علاقه دارید؟ و در آینده هم کار تیتراژ را ادامه خواهید داد؟ اصولا به نظر شما هنرمند در کار تیتراژ کمی دستش بسته نیست؟ با توجه اینکه هنرمند مجبور است مفهومی که کارگردان از او می خواهد را در موسیقی و هنرش انتقال دهد نه آن چیزی که کامل مد نظر سلیقه ی خودش است.

بله اگر کار خوبی باشد دوست دارم انجام بدهم، تیتراژ فیلم یک رشته مجزا، اساسی و تخصصی در سینمای دنیاست که اینجا متأسفانه بهایی به این موضوع داده نمیشود و هنوز جا نیفتاده است، تیتراژ با کلام مطمئنا بستگی به کارگردانش دارد، بسیاری از کارگردان ها خیلی نظرات متفاوتی دارند. مثل خود کیمیایی که اکثرا همه فیلمهایش هم تیتراژ داشته. او سواد موسیقایی بالایی هم دارد، بعضی از کارگردان ها مثل او او خیلی بر روی تیتراژها حساس هستند هستند ولی بعضی

از کارگردان ها حتی برایشان تیتراژ فیلم مهم نیست و میگویند فقط یک چیزی آماده کن و تحویل بده !

■ **تحصیلات آکادمیک در زمینه موسیقی دارید؟**

نه، من رشته تحصیلی ام مهندسی چوب و کاغذ بوده که ربطی به موسیقی ندارد! در زمینه موسیقی تحصیلات آکادمیک نداشتم و تمام تجربه و فعالیت هایم حاصل کار خودم است.

■ **کمی در مورد راک صحبت کنیم، از چند سالگی به راک علاقمند شدید؟**

از نوجوانی به دنبال چنین موسیقی ای بودم و براساس سلایق و علاقه مندی هایم به سمت موسیقی راک کشیده شدم.

■ **اصولا دلیل این علاقه چه بوده؟ آیا آن حس اعتراضی که در موسیقی راک حس می شود برای شما جذاب بود؟**

نه ، ما از بچگی اصلا نمی دانستیم که موسیقی اعتراضی چیست، در ضمن موسیق راک تنها اعتراضی نیست، می تواند عاشقانه هم باشد.

■ **شما از همان اول با سبک راک شروع کردید؟**

سبکی که برای خود انتخاب کرده ام آمیزه ای از موسیقی پاپ و راک است که در قطعات مختلف برخی اوقات به سمت یکی از این موسیقی ها تمایل پیدا کرده ام. در ضمن به غیر از آلبوم اولم که ترانه ها از مولانا است، بقیه آلبوم هایم هر کدام در فضاهای دیگریست، در حال حاضر هم فضاهای جدیدی را در حال تجربه کردن هستم و دوست ندارم کارهایم یکنواخت باشند، در ضمن دوست دارم همین گرایشهایی که دارم را حفظ کنم و برای اینکه با طیف بیشتری از مردم و هواداران در ارتباط باشم، به همین صورت ادامه خواهم داد. ■ **به نظر من شما در زمینه موسیقی راک شاید از خیلی ها جلو باشید! چه کسانی در این پیشرفت موسیقایی شما نقش مستقیم داشتند ؟**

سال ۱۳۷۱به عنوان خواننده در گروهی که فرشید اعرابی داشت، فعالیت می کردم که یادگیری و فعالیت حرفه ای در موسیقی را از این گروه شروع کردم . که در این گروه هم کارهای خودمان را نمی زدیم، کلا کارهای کاور انجام می دادیم (بهترین های موسیقی راک دنیا را می زدیم).

■ **از بین سه آلبوم منتشر شده، کدامیک را بیشتر می پسندید؟**

هر کدام از آلبوم های منتشر شده ام یک سری نقاط ضعف و قوتی دارند که به نظرم اگر مجموع این نقاط ضعف و قوت را در نظر بگیریم آلبوم «هیس» یکم بهتر است. در ضمن ارتباط مردم هم با این آلبوم بیشتر بوده.

■ **آلبوم اولتان را بیشتر پاپ می دانید یا پاپ-راک؟**

هم کار پاپ داشت هم کار پاپ – راک

در آلبوم های بعدی اشعار مولانا جایشان را به ترانه های امروزی دادند، دلایل این همه تغییر در آن برهه زمانی چه بود؟

من همیشه دوست داشتم اشعار مولانا را کار کنم. شمس را هم همیشه می خواندم، به خاطر همین دوست داشتم که آلبومی از اشعار مولانا داشته باشم در عین حال ترانه های اجتماعی با مضمون های جدید را هم دوست دارم. چون می خواستم هرکدام به صورت مجزا کار و منتشر شود. آلبوم اشعار مولانا به صورت مجزا منتشر شد.

■ **در خود موسیقی غرب بیشتر به آثار چه کسانی علاقمندید؟**

پینک فلوید، آیرون میدن، کمل، جیم موریسون و...

■ **آشنایی شما با یغما گلرویی چطور صورت گرفت؟**

من و یغما با هم دوست مشترکی داشتیم به نام یاور مراد که در آلبوم اولم نوزانده دف بود که از آن طرف با شرکت دارینوش که کتاب یغما را منتشر کرده بود، ارتباط داشت، او چند تا از اهنگ های البوم اولم را به دارینوش برده بود و یغما برای اولین بار صدای من را همانجا شنیده بود.

■ **استفاده از دکلمه برای موسیقی راک نامتعارف و تعریف نشده هست، چطور شد که این کار را در آلبوم «پرنده بی پرنده» انجام دادید؟**

من نگفتم دکلمه باشد. منتشر کننده آلبوم که شرکت دارینوش بود ، همیشه این داستان را در آلبوم هایشان داشته اند. حتی ناصر عبداللهی که آلبوم هایش توسط این شرکت منتشر میشد همیشه دکلمه داشت، آنها می گفتند دکلمه باشد و متم با اینکه مخالف بودم ولی به دلیل اینکه دارینوش منتشر کننده اثر بود ما هم قبول کردیم. ■ **مشکل ست (انطباق) شعر فارسی برروی موسیقی راک که اکثر موزیسین های ایرانی با آن درگیر هستند شما را با مشکل مواجه نکرده؟**

من کلا موسیقی را ایرانیزه کردم، ترانه را آوردم در خود موسیقی، این راکی که من کار میکنم راک غربی نیست، ملودی ها و گام ها مینور است در صورتی که در راک های غربی بیشتر از گام های ماژور استفاده می شود.



عکس اختتامی از یغما گلرویی

■ **نظرتان راجع به راک ایرانی چیست؟ آیا اصلا می شود گفت ما در کشورمان سبکی به نام راک ایرانی به صورت تام داریم؟**

نمی دانم واقعا ! این موسیقی به هر حال مال غربی هاست، ولی آنهایی هم که دارند در ایران موسیقی راک کار می کنند به هر حال مشغول فعالیت در راک ایرانی هستند. البته تفاوت هایی بین ایرانی ها و غربی ها هست.

■ **آلبومی به نام «بوف کور» با صدای تو از طریق اینترنت پخش شد؟ جریانش چی بود؟**

آهنگ هایی که به اسم آلبوم «بوف کور» منتشر شد به صورت ماکت بود. سر تنظیم آهنگ های آلبوم «پرنده بی پرنده» این آهنگ ها را داده بودم به حمیدرضا صدري که جمعا ۱۵قطعه بود و از اینها ۱۰ قطعه تولید شد و ۵قطعه دیگر که ماکت بود لو رفت و در بعضی وبلاگها و سایت ها تحت عنوان آلبوم جدیدم و به نام بوف کور معرفی شد که من هم توضیح دادم این چند ترانه فقط جنبه ی تمرینی داشته و مربوط به سالیان گذشته می شود و از کیفیت بسیار پایینی هم برخوردار است.

■ **با چه خواننده هایی کار مشترک داشته ای؟**

معمولا کار مشترک انجام نمی دهم. تنها در یک کلیپ به نام «ایران من» با کامران عطا و مجتبی کبیری همکاری داشتم که فکر کنم یکی از بهترین آهنگ های ساخته شده برای جام جهانی بوده.

■ **در آلبوم هشت هم کار مشترک داشتید، قضیه ی این البوم آخرش به کجا رسید؟**

بله در این البوم همکاری داشتم ولی آهنگی که با نام «کبوتر» خواندم یک قطعه ی جداست، این آلبوم کار مناسبتی بود و برای میلاد امام هشتم قرار بود منتشر شود که با اینکه آلبوم برای پخش آماده شده بود ولی منتشرش نکردند، با این همه بدقولی بعد از آن گفتند محرم منتشر می شود که تا الان هیچ خبری از انتشار آلبوم نیست. حتی برای همین آلبوم، سر ضبط و آماده کردن آهنگ ها، فشارهای زیادی وارد کردند که بایستی کار زودتر آماده شود، ما هم کلی اذیت شدیم.

■ **درباره آلبوم آیندتان صحبت کنید؟ همیشه در آلبوم هایتان متفاوت بوده اید، آلبوم چهارم چگونه خواهد بود؟**

یک آلبومی جمع کردیم که ترانه ها از یغما گلرویی، تنظیم از بهروز پایگان و کار آهنگسازی و خوانندگی هم با من هست. ولی با توجه به اینکه یغما ممنوع فعالیت هست آلبوم فعلا اجازه ای برای انتشار ندارد، به خاطر همین موضوع هم دارم یک آلبوم جدید با ترانه سراهای مختلف کار می کنم که هنوز آن هم آماده نیست.

■ **همکاری با کارلوس سانتانا به کجا کشید؟**

مدیر برنامه «کارلوس» برای همکاری جواب مثبت داد و ما هم کار را آماده و بدون گیتار برایشان فرستادیم تا با گیتار تکمیل کنند و دوباره به خودمان بفرستند. البته هنوز خبری نشده است.

■ **اگر بخواهید قطعه ای را مجددا بعد از سالها دوباره بخوانید، چه قطعه ای را انتخاب می کنید. (از آثارخود یا هنرمندان دیگر)**

یک سری قطعات خارجی هست که دوست دارم به صورت آلبوم کار کنم، ولی فعلا شرایط برای انجام این کار مهیا نیست.

■ **درباره قرارداد تان با شرکت نوین چرم صحبت کنید؟ چطور شد به فکر کارهای تبلیغاتی افتادید!**

به هر حال برای کنسرت ها و آلبوم هایم نیاز به اسپانسر دارم! و به

خاطر همین با شرکت «نوین چرم» قرار داد بستم و این شرکت به عنوان اسپانسر رسمی من معرفی شد. البته به عنوان مشاور بازرگانی و تبلیغات نیز با این شرکت همکاری خواهم کرد .

■ **کدام یک از آثاری که تایحال شنیده اید برایتان ارزشمند تر و شاخص بوده و از چه نوع سبک موسیقی گریزانید؟**

همه سبک های موسیقی کلا قشنگ است ولی با موسیقی سنتی و رب زیاد ارتباط برقرار نمی کنم.

■ **از آلبوم هایی که امسال وارد بازار شد کدام ها را شنیده اید؟ کلا نظرتان در مورد آلبوم ها چه بود؟**

آلبوم هایی که وارد بازار می شوند مخصوصا آلبوم کسانی که اسم و رسمی هم در موسیقی ایران دارند، حداقل یک دور و برای اینکه بدانم در چه حال و هوایی هستند گوش می کنم، به خاطر همین نمی توانم در مورد فرد یا آلبوم خاصی نظر بدهم.

■ **نظرتان راجع به موسیقی زیرزمینی چیست؟**

در شرایط امروزی هر کس که به کامپیوتر و چند تا سمپل دسترسی دارد می تواند بخواند و به راحتی از طریق اینترنت منتشرش کند که این نوع موسیقی زیاد جالب نیست. اما باید قبول کرد این پدیده وجود دارد و همین طور که خود به خودی منتشر می شود چون هدف خاصی برای انتشار این نوع موسیقی ها نیست خود به خودی هم از بین خواهد رفت، البته این قضیه شامل همه هم نمی شود و استثناهایی هم وجود دارد.

■ **درباره مشکل کپی رایت در ایران صحبت کنیم، راه حل شما برای برخورد با این مشکل بسیار جدی چیست؟**

رعایت نکردن کپی رایت یکی از اساسی ترین مشکلات امروز موسیقی ماست و راه حل آن تنها فرهنگ سازی است.

■ **همه میگویند فرهنگ سازی! خب به چه شکل فرهنگ سازی کنیم؟**

این کار من و تو نیست، این کار دولت و صداوسیماست. باید فیلم ها و تیزر هایی در این زمینه ساخته شود و به مردم یادآوری گردد که از کپی آلبوم و آثار موسیقایی پرهیز کنند و به جای آن، این آثار را به صورت اورجینال خریداری کنند.

■ **ممنون و کلام آخر...**

من همیشه در آخر مصاحبه ها به مخاطبین می گویم که امیدوارم فرهنگ موسیقی در مردم ما آنقدر بالا برود که در تنهایی هایشان یک نوع موسیقی گوش کنند، در جمع دوستانشان یک نوع دیگر موسیقی و... یعنی کلا در هر جا و مکانی موسیقی مربوط به آن مکان و شرایط را گوش کنند.



عکس اختتامی از سعید عبداللهی



کنسرت حمید حامی بیست و یکم آذر ماه در سالن اریکه ایرانیان با حضور ۸۰۰ نفر از علاقمندان موسیقی پاپ و هواداران وی در دو سانس برگزار شد که بایستی در شماره قبل در همین صفحه منتشر میشد! ولی با توجه به حجم بالای شماره قبل مجبور شدیم با یک ماه تاخیر گزارش حامی را منتشر کنیم.

عکاس: نعیم صیرفی



در این کنسرت آهنگ های دلم گرفت ، گل مینا ، فقط نگاه می کنم ، خداحافظ ، گیلان ، سلام ، احساس ، ماهی دلتنگ و ... توسط حامی اجرا شد که آهنگ دلم گرفت بیشترین استقبال را نسبت به سایر آهنگ ها از سوی حضار به همراه داشت.

اکثریت حضار داخل سالن از هواداران دو آتیشه حامی بودند و تقریباً همه آهنگ ها را حفظ بودند و با حامی می خواندند.



مریم حیدرزاده ، امیر تاجیک ، بابک صحرایی ، شهرام عیوضی ، نیما نکیسا ، ناصر چشم آذر و ... به عنوان مهمان در سالن برگزاری کنسرت حضور داشتند.

دو آهنگ از آهنگ های اجرا شده توسط حامی به سبک ۶ و ۸ بود ، که حامی در این رابطه توضیح داد : من مجبور هستم در اجرا هایم از آهنگ های شاد استفاده کنم ولی از این بابت خیلی خوشحال هستم که دوستانی که از اجرای من دیدن می کنند از این جور آهنگ ها زیاد استقبال نمی کنند و موزیک خوب دوست دارند.





اجرای حامی واقعا قوی و بدون نقص بود و هیچ اشتباهی نداشت. حامی خیلی خوب توانست با مردم ارتباط برقرار کند و از تسلط بالای او به هنگام اجرا و صحبت با مردم نمی توان به سادگی چشم پوشی کرد.



اجرای حامی واقعا قوی و بدون نقص بود و هیچ اشتباهی نداشت. حامی خیلی خوب توانست با مردم ارتباط برقرار کند و از تسلط بالای او به هنگام اجرا و صحبت با مردم نمی توان به سادگی چشم پوشی کرد. در ضمن خانواده زنده یاد پیمان ابدی نیز مهمان افتخاری این کنسرت بودند. گفتنیست در تایم استراحت یک فیلم کوتاه از هنرنمایی های پیمان ابدی در سالن پخش شد.

علی شهبازی پشت سر حامی مشغول هنرنمایی هست!



در این عکس، پشت سر حامی، علی شهبازی که تقریبا در همه کنسرت ها حضور دارد! مشغول گیتار زدن هست. سرپرستی گروه ارکستر حامی را در این کنسرت علی ثابت بر عهده داشت.

اصلا اشتباه نکنید، قد ناصر چشم آذر کوتاه نیست، قد نیما نکیسا و حامی خیلی بلنده! در ضمن نکیسا و حامی در تیم فوتبال هنرمندان عضویت دارند.





غلامعلی کویتی پور

کالبد شکافی یک اختلاف!

● محمد جلوانی



احسان حق شناس

ادعای سرقت اثر هنری آن هم به کسی که مداحی شهرت دارد؟! داستان از آنجا شروع شد که احسان حق شناس ادعا کرد که صاحب اثر آهنگ «موج» از آلبوم «خاموش» است و غلامعلی کویتی پور این قطعه را بدون اجازه او خوانده است. از اینجا به بعد صحبت های هر دو مبنی بر تکذیب و متهم کردن دیگری و بی گناه جلوه دادن خود آغاز شد.

احسان حق شناس در نخستین صحبت خود با مجله موسیقی ایرانیان گفت: «این آهنگ "موج" قبلاً توسط من و کویتی پور با نام "غروب ها" به مناسبت ایام محرم ضبط شده بود که بدون اطلاع من در حالی سر از آلبوم خاموش در آورده که در این آلبوم اسم آهنگساز و شاعر قطعه کسی به غیر از مازیار فلاحی (شاعر اصلی قطعه) حک شده است.»

کویتی پور در پاسخ به حق شناس و در گفتگو با مجله موسیقی ایرانیان ابتدا از اخلاق و منش خود گفت و عنوان کرد: «طی این همه سال هایی که در کار مداحی هستم به هیچ عنوان دوست نداشته ام که خدای نکرده هیچ کس از بنده ناراحت و دلگیر شود و دلیل ۶ سال سکوت بنده حتی زمانی که آلبوم من را به صورت کار تقلیدی در بازار منتشر کردند به خاطر همین موضوع بود.» سپس بر سر اصل موضوع رفت و در تکذیب صحبت های احسان حق شناس درباره آهنگ موج گفت: «کار مشترکی بنده با آقای حق شناس با نام «غروب ها» داشتم که ضبط و پخش این قطعه هم جریانات خاص خودش را دارد که متأسفانه ایشان بدون اجازه و اطلاع من در سایت های اینترنتی و شبکه های ماهواره ای این قطعه را پخش کردند و فعلاً خودم نمی خواهم وارد جزئیات این موضوع شوم.» به هر روی کویتی پور آهنگ را با تغییراتی! (به ادعای وی) در آلبوم جدید خود استفاده کرد و انگشت اتهام و سهل انگاری را متوجه تهیه کننده کرد که تهیه کننده اثر روی آلبوم، اطلاعات آهنگ را به صورت «با الهامی از شعر زیبای مازیار فلاحی و ملودی بسیار زیبای او» چاپ نکرده است و از اینجا پای تهیه کننده را به داستان باز کرد و اظهار ناراحتی از دست تهیه کننده نمود و گله کرد چرا هیچ اسمی از مازیار فلاحی در این آلبوم نبرده است و اسم شخص دیگری به جای آن خورده است.

همه اینها در حالی رخ داد که کویتی پور به تازگی بعد از سال ها آلبوم «خاموش» را توسط موسسه ی تصویر دنیای هنر و نوای نی لبک شرقی وارد بازار کرده بود و از بهترین کارهای حوزه موسیقی مذهبی بشمار می رفت.

قصه به جاهای هیجان انگیز رسید و درحالی که در همه ابعاد بازار بیانیه داغ است احسان حق شناس به ما عنوان کرد که ۲ ساعت با کویتی پور تلفنی صحبت کرده است و آقای کویتی پور به این نتیجه رسیده است که این بی ادبی و سرقت توسط تهیه کننده و آهنگسازشان انجام شده و ایشان از فردا در تمام مطبوعات این قضیه را اعلام می کنند که صاحب این کار کسی به جز احسان حق شناس و مازیار فلاحی نیست. و در ادامه گفت: «ولی شما فکر می کنید با این حرف ها می شود از این اتهام فرار کرد؟ یعنی ایشان وقت ضبط این کار نمی دانست چه کار می کرده؟ قبل از کار نمی توانست اجازه بگیرد؟ من که این حرفها را قبول ندارم ولی به احترام موی سفید ایشان از این اشتباه آقای کویتی پور می گذرم و از همه طرفدارهایم به دلیل این اتفاقی که افتاده معذرت خواهی می کنم» و سپس آرزوی روزی را کرد که این رفتار زشت و غیر حرفه ای را از هیچ کس حتی بی سابقه ها نبیند.

مازیار فلاحی شاعر و آهنگساز این اثر بخشی از ماجرا و ضلع دیگر دعوا بود. او در گفتگو با مجله موسیقی ایرانیان ادعای حق شناس را تایید و افزود: «من ملودی و شعر را با مطلع «من تنها، من غمگین» تحت عنوان «غروب ها» بیش از یک سال پیش سروده و آهنگسازی کرده بودم که همان موقع به آقای احسان حق شناس واگذار کرده ام و اکنون بدون رعایت حقوق معنوی اینجانب تحت عنوان «موج» با تغییراتی در شعر و ملودی در آلبوم خاموش وجود دارد.»

و در ابتدا آمد که غلامعلی کویتی پور آهنگ «غروب ها» را با تغییراتی در آلبوم «خاموش» استفاده کرده است و مابقی ماجرا ... پس از همه این کشمکش ها نوبت به «سعید گلابگیر» تهیه کننده آلبوم «خاموش» رسید که اختلافات به وجود آمده را بررسی کند. وی بعد از بررسی ماجرا یادداشتی را در اختیار مجله موسیقی ایرانیان قرار داد. سعید گلابگیر در یادداشت خود عنوان کرد:

«برای آلبوم خاموش ده قطعه طراحی گردیده بود که هر یک از آنها اسکلتی از ملودی را به پیشنهاد جناب کویتی پور یدک می کشیدند. ملودیهای ابتدایی با مدیریت تنظیم کننده و تیم کارشناسی و حال و هوای آلبوم انتخاب گردیدند (البته به دلیل کمی وقت در انتها سه قطعه از آلبوم حذف گردید). و پس از صرف زمان و انرژی فراوان توسط گروه در آلبومی با نام خاموش گردآوری و روانه بازار گردید. جای دارد با اینکه افتخار دیدار جناب آقای مازیار فلاحی را نداشتم ولی از همکاری صمیمانه ایشان با استاد کویتی پور تشکر نمایم. البته در مورد قطعه «موج» لازم است این توضیح را بدهم که با توجه به این که ما از ابتدا «معر»ی در اختیار داشتیم و آنچه به عنوان شعر کار مطرح بود دارای اشکالات متعدد بود و ارزش ادبی زیادی هم نداشت با نظر تیم کارشناسی، این شعر توسط آقای حسین غیائی به صورت کامل تغییر پیدا کرد و سختی کار هم در این بود که سعی شد حتی هجاهای کشیده و کوتاه معر هم با کلمات و واژگانی کاملاً متفاوت رعایت شود. حتی موضوعی برای این کار انتخاب شد که در درون مایه ی کار کاملاً مشخص است و در آن قصه ی انتظار امام زمان (عج) از زبان یک جانباز شیمیایی روایت می شود و این حتی ذره ای به معر ابتدایی ارتباط ندارد. متن «معر» مذکور موجود است و در صورت اصرار دوستان می توانیم آنرا در رسانه ها منتشر کنیم تا خود مردم قضاوت کنند که این «موج» چه ارتباطی به اتود اولیه دارد؟ تنها چیزی که از معر اولیه حفظ شد چند واژگان ابتدایی کار «من تنها، من غمگین...» بود که دلیل استفاده از آن هم ارتباط حسی آقای کویتی پور با این واژه ها و علاقه ی ایشان برای شروع ترانه با این کلمات بود. چه بسا ترانه های بسیار زیاد دیگری هم می توانند با این واژگان آغاز شوند و کسی صاحب دایره ی واژگانی ادبیات فارسی نیست. در مورد ملودی اولیه ی کار هم تغییراتی توسط آهنگساز آلبوم آقای قره گزلو و موافقت آقای کویتی پور صورت گرفت که این تغییرات در امتداد نظر ایشان برای حال و هوای موسیقایی آلبوم بود. به علت شخصیت اخلاق محور جناب کویتی پور که کاملاً متکی به روابط انسانی و خلوص و فضاهای یکدست میباشد، و همکاری ایشان با افراد مختلف از اهالی موسیقی، اسکلت همین ملودیها در اختیار برخی از دوستداران جناب کویتی پور که مدعی انجام کار با ایشان بوده اند، نیز قرار گرفته است که نتیجه این اعتماد، سوء استفاده و گستاخی فردی است که ادعایی واهی و بی اساس را در زمینه کپی یک ملودی از آلبوم با شکوه «خاموش» را مطرح کرده است تا شاید بتواند از نام انسانی آزاده که دستیابی به وی به این سهولت برای افرادی از آن دست راحت نیست، نام و اعتباری به جیب بزند! و پله های کور ترقی را یک جا و بدون صرف وقت و زمان و بدون داشتن تخصص طی نماید.

لازم است از این فرصت پیش آمده استقاده نموده و اعلام کنم، آقای کویتی پور، سردار بلامنازع جنگ و خواننده و خالق یادواره آزادسازی خرمشهر عزیز و خواننده یادباش شهید پر افتخار محمد جهان آرا و محبوب تمام دلهای عاشق اهل بیت و امام حسین (ع)، با هرطیف و مخاطب و سلیقه ای می باشد و دوستداران ایشان متعلق به گروه خاصی از افراد جامعه نیستند و حتی کسانی که ذره ای عشق به فرزندان گل یاس پیامبر اعظم در دلهایشان کور سو میزند، با شنیدن صدای مخملی ایشان بغض میکنند و دلهایشان را نرگسی میبینند. کویتی پور مرد بی صدای صحنه های سخت، مدافع و حافظ بی ادعای خون شهیدان و ارزشهای گران قیمت این خاک عزیز میباشد و اگر کسی، گروه و یا جریانی بخواهد با سوء استفاده از این شرایط سخت و دشوار کشور، با ایجاد فضاهای التهاب آور، لغزنده و تحریک کننده، خدای ناکرده آسیبی به نام آوران و سرداران خاموش این مرز و بوم بزند، رفتاری در مقام اعمالشان انجام خواهم داد و آرام نخواهم نشست.

کویتی پور در این سالها با سختی حتی در یک خانه اجاره ای زندگی کرد تا هیچ کسی نتواند خرده ای بر او بگیرد و کلامی نادرست در موردش بگوید. او شخصیتی برابر با حاج کاظم های آژانس شیشه ای حاتمی کیا دارد ... یکدل، ساده، بی آرایش، بی درخواست و خاموش در بطن جامعه اما وطن پرست و با ایمان.»

و این یادداشت پایانی موقت و آتش بسی موقت بر این ماجرا می باشد. امیدواریم هیچ وقت شاهد چنین اختلافاتی نباشیم!

گفت و گوی کوتاه با محسن یگانه و فرزاد فرزین

● ابراهیم مولائی

تا چندی دیگر آلبوم جدید «محسن یگانه» منتشر خواهد شد. برای اینکه خبرهای جدیدی از او داشته باشید می توانید مصاحبه کوتاه مجله موسیقی ایرانیان با محسن یگانه را در ادامه مطلب مشاهده کنید .

■ از آلبوم جدیدتان که فعلا هم هیچ اسمی ندارد چه خبر؟

یک بازه زمانی برای منتشر شدن آلبوم جدیدم مشخص کرده ایم و امیدوارم بعد از ایام محرم و صفر منتشر کنیم. درباره اسم آلبوم هم فراخوان دادم تا هوادارام اسم انتخابی خودشان را به ایمیل UniQue.YegAneh@YahoO.com ارسال کنند به خاطر همین فعلا آلبومم بی اسم است!

■ گفته می شود مسترینگ آلبوم در ترکیه انجام خواهد شد؟

بله ، راهی ترکیه خواهم شد و کارهای میکس و مسترینگ آلبوم در این کشور انجام خواهد گرفت.

■ قبل از ایام محرم ، شما یکی از خواننده های پر کار بودید ، کنسرت در ارومیه ، کرمان ، رشت ، کرج ، بندرعباس و ... برای بعد از ایام محرم و صفر هم برنامه ای برای کنسرت خواهید داشت؟

فعلا شهر شیراز در برنامه ها هست و تلاشمان این هست که در این شهر کنسرت داشته باشیم ولی تاریخ کنسرت مشخص نیست.

■ شما قبلا با فرزاد فرزین کنسرت مشترک داشته اید. ما باز هم در آینده شاهد کنسرت مشترک فرزاد فرزین و شما خواهیم بود ؟

مطمئن باشید اگر شرایط محیا باشد حتما !

■ احتمال کار بر روی آهنگ مشترک هم وجود دارد؟

آهنگ مشترک را هم من مشکلی ندارم . حالا فرزاد فرزین یا دوستان دیگر ، پیشنهادی باشد حتما به پیشنهاد دوستان فکر خواهم کرد.

■ ماهنامه موسیقی ایرانیان را دانلود کرده اید؟

بله، دانلود کرده ام. ولی فرصت نکردم کل صفحات مجله را بخوانم. کلا کارتان خوب و شیک بود، تبریک میگویم.

■ ممنون آقای یگانه که وقتتان را در اختیار مجله موسیقی ایرانیان گذاشتید ، امیدوارم به زودی آلبومتان هم منتشر شود.

مرسی



«شانس» نام آلبوم جدید «فرزاد فرزین» است. آلبومی که هوادارانش از ماه ها پیش منتظرند تا به بازار عرضه شود. برای اینکه خبرهای جدید از آلبوم شانس و برنامه های آتی فرزاد فرزین بدست آوریم به سراغ او رفتیم. در ادامه می توانید مصاحبه کوتاه ما با فرزاد فرزین را بخوانید.

■ خبر هایی به گوشمان رسید که بعد از ایام محرم در تهران و شهرستان ها کنسرت خواهی داشت. تایید می کنی؟
بله درست است. صد در صد بعد از منتشر شدن آلبوم جدیدم در تهران و کرج کنسرت خواهم داشت. همچنین در حال مذاکره هستیم تا در شهرهای شمالی و جنوبی کنسرت داشته باشیم.

■ به فکر کنسرت های خارجی هم هستی؟

مطمئنا. برای کنسرت های خارجی هم در حال مذاکره هستیم تا در کشور های اروپایی کنسرت داشته باشیم. ولی هنوز قطعی نیست.

■ از آلبوم جدیدت صحبتی کن. بالاخره آلبوم «شانس» چه زمانی منتشر می شود؟

آلبوم جدیدم شامل ۱۰ قطعه است. «شانس» ضمن اینکه فضای عاشقانه - عرفانی دارد در عین حال کلامش هم ساده و روان است، همه ی تلاش من و همکارانم در تهیه آلبوم این بوده تا به سلیقه مخاطبمان احترام گذاشته شود و اما درباره زمان منتشر شدن باید بگویم من و دوستانم سعی خواهیم کرد اواخر ماه صفر آلبوم به بازار عرضه شود.

■ در این آلبوم با چه کسانی همکاری داشته ای؟

دوستان زیادی همچون کوشان حداد، محمد شاکر ، پدram کشتکار ، مهران خلیلی و ... کمک کردند.

ما کلا برای تهیه ی این آلبوم یک تیم بودیم که جا دارد از همه ی دوستانم همین جا قدردانی کنم.

■ این آلبوم توسط چه شرکتی وارد بازار خواهد شد ؟

توسط شرکت «چهره خندان»

■ مثل اینکه قرار است در آلبوم کلیپ هم قرار بگیرد، جریان چیست؟

بله به فکرش هستم و به احتمال زیاد آهنگ ها و کلیپ ها با هم در یک لوح عرضه شوند.

■ کارگردانی کلیپ ها بر عهده چه کسی است ؟

کارگردان کلیپ ها و تیزر تبلیغاتی که منتشر شد بر عهده دوست عزیزم آرش بهمنی بود و امیدوارم کارهای خوبی از آب در بیاید. من و آرش از قبل همکاری داشته ایم و با توجه به آشنایی که از وی دارم کلیپ ها را به آرش عزیز سپردم. البته جالب است بدانی که طرح آلبوم هم نیز کار آرش هست.

■ خودت و تهیه کننده برای تبلیغات آلبوم چه برنامه ای دارید؟

برنامه های مفصلی داریم. مثلا قرار است تبلیغات آلبوم در محصولات تصویری تعدادی از موسسات شبکه ویدئویی خانگی گنجانده شود. حتی در پاساژ هایی همچون میلاد نور هم قرار است پخش شود.

■ مشکل جدی موسیقی ما این است که صبح آلبوم منتشر می شود و شب می شود با کمی جستجو در اینترنت و از سایت های مختلف آلبوم را دانلود کرد! فکری برای دانلود های غیر مجاز آلبوم کرده ای؟

من هم با تو هم عقیده هستم و برای رفع این مشکل با اکثر سایت هایی که در این زمینه فعالیت می کنند صحبت کرده ایم از این کار خودداری کنند. به هر حال باید برای رفع این مشکلات فرهنگ سازی کرد.

■ پیشنهاد جدید برای بازیگری داری؟ با توجه به اینکه جزو خواننده هایی هستی که سابقه بازیگری در کارنامه ات دیده می شود؟

بله پیشنهاد هایی دارم که الان هم دارم بر روی یکی از پیشنهادات که فیلم نامه خوبی هم دارد فکر می کنم و احتمال اینکه در این فیلم حضور داشته باشم زیاد است. تصمیم گرفته ام اگر این بار وارد حیطه بازیگری شدم با دست پر و حرفه ای جلو روم. همین طور که در عرصه موسیقی تلاشم زیاد هست و دوست دارم پیشرفت کنم و کار موسیقایی را جدی می گیرم، مطمئن باش در عرصه بازیگری هم همینطور خواهم بود و سعی خواهم کرد حرفی باری گفتن داشته باشم.

■ از بازی خودت در فیلم پسران آجری راضی بودی؟

راضی بودم. خب باید همه شرایط را در نظر گرفت. من نسبت به زمان و شرایطی که در آن بودم به نظرم بازی خوبی داشتم. ممنون که وقتت را در اختیار مجله موسیقی ایرانیان گذاشتی.

خواهش می کنم. از خودت، همکارانت و کاربران مجله موسیقی ایرانیان هم تشکر می کنم.

پویا محمودی

نقد و بررسی آلبوم مهر

آریا کرنافی

مدتی است آلبومی به نام "مهر" از پویا محمودی بصورت بی سر و صدا در ایران منتشر شده است. آلبومی که سراسر راز آلود است و همه چیز آن مبهم است. نکته اساسی آن این است که در نگاه اول هیچ چیز ندارد ، حتی اینسرت. تنها یک قاب شیشه ای است و بخش بالای قاب که نام دست اندرکاران در آن نوشته شده است و یک سی دی که با نوشته های صورتی مزین شده است. شماره مجوز ، نام شرکت ضبط و پخش ، نام قطعات و مدت زمان آن ها و همچنین شاعر هر قطعه برروی سی دی حک شده است. هیچ چیز دیگری نیست. سی دی را درون دستگاه می گذاریم و... نه! هنوز صبر کنید!



ناشر آلبوم

نام شرکت فرهنگی و هنری ماه ریز را پیش از این زیاد نشنیده بودم ، اما آلبوم ترانه های جنوبی سهیل نفیسی را نیز این شرکت منتشر کرده است. اگر کمی به ذهنمان فشار بیاوریم متوجه می شویم که این شرکت سابقه طولانی در انتشار محصولات فرهنگی دارد. وقتی با آلبومی مواجه می شوید که نه اینسرت دارد و نه هیچگونه توضیحی در مورد آن وجود دارد ، چه می کنید؟ سی دی در را درون دستگاه می گذارید و... نه ! باز هم صبر کنید!

نوازنده ویولن نگار رستمی نژاد می باشد. موسیقی ملایم و شعر زیبای مولانا و صدای ویولن همه و همه دست در دست هم داده اند تا حس خوبی به شنونده منتقل شود. بیلی کوبهام درامر این قطعه است. قطعه دوم - نیایش : شعر این قطعه از حسین منزوی است و جزو اشعار کلاسیک به شمار می رود. بیشتر به شعرهای مولانا نزدیک است اما معنای آن خیلی روان تر و امروزی تر است. صدا برداری و تنظیم های به جای این آلبوم از sam pfund است. موضوع کلی این ترانه ، مربوط به عشق آسمانی است اما گویی در وصف عشق زمینی سروده شده است. پیانوی این اثر توسط محمدرضا اصغری نواخته شده است و درامر آن viladimir jaggy می باشد. صدا و موسیقی به خوبی هماهنگ شده اند و باز هم یک اثر راک تلفیقی (راک فارسی) از آب در آمده است. قطعه سوم - نوبان : آواز زار بندر عباس. این نوع آواز نوعی موسیقی درمانی است. برخلاف گروه باراد که بیشتر برروی صدا و آواز زار تاکید می کردند در این قطعه صدای ویولن و انواع گیتار و بیس و همچنین نوعی ساز کوبه ای نیز به گوش می رسد و تاکید بیشتر برروی موسیقی کلی کار است به نوعی کاملاً مشخص است که این کار به سبک راک اجرا شده است. در میانه های موسیقی درامز نیز به سازها افزوده می شود. نگار رستمی نژاد به عنوان نوازنده ویولن کلیه قطعات و همخوان در این قطعه و کلیه قطعات حضور دارد. قطعه چهارم - بامداد : موسیقی این قطعه شباهت های زیادی به قطعه اول دارد. در این قطعه صدای موسیقی اصلی کاسته شده است و بیشتر بر سازهای جانبی از جمله درامز و گیتار الکتریک تاکید شده است. شعر از تایماز افسری است و یک شعر محلی محسوب می شود که گویی باید برروی موسیقی Folk Fusion و یا سنتی - محلی اجرا گردد و این برای نخستین بار است که برروی موسیقی راک اجرا می شود. در اواسط قطعه صدای موسیقی بر کل قطعه غلبه می کند. گیتار الکتریک و درامز اصلی ترین سازهای این قطعه هستند. بیلی کوبهام پانامایی در این قطعه درامز می زند. قطعه پنجم - سر کوه بلند : سر کوه بلند یک آواز محلی است که تا به حال با اجراهای متفاوت توسط افراد مختلفی همچون محسن نامجو ، سیما بینا و خوانندگان قدیمی تر اجرا شده است. هر یک از این خوانندگان به سبک منحصر به فرد خود این قطعه را اجرا کرده بودند بخصوص محسن نامجو که با موسیقی تلفیقی و فضای ناراحت ، غمگین و غم آلود این آواز را اجرا کرده اند. گروه مهر نیز این قطعه را بصورت جدیدی آماده کرده است. ویولن ، گیتار ، پرساکشن ، کیبورد و درامز با هم ترکیب شده اند و این قطعه را پدید آورده اند. شعر این آواز توسط سهیل نفیسی ویراسته و تغییر داده شده است و با شعر اصلی آن بسیار متفاوت است. هر بخش از صدای کیبورد ، گیتار و پرساکشن

شکل گرفته است و در میان هربخش نیز صدای ویولن به گوش می رسد. قطعه ششم - حلقه : حلقه با ترانه ای از تایماز افسری به سبک آلترناتیو راک می باشد. از کلام معروف "میان گریه می خندم زمانی..." در شعر این کار استفاده شده است. تلفیقی به جا و استاندارد ، هنگام خواندن ، صدای ویولن کاسته می شود و پس از هر بخش از صدای خواننده صدای ویولن زیاد می شود. باید یک خسته نباشید اساسی به تهیه کننده این آلبوم حرفه ای گفت زیرا با اینکه او ایرانی نیست به خوبی از پس تلفیق سازهای ایرانی و غربی بر آمده است. استفاده درست و ترکیب سازها موجب شده تا این قطعه و کلیه قطعات آلبوم کاملاً حرفه ای از آب در بیایند. نوازنده پرساکشن این قطعه محمدرضا اصغری می باشد که این کار را با استفاده از نرم افزارهای کامپیوتری انجام داده است. قطعه هفتم - دینگومارو : دومین قطعه از سری آوازاها و موسیقی های زار. باز هم برخلاف کارهای زار باراد که بیشتر بر آواز زار تاکید داشت ، در اینجا تاکید بر بخش خاصی وجود ندارد. در این قطعه صدا بالاتر از موسیقی است. این قطعه پیش از آنکه یک قطعه راک باشد ، یک قطعه فیوژن و تلفیقی محسوب می شود. قطعه هشتم - تن بیشه : آخرین قطعه آلبوم بی سر و صدا ولی جنجالی مهر که با صدای گیتار و پس از چند ثانیه درامز و پرساکشن آغاز می شود. سیاهش کسرایی ترانه سرای این قطعه است. این قطعه هم از سری قطعات اول و چهارم است و به همان سبک می باشد. آنچه در آلبوم مهر رخ داده است حاصل تلفیق امکانات موسیقی دستگاهی ایران ، موسیقی مقامی خراسان و موسیقی مردمی حاشیه خلیج فارس با تکنیک های غربی گیتار است. اما تاثیر موسیقی جنوب ایران به ویژه موسیقی زار در این میان بارزتر است. به سختی می توان مهر را برای شنونده ای که از این سبک سابقه ی ذهنی ندارد ، توصیف کرد. در این اثر ، برخی از تحریرها ، فواصل ، ضرباهنگ های جذاب و نامتعارفی که مشخصا ریشه در موسیقی ایرانی دارند به گونه ای سلیس و قابل هضم با نغمه ها و هارمونی موسیقی غربی عجین شده اند. همکاری با بیلی کابهم ، نوازنده پانامایی درامز ، که سال ها با جان مک لافن و مایلز دیویس همکاری داشته است، تصویری واضح از قابلیت های تلفیق موسیقی غربی و ایرانی را در این مجموعه پدید می آورد. همنشینی ملودی های آشنای موسیقی سنتی ایران با ریتم های نامتعارف و پرتحرک از ویژگی های بارز تمامی قطعات به شمار می رود. اشعاری که در این قطعات به کاررفته نیز شامل آثار شاعران کلاسیک ، تصنیف های ایرانی و نیز اشعار تازه ای با درون مایه ی مدرن است.

آری، او همان استاد است...

● محمد جواد صحافی

هیچگاه قصد نگاشتن چنین مطلبی را نداشتم؛ مطلبی که در وصفش باشد و او را تعریف نماید که بسیاری از این دست مقالات و تعاریف که همه فقط و فقط به تعریف و تمجیدش پرداخته اند. هدفم انتقاد از وی بود و انتقاد از آثار و کنسرت‌های ضعیفش. و اینکه چرا میخواند!

اما زمانی که داشتم برای تکمیل مقاله خود اشعار و آثاری چون دود عود؛ نوا؛ بوی باران را گوش می سپردم به ناگاه چنان حسی زیبا بر من دست داد تا موضع خود را تغییر داده و نه تنها بر علیه اش بلکه در وصفش بنویسم. البته مطمئن هستم نوشتن در وصف شخصیت وی در توانایی قلم نیست چرا که:

قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز... وای حد تقریر است شرح آرزومندی

میخواستم انتقادش کنم آه باران را و ساز خاموشش را؛ سرود مهر را و غوغای عشق‌بازانش را اما به ناگاه چشمم به دلشدگان و سرو چمان و پیام نسیم و دل و مجنون و خلوت گزیده و شب سکوت کویر و ماهور و بی تو بسر نمیشود و فریاد و آسمان عشق... افتاد. خود را نکوهش کردم و از کرده خود پشیمان شدم. آخر در حدی نبودم که شجریان را نقد کنم. خدمت او به هنر موسیقی این مرز و بوم آنقدر بی شمار بود که نمیشد با یکی دو اثر وی را انتقاد نمود.

فردی که دنیا؛ موسیقی ایران را با نام او میشناسد. فردی که هرگاه نام استاد بر لبانمان جاری میگردد به ناگاه نام شجریان را در کنار نام استاد می بینیم. فردی که هنر برای او نه تجارت است و نه کلاهبرداری. تنها رسالتیست که سالیان سال عهده دار آن است تا مشعل هنر موسیقی ایران را همیشه فروزان نگاه دارد. گویی وظیفه او در سالیان افول موسیقی ایرانی حفظ و رساندن آن به سر منزل مقصود بوده و است.

میخواستم از او انتقاد کنم که چرا آن چهار یار موافق از دست شده، و از هم جدا گشتند و یازده جانشین برای آنان تعیین شدند... یازده جانشینی که هیچگاه نمیتوانستند در مقام آن چهار بزرگ موسیقی ایرانی باشند. "علیزاده؛ کلهر و همایون، فرزند خلفش چه شدند؟" اما نتوانستم...

متأسفانه در کشور ما موسیقی مظلوم ترین هنر است. مظلومیتی که به جرات میتوانم بگویم متولیان امر نقش بسزایی در این مظلومیت داشته اند. عدم برگزاری جلسات نقد و بررسی آثار موسیقایی در کشور توسط سازمان صدا و سیما؛ عدم معرفی صحیح آثار نو و بسیاری دیگر از مخالفتها باعث گردیده است تا هر فردی از منظر خود را کارشناس و هنرمند معرفی نموده و به ایراد سخنانی غیر کارشناسانه بپردازد.

روی سخن من تنها با شخص استاد شجریان نیست که بسیاری از استادان و هنرمندانی که به دلیل سخنانی غلط محبوبیت خود را از دست داده اند. با معرفی تکنولوژی (که ذات آن مخالفت با سنت است) اینترنت و ورود سایتها و به تبع آن وبلاگهایی در زمینه موسیقی به این عرصه، گشاده گویی ها؛ اتهامات؛ سخنان غیرواقع؛ نقدهای ناکارشناسانه عده ای؛ سخنان آزادانه و بدور از حفظ احترامات (که همگی متأسفانه از خصوصیات اینترنت و دنیای مجازی هستند) افزایش پیدا کرد تا محلی باشد برای عقده گشایی عده ای محجور و مطرح نمودن خود با ایراد سخنانی خلاف واقع.

ورود وبلاگهایی که به زعم خود گام مثبتی در زمینه موسیقی برداشته و خود را از اهالی موسیقی میدانند؛ با نامهایی مجازی که هیچ شخصی نمیتواند شناخت کافی و وافی از آنان داشته باشد و به تبع آن اقدام موسسان آن برای بالاتر بردن آمار بازدیدکنندگان با تخریب و تمسخر اهل هنر عملاً و مستقیماً گام بزرگی در نابودی موسیقی ایرانیست. متأسفانه به جهت آنکه همیشه ناراضی بودن و صد البته حاشیه پرست بودن یکی از خصوصیات بارز ما ایرانیان است، آمار بازدیدکنندگان و نظر دهندگان این سایتها و وبلاگها نیز جالب توجه است.



آنچه که در اینجا مهم است و بسیار نیز قابل تامل، اینکه ابتدا اشخاص موسس اینگونه محافل و مجامع تا چه حدی بر موسیقی و اهالی هنر واقفند و در چه جایگاهی هستند که اینگونه بر این هنرمندان می تازند و خود را برتر از اینان میدانند؟ آیا تمسخر بزرگان را بر خود افتخار دانسته و اقبال عمومی و بلاگ خود را دلیل موفقیت‌هایشان میدانند؟ آیا هیچ بر این نکته واقفند که چه ضربه‌ای بر پیکره نحیف موسیقی وارد میکنند؟ بنده قصد داشتم در مقاله‌ای به انتقاد (نه تمسخر که خارج از ادب و نزاکت است و قدر ناشناسی اهالی هنر) از استاد شجریان و اثر جدیدش بپردازم. زمانی که در بخشی از مقاله نیاز به بررسی دقیق‌تر سایر آثار ایشان داشتم بهنگام گوش سپردن به اثر به واقع بی نظیر دود عود آنچنان شوری در من بر انگیزته شد که اشک در چشمانم حلقه زد. و خود در حد و اندازه‌های جسارت بر این بزرگمرد موسیقی ایران ندیدم. آیا واقعا شجریان را باید نقد نمود؟ آیا تنها یکی دو اثر برای نقد کردن از وی کافیهست؟ پس آن ۴۷ اثر رسمی منتشر شده از ایشان که مطمئنا بسیار بیشتر از این تعداد در محافل و برنامه‌هایی چون گلها ضبط و موجود هستند چه میشوند؟ گلها؛ بیداد؛ آستان جانان؛ سر عشق؛ نوا؛ دستان؛ سرو چمان؛ پیام نسیم؛ دل مجنون؛ آسمان عشق؛ دل شدگان؛ خلوت گزیده؛ یاد ایام؛ چشمه نوش؛ جان عشاق؛ همایون مثنوی؛ گنبد مینا؛ عشق داند؛ راز دل؛ انتظار دل؛ رسوای دل؛ راست پنجگاه؛ شب وصل؛ معمای هستی؛ چهره به چهره؛ شب سکوت کویر؛ آرام جان؛ آهنگ وفا؛ بوی باران؛ پیوند مهر؛ زمستان است؛ بی تو بسر نمی شود؛ فریاد؛ دود عود؛ در خیال؛ سپیده؛ بیاد عارف؛ قاصدک؛ جام تهی؛ جان جان؛ گلبانگ یک و دو؛ رباعیات خیام؛ دیلمان؛ چاووش... و...

بسیاری معتقدند که ایشان به دلیل کهولت سن، دیگر آن شجریان سابق نیست و اجرای تحریرها همانند سابق از عهده ایشان خارج است و بهتر است خود را بازنشسته کنند.

بسیاری هستند که شجریان را با همین صدای (به قول عده‌ای) کهنسال می پرستند و او را دوست دارند. این طبیعی است که گذشت زمان بر تغییر لحن صدای فرد تاثیر گذار خواهد بود اما زمانی که توانایی استاد در اجرای موسیقی آوازی بسیار بالا تر از دیگر هنرمندان این عرصه است چرا باید خود را کنار کشیده و از موسیقی دوری گزینند؟ و خیل علاقه مندان شان را در حسرت پرواز با صدایشان گذارند؟

در هر کشوری موسیقی نمادی از فرهنگ آن کشور است و هنرمند هم نماد موسیقی آن کشور. ونجلیس؛ کیتارو؛ یانی؛ کلایدر من؛ پاوارتی و... اینان اسامی هستند که بسیار نام آنان را شنیده ایم و از آثار فاخرشان لذت برده ایم. در حالیکه همه نیک میدانیم که اینان تنها هنرمندان کشورشان نیستند که نماینده آنانند و شایسته ترین آنان. در ایران نیز محمدرضا شجریان نماینده موسیقی ایرانیست و صدا البته شایسته ترین آنها. بسیاری از مردمان اهل فرهنگ و هنر در تمامی دنیا زمانی که نامی از موسیقی ایرانی به میان می آید به ناگاه نام شجریان در ذهنشان خطور میکند. اگرچه محمدرضا شجریان مصداق بارزی از فردیست که زندگی خود را وقف هنرش نموده است. اما تنها هنرمندی نیست که خود را فدای هنر و موسیقی نموده است.

تا عده‌ای ندانسته و بدون هیچ اطلاعی و صرفا برای مقاصد شخصی یک هنرمند و هنرش را تخریب و برای آن رای صادر نمایند.

همان گونه که این هنرمندان هنرشان را به مردم عرضه مینمایند؛ مردم نیز متعاقباً تنها میتوانند از هنر این هنرمندان لذت ببرند و یا آن را نپسندند. البته نپسندیدن یک اثر با نقد آن تفاوت‌های بسیاری دارد؛ هر فردی نباید به خود اجازه نقد بدهد و سخنانی غیر کارشناسانه بر زبان آورد!

منتقد یک هنرمند باید در حد و اندازه‌های همان هنرمند باشد و یا حداقل موسیقی را تا جایی که نیاز به نقد دارد بشناسد. که در غیر اینصورت رسالت یک نقد از بین رفته و تبدیل به تخریب میشود. مطمئنا اساتید موسیقی نیز برای بهبود کیفیت آثارشان نیاز به نقد دارند و خود نیز نقد پذیرند همانگونه که خود استاد نیز بر این نکته واقفند: «انتقاد اگر درست باشد می پذیرم و درست هم نباشد نیازی ندارم که با منتقد جر و بحث کنم. انتقاد درست، سازنده است و من همیشه انتقاد درستی را که از کارم کردند، گوش کردم و به کار بستم و موفق شدم. اگر انسان را تشویق کردند و برایش کف زدند، فکر نکند که دیگر کار تمام شده و او بهترین شده است! این طور نیست»^۱

«ما هنر مندان تمام عمر زیر پروژکتور نگاه زندگی میکنیم. الان به خود میگویم آیا میشود جایی بروم که کسی مرا نشناسد! آزاد باشم. روی چمن بنشینم، دراز بکشم و کسی چشم به من ندوخته باشد. من میخواهم برای خودم زندگی کنم اما نمیشود. گاهی آدم دلش برای خودش تنگ میشود! چون دیگر نمیتواند خودش را پیدا کند. اینهاست که بین هنرمند و مردم فاصله ایجاد میکند. هنر مند حس میکند که از لحاظ عاطفی نمیتواند جوابگوی مردم باشد... واقعا آدم دلش برای خودش تنگ میشود. به کارهای شخصی و روزمره هم نمی رسیم. یک وقت مشکل دندان داشتم و نمیرسیدم که معالجه کنم. دکتر میگفت تو خواننده‌ای و میدانی که دندانهایت جزو سرمایه هنری توست، مرا به زور برداشت و برد مطب! میخواهم بگویم که زندگی ام شلوغ شده است»^۲

حال؛ پاسخ پرسشی را که در ذهنم ایجاد شده بود یافتیم. آیا استاد شجریان؛ همان استاد شجریان است؟ آری او همان استاد است. با همان طرز فکر؛ با همان علاقه اش به گل و گیاه؛ با همان عشقش به هنر و موسیقی، او همان استاد است؛ همان که پیکاسو را دریافت کرد؛ همان که معتقد است اگر که تدبیری باشد در درک منطق هنر است؛ همان که با هنر پرواز میکند به فرازستان معنا...

«در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد.

جلوه‌ای کرد رخس؛ دید ملک عشق نداشت

عین آتش شد از این غیرت و بر آدم زد...»

(۱) مجله روزهای زندگی، شماره ۹۵، سال ۱۳۷۸ نقل شده عینا از کتاب هزار گلخانه آواز ص ۱۲۹

(۲) استاد شجریان، راز مانا؛ نقل شده عینا از کتاب هزار گلخانه آواز ص ۱۴۳

آریا کرنافی

مدتی پیش نخستین آلبوم موسیقی کاپیتان محمد مهدی کریمی به زبان انگلیسی برای اولین بار بصورت مجاز وارد بازار موسیقی ایران شد. از این آلبوم به عنوان اولین آلبوم موسیقی به زبان انگلیسی که مجوز گرفته یاد می شود. با این حال به شخصه پیش از نیز نام آلبومی را شنیده بودم که به زبان انگلیسی خوانده شده است اما نامش را به یاد ندارم یا شاید اشتباه می کنم. اما مهم این نیست که این آلبوم اولین یا چندمین آلبومی است که به زبان انگلیسی خوانده شده و مجوز گرفته است. قبل از انتشار این آلبوم بسیاری آلبوم های دیگر در سبک های مختلف توسط ایرانیان بصورت کامل به زبان انگلیسی خوانده شده بود اما مجوز ارشاد نداشتند. از این میان می توان به آلبوم های گروه ها و خوانندگان زیرزمینی به خصوص موزیسین های سبک راک از جمله تارانتیست ، ساماویو ، هایپر نوا ، دایرکت ویژن و بسیاری دیگر گروه ایرانی که آثارشان به طور کامل به زبان انگلیسی می باشد. عقیده این دسته از موزیسین ها این است که شعر و ترانه فارسی مناسب موسیقی راک نیست و نمی توان آن را به خورد موسیقی راک و متال داد. با این همه مهدی کریمی یک آلبوم موسیقی به زبان انگلیسی منتشر کرده است که از جهات مختلف مورد تمجید می باشد. در نگاه اول صدای خواننده متناسب با زبان انگلیسی می باشد و کاملاً مناسب با موسیقی آن ترکیب شده است. در نگاه دوم موسیقی مناسب و تنظیم های به جای انجام شده بر روی قطعات است که بسیار خوب کار شده اند. همانطور که می دانید وقتی نامی از آلبوم راک به میان میاید ، گرفتن مجوز آن خیلی سخت تر می شود. یکی از وجوه امتیاز این آلبوم نزدیکی موسیقی قطعات به سبک های راک و پاپ/کلاسیک است که در کنار ترانه های انگلیسی قرار گرفته اند. بار مفهومی اشعار نیز بالاست و موضوع اصلی آن ها انسان دوستی است. همه این موارد دست در دست هم داده اند و آلبومی را پدید آورده اند که مهدی کریمی آن را "شکوفایی" نامیده است. حقا که می توان این اثر را شکوفایی دانست. نه تنها از آن جهت که به زبان انگلیسی خوانده شده است بلکه به جهت خلاقیت های شکل گرفته در آن این آلبوم یک شکوفایی در موسیقی ایران محسوب می شود.

پخش این آلبوم توسط شرکت آوای باربد انجام شد که می توان گفت همیشه در زمینه انتشار چنین آلبوم هایی پیشگام بوده است. با این حال به نظر بازتاب مناسبی میان اهالی موسیقی نداشته است. کمتر شنیده شده و مورد نقد قرار گرفته است. برخلاف بسیاری از آلبوم های دیجیتالی و مدرن امروزی که محتوای درست و حسابی هم ندارند ، شکوفایی آلبومی است با محتوا و موسیقی ای عالی.

شکل گیری و پدید آمدن چنین آلبومی بی شک کار سختی است و برای تهیه ی آن زحمات بسیاری کشیده شده است. من به نوبه ی خود از کاپیتان مهدی کریمی بابت چنین آلبومی تشکر می کنم و همچنین به او تبریک می گویم. آلبوم دوم ایشان قرار است به زودی منتشر شود. این آلبوم نیز به زبان انگلیسی بوده ولی پس از این آلبوم ، ایشان کارهای فارسی خود را نیز که احتمالاً برگ برنده ای دیگر در دستان این هنرمند جوان و خوش سلیقه است را نیز منتشر خواهند کرد.

نقد و بررسی آلبوم

BLOOM



گفتگو با اصغر محمدی

موسیقی های امروزی مردمی نیست !

محمد جواد صحافی



موسیقیدانان ساکن شهرستانها به دلیل دوری از پایتخت علیرغم شایستگی هایشان همیشه گوشه نشین بوده اند . از گروه های موسیقی فعال در شهرستانها به دلیل عدم شناخت مردم ؛ کمتر استقبال میگردد این در حالیست که در صورت فعالیت چنین گروهی در پایتخت شناخت از این گروه در بین اهالی موسیقی و هنر دوستان بسیار بیشتر میگشت .

اصغر محمدی نوازنده سنتور و آهنگساز است که به جرات میتوات گفت جزو ده نوازنده برتر سنتور در ایران زمین میباشد که سالهاست در زمینه موسیقی و با تحمل مشکلات فراوان به فعالیت می پردازد .

وی سرپرست گوهی موسیقایی با نام اشراق است که در جشنواره های مختلف موسیقی مقامهای بسیاری را کسب نموده است اما به دلیل اقامت وی در شهرستان و فعالیت گروه در شهر زنجان آنطور که باید شناخته نشده است .

گروه اشراق از اسفندماه سال ۸۸ کنسرت های متعددی را در شهرهای ایران آغاز خواهند کرد . همین امر بهانه ای گشت تا گفت و گویی دوستانه با اصغر محمدی نوازنده سنتور و سرپرست این گروه داشته باشیم که آن را از نظر میگذرانیم .

• جناب آقای محمدی با سلام ؛ لطفا خودتان را معرفی

نمائید و اندکی از فعالیتهای هنریتان توضیح دهید

از سال ۱۳۶۱ زمانی که دوازده ساله بوده به طور رسمی نوازندگی را آغاز نموده ام ، حدود ۵ سال به طور خود آموز فعالیت نموده ام ؛ مراحل اولیه کتاب را با آقای محمد تقی ارغوانی فر شروع نمودم ؛ در سال ۱۳۶۹ در خدمت استاد پشنگ کامکار موسیقی را ادامه دادم تا سال ۱۳۷۲؛ سپس به سفارش استاد فرامرزی پایور حدود پنج سال در خدمت استاد سینکی بودم و روشهای تدریس و وزن خوانی را از ایشان آموختم ، که میتوان گفت حدود ۱۹ سال برای یادگیری موسیقی در رفت آمد بین شهرستان خود و تهران با مشکلات فراوان و با هر وسیله نقلیه ای بودم . در آن زمان به دلیل آنکه من محصل بودم تامین هزینه های سفر و شهریه کلاسها بسیار سخت بود و تنها منبع تامین هزینه سفر و کلاسها چند شاگردی بود که در تهران داشتیم .

• چرا ساز سنتور را برای خود انتخاب نموده اید ؟ و از سازتان اندکی توضیح دهید

در حدود سال ۱۳۶۰ نوار کاستی را از برادرم بزرگم دریافت کردم که مربوط به استاد پایور بود با نام شهر آشوب ؛ پس از شنیدن این اثر چنان حسی به من دست داد و شور و شفعی در من انگیزته شد که گویی این صدا همان صدای گم گشته من بود ؛ صدایی که سالها به دنبالش بودم . پس از آن به یادگیری این ساز پرداختم .

• نوع صدایی که در این ساز وجود دارد و حجم و بعد صدای بسیار متنوع و متفاوت است؛ کوک این ساز نیز بسیار مشکل است . در این مورد نیز توضیح دهید .

سنتور ساز آشنایی برای مردم ایران است ، هفتاد و دو سیم دارد که به صورت چهار تایی تقسیم بندی شده اند . یکی از خصوصیات این ساز این است که اگر نوازنده حتی ناخواسته نت را اشتباه بنوازد باز هم صدایی قابل قبول از ساز را میتوان شنید ؛ به همین دلیل میتوان گفت یادگیری این ساز نسبت به بقیه ساز ها نسبتا آسان تر است .

در هر حال یادگیری هر ساز در مقاطعی مشکلاتی را دارد ، مثلا یادگیری کمانچه ممکن است در آغاز مشکل باشد و یادگیری سازی چون سنتور در آغاز ساده ولی در ادامه مشکل تر میشود .

حتی برای سازی چون تنبک که سه نوع صدا دارد نیز نمیتوان بیان داشت که ساز ساده ایست و پیچیدگی های خاص خودش را دارد .

حجم صدایی این ساز تولید میکند با توجه به نوع ساخت آن متفاوت است. سازنده های بسیاری در زمینه ساخت ساز سنتور فعالیت میکنند و سازهای خوبی هم میسازند . اما از میان آنها میتوان ساز استاد سالاری را یکی از بهترین سازها دانست . میتوان گفت ایشان در بین سازندگان ساز سر آمد هستند . کافیتست به ایشان صدای دلخواهی که میخواهد از ساز بیرون آید را بگوئید ؛ سازی میسازند که همان صدا را برایتان داشته باشد. صدای ساز سالاری بسیار محزون است و این یکی از مزایای سازهای ایشان میباشد آقای سالاری در زمینه ساز سنتور نوآوری هایی نیز داشتند. که حذف گل سنتور که بسیاری معتقد بر آن بودند که این امر ناممکن است یکی از بدعت های ایشان در زمینه ساخت سنتور میباشد.

• اندکی از بحث در مورد ساز بیرون آئیم ، سئوالی که همیشه در ذهن من متبادر میشود آنکه به اعتقاد من موسیقی در دوره کنونی نسبت به دهه ۴۰ تا ۶۰ افول کرده است ؛ دیگر شاهد ظهور هنرمندان بزرگی چون هنرمندان آن دوران نیستیم . هنرمندان کنونی که موسیقی فی الواقع مدیون آنهاست پرورش یافته آن دوران هستند . با این اوصاف به نظر شما آیا موسیقی در دوره کنونی رشد بیشتری نسبت به دهه های ۴۰ تا ۶۰ داشته است یا خیر ؟

ارزش و بهایی که در آن دوران به موسیقی قائل میشدند بسیار بالاتر از دوران کنونی بود . شغل هنرمندان در آن دوران تنها موسیقی بود ؛ در صورتی که در این زمان کمتر هنرمندی را میابید که شغل اش و منبع د آمدش از راه موسیقی باشد . موسیقی شغل دوم هنرمندان است همین امر باعث میگردید تا آثار فاخر موسیقایی تولید گردند .

همچنین موسیقی دانان دوره کنونی از تکنیکهای بسیار بالایی برای نوازندگی برخوردارند اما متاسفانه حس بسیار پائینی دارند . موسیقی زمانی میتواند زیبا باشد که حس داشته باشد و آن را به مخاطب القاء کند و تکنیک تنها به زیبا تر شدن موسیقی کمک میکند . در موسیقی کنونی کمتر اثری را میتوان یافت که تکنیک و حس در کنار هم باشند تا شنونده از شنیدن اثر لذت ببرد .

هم اکنون از گروههای موسیقی آثاری را مشاهده میکنیم که دارای تکنیکهای بسیار بالایی هستند . دولا چنگ و سه لا چنگ را چقدر خوب و زیبا اجرا میکنند اما آن احساس را نمیتوانند منتقل نمایند . شما خود مقایسه کنید برنامه گلها را با تولیدات کنونی .

در آن زمان برای تولید اثری ؛ نوازنده ها در کنار یکدیگر مینواختند اما هم اکنون نوازنده ها جداگانه در استودیو قسمتهای مربوط به خود را ضبط میکنند و حتی یکبار هم در کنار یکدیگر برای نواختن اثری قرار نمیگیرند . اینها همه میتواند دلایلی کافی باشد برای افول موسیقی در دوان کنونی.

• شما سرپرست گروهی موسیقایی با نام اشراق هستید که سالهاست در این زمینه فعالیت نموده و در نوع خود موفق نیز بوده است . لطفا بفرمائید این گروه چه زمانی تاسیس گردیده است ؟

در سال ۱۳۷۷ گروهی با نام بامشاد تاسیس نمودیم و در سال ۷۸ نام گروه را به اشراق تغییر دادیم . کنسرتهایی نیز به همراه این گروه برگزار کردیم. به همراه این گروه دو اثر ظهور با صدای مرحوم بسطامی و یاران موافق را نیز ضبط نموده و روانه بازار کردیم . بعدها به دلیل قوی بودن این اثر آقایان داوود ورزیده ؛ داوود منادی ؛ حسن ناهید و سینا جهان آبادی نیز قبول زحمت فرموده و بر روی این اثر اجرایی را انجام دادند . خواننده این آلبوم آقای کریمی(از شاگردان استاد شجریان) بودند که جدای از بحث آواز که نمیتوانم در مورد خوب یا بد بودن آن نظری داشته باشم ؛ یاران موافق آلبوم خوب و قوی بود .

قطعه بی کلام " طلوع " ساخته اینجانب و با اجرای گروه اشراق نیز به سفارش صدا و سیمای شهرستان زنجان در ساختار موسیقی بی کلام رتبه نخست را کسب کرد . قطعاتی دیگر نیز ساخته شد که میتوان به قطعه ای که به مناسبت میلاد حضرت علی ساختم اشاره نمود که این قطعه نیز جوایزی را کسب نمود .

آخرین اجرای گروه نیز شرکت در بیست و چهارمین جشنواره موسیقی فجر بود ؛ اجرای زیبای گروه و شایستگی ما برای کسب مقاوم اول متأسفانه نادیده گرفته شد و نامهربانی داوران باعث گردید تا در کمال تعجب مقام اولی به گروهی بسیار پائین تر از گروه اشراق اختصاص یابد و گروه ما دوم شد . همین امر نیز باعث گردید تا از این پس دیگر به شرکت در جشنواره موسیقی فجر دیگر فکر نکنم .

• شما در سطور بالا به آلبومی با نام ظهور با صدای مرحوم بسطامی اشاره نمودید . در مورد این آلبوم اندکی بیشتر توضیح دهید

با توجه به آنکه آهنگسازی آثاری که در کنسرتها انجام دادیم خوب و قوی بودند تصمیم بر آن شد که آثار به همراه خواننده ای قوی اجرا و به بازار عرضه گردد در ابتدا خواننده هایی نیز مد نظر داشتیم و صحبتهایی نیز با افرادی همچون آقای سراج و افتخاری گردید . به زحمت توانستیم با مرحوم بسطامی نیز ارتباط برقرار کنیم . استنباطی که از آقای بسطامی داشتیم این بود که ایشان اجرای این اثر را قبول نمی کنند که خوشبختانه با کمال میل این پیشنهاد را پذیرفتند . صداقت ایشان و عشق و علاقه شان به موسیقی ایرانی ستودنی بود . حدود دو سال بر روی این اثر تمرین نمودیم و در سال ۱۳۸۱ و تنها دو ماه قبل از فوت مرحوم بسطامی آلبوم ظهور با صدای مرحوم بسطامی منتشر گردید . در این بین نامهربانی بسیاری را نیز متحمل نمودیم ؛ شرکتی که قرار بود آلبوم فوق را منتشر نماید اثر را با کیفیت بسیار نازل و با هزینه بسیار بالایی روانه بازار کرد که در نهایت انتشار اثر در اختیار شرکتی دیگر در اصفهان قرار گرفت .

• گروههای موسیقی کنونی در کشور پایداری و ثبات ندارند ؛ از مهمترین آنها میتوان به گروه آوا و یا گروه عارف اشاره نمود که پس از اجرای کنسرتها و یا ارائه آثاری از هم پاشیده شده اند ؛ در مقابل گروههایی نیز چون دستان ؛ و یا کامکارها در زمینه موسیقی فعالیت می نمایند که سالهاست در زمینه موسیقی اصیل فعالیت های ارزنده ای انجام میدهند نقطه اشتراک هر دو گروه را میتوان خواننده محور نبودن آن و ثبات آن دانست که هر دو بسیار مهم هستند . میتوان گروه اشراق را نیز گروهی دانست که وجه مشترک این دو گروه را داراست ؛ ثبات این گروه " و " خواننده محور نبودن " به نظر شما این نقاط اشتراک میتواند مثبت باشد ؟

متأسفانه بحث خواننده سالاری در کشور ما وجود دارد . به عنوان مثال پرویز مشکاتیان با زحمات فراوان آهنگسازی اثری را انجام میدهد اما با نام شجریان و یا بسطامی مطرح میگردد . چه بسا زحمتی را که نوازنده در تولید یک اثر متحمل میشود بالاتر از یک خواننده است و من با این مسئله مخالف هستم . که البته مسئله خواننده سالاری و خواننده محور بودن مدتیست کم رنگ تر شده است .

ما عنان کار گروه را به دست خواننده نداده ایم ؛ همانطور که خواننده های بسیاری را در گروه خود تجربه کرده ایم مرحوم بسطامی ؛ علی جهاندار ؛ آقای علیاری و هم اکنون هم آقای مجتبی عسگری که خود از شاگردان استاد شجریان هستند و صدای بسیار زیبایی نیز دارند .

در اکثر کارهای تولید شده ؛ نوازنده آهنگساز و یا سرپرست گروه است . همانطور که کمتر دیده شده است یک خواننده ؛ قطعه ای قوی و قابل قبول بسازد . ممکن است خواننده بتواند در آوازا آنچه را که میخواهد انجام دهد ولی مطمئنا در جواب آواز و تنظیم ها با مشکل برخورد میکند مگر آنکه خود خواننده ؛ به نوعی نوازنده نیز باشد .

مسائل مالی در پایداری و یا پاشیدگی گروهها از هم بسیار موثرند . ما در گروه این مسائل را حل کرده ایم قبل از اجرای کنسرت و ورود به صحنه مسائل مالی تمام اعضا را حل کرده و سپس به اجرای برنامه می پردازیم ؛ این خود میتواند یکی از رموز پایداری گروه اشراق باشد .و همچنین به اعتقاد من اول باید قلبهایمان را کوک کنیم و سپس سازهایمان را ؛ اعضای این گروه همگی باهم دوست هستیم و این دوستی نیز یکی دیگر از دلایل ادامه راه گروه اشراق است .

• شما خود از خانواده هنرمندی هستید که برادرانتان نیز در این گروه در زمینه سازهای کوبه ای و کمانچه فعالیت میکنند ، نیز فرزندی سیزده ساله دارید با نام پویا که علیرغم سن کوچکیان تبحر بسیار بالایی در زمینه نوازندگی سنتور دارند ؛ به نظر من ایشان آینده موسیقی ایران هستند، در مورد پویا اندکی توضیح دهید .

ذهن پویا ذهن جوانیست ؛ به جرات میتوانم بگویم سرعت و تکنیکی که پویا دارد را در کمتر کسی دیده ام . ملاحظه سازی که پویا میزند منحصر بفرد است و مخاطب را هیچگاه خسته نمیکند . ایشان از اعضای اصلی گروه هستند . پویا فعالیتهايش را به همراه من آغاز کرده است و هم اکنون نیز بیشتر از آثار آقای اردوان کامکار استفاده میکند ناگفته نماند ؛ پویا روزانه حدود شش الی هفت ساعت را برای ساز زدن و تمرین سنتور صرف میکند .

تأثیری که موسیقی اصیل ایرانی بر ذهن و روح پویا گذاشته به هیچ وجه قابل انکار نیست . روحیه لطیف وی و قابل احترام وی ستودنی است . اخیرا نیز در خدمت استاد کامکار ایشان دست به مضارب شده و مورد تحسین پشنگ کامکار قرار گرفتند .

ایشان آهنگهایی نیز برای کنسرت در دستگاه شور و درگام مینور ساخته اند و هم اکنون مورد استفاده قرار میگیرد .

یکی از خصوصیات پویا آن است که به راحتی میتواند نواخته های خود را انتقال داده و بنوازد .

• همانطور که خود نیز میدانید وجود یکسری ممنوعیتها باعث گردیده اند تا موسیقی ایرانی آنطور که باید نتواند جایگاه خود را در بین مردم پیدا کند. آینده موسیقی ایرانی را با توجه به شرایط کنونی موسیقی و ممنوعیت های آن چگونه ارزیابی میکنید ؟ به عنوان مثال عدم نمایش دادن چهره ساز از رسانه ملی ؛ به نظر شما با این وضعیت آیا چراغ موسیقی ایرانی روشن خواهد ماند یا خیر ؟

ببینید خوب همیشه خوب است موسیقی خوب هم همیشه ماندگار است درست است که یکسری ممنوعیتها باعث گردیده اند تا موسیقی اصیل ایرانی آنطور که باید نتواند خودش را نشان دهد اما مردم ما میتوانند موسیقی خوب را تشخیص دهند . اما طبیعیست که اعمال ممنوعیتها بر تولید آثار ماندگار و فاخر تأثیر گذار خواهد بود .

در مورد نشان ندادن ساز نیز من هنوز نتوانسته ام پاسخ درستی بیايم نه تنها من بلکه از بسیاری از بزرگان نیز چنین سئوالی را پرسیده ام کسی از این عزیزان نتوانسته اند پاسخ این سئوال را بیابند . اگر نیاز به حجاب است به فکر سازی باشیم که حجاب داشته باشد . به عنوان فردی که حدود سی سال است نوازندگی میکنم هنوز دلیل عدم نمایش ساز را نتوانسته ام بیايم .



در ایران همین ممنوعیتهای اعمال شده باعث گردیده اند تا موسیقی اصیل نیز آن رنگ بوی سالیان قبل خود را از دست بدهد. ساز تار را در موسیقی پاپ استفاده میکنند و همچنین بالعکس از سازی مثل گیتار در موسیقی اصیل استفاده میشود. این یک نوع ساختار شکنیست ؛ اما منفی . و این حس باعث میگردد تا حسی که از طریق موسیقی ایرانی به شنونده القا میشود از بین برود .

به عنوان مثالی دیگر از شعار حافظ و مولانا در موسیقی پاپ استفاده میکنند که ارزش شعر را تنزل میبخشد . موسیقی پاپ شعر مخصوص به خود را دارد . بهتر است از آنان به جای اشعار حافظ و مولانا استفاده گردد . به نظر من شعر اصیل باید موسیقی اصیل هم داشته باشد .

البته این ممنوعیت بیشتر در مورد موسیقی اصیل است تا پاپ. شما کافیسست یکبار به موسیقی هایی که از رادیو پخش میشود گوش کنید . تنها نامشان موسیقی بد و غیر فاخر است اما مشاهده میکنیم که به راحتی از رادیو پخش میشوند .

• در این مورد بنده با شما موافقم . به اعتقاد شخصی بنده اگر کمی با موسیقی پاپ علمی تر برخورد میشد ، هیچگاه شاهد خواننده هایی که یک شبه تبدیل به هنرمندی بزرگ شده اند!!! را در موسیقی پاپ نبودیم . متاسفانه رسانه ملی نیز به جای ارائه آثار فاخر موسیقی پاپ آثاری را پخش میکند که هیچ ارزش هنری ندارد .

دقیقا همینطور است ؛ این نوع موسیقی ها بر روی ذهن نیز تاثیر منفی دارند . ببینید الان در آثاری که در رسانه پخش میشود تنها یک الی دو درصد آن قابل شنیدن است و این خوب نیست .



• متاسفانه سالهای اخیر علی الخصوص سال هشتاد و هشت سالی غم انگیز برای موسیقی ایران و به خصوص ساز سنتور بود چون ایرج بسطامی ؛ پرویز مشکاتیان و فرامرز پایور . به نظر شما از دست دادن دو ستون بزرگ موسیقی ایران و ساز سنتور پرویز مشکاتیان و فرامرز پایور که به حق میتوان نام پدر سنتور نوازی ایران را بر ایشان نهاد چه تاثیری در ادامه راه موسیقی ایران آموزش این ساز به علاقه مندان دارد ؟

ما در یک برهه زمانی میدان حرکت را از این بزرگان گرفته بودیم . میتوانم بگویم اینها سالیان سال بوده که فوت کرده بودند و فقط به صورت فیزیکی زنده بودند . درگذشت فردی همانند پرویز مشکاتیان برای موسیقی ایرانی تنها غم داشت اما این سخن که با مرگ این عزیزان موسیقی ایرانی پسرفت خواهد نمود سخن درستی نیست ؛ و عمده پسرفت موسیقی ایرانی همانطور که اشاره نیز نمودم به این دلیل بود که ما میدان حرکت را از این عزیزان گرفته بودیم .

افرادی چون مشکاتیان و پایور در ابتدای کار آنقدر قدرتمند و محکم گام برداشتند که هنوز هم میتوانیم با گذشت سالها ثمره آن را احساس کنیم . خودتان قضاوت کنید آیا میتوان آثاری چون آثار مشکاتیان و پایور را تولید و به جامعه هنری تحویل داد ؟

خدمتی که استاد پایور برای موسیقی ایرانی انجام دادند غیر قابل انکار است . اساتیدی چون پشنگ کامکار ، اردوان کامکار ، حتی مرحوم مشکاتیان همه به نوعی از استاد پایور نکات بسیاری آموخته اند .

درست است که برای فردی همانند مشکاتیان خیلی زود بود که از دست برود ؛ هنوز او در دوران شکوفایی بود و میتوانست به موسیقی بسیار خدمت کند . اما شرایط برایش مهیا نبود ، پس چه بهتر که فوت شدند تا بیش از این شخصیت هنری شان زیر سؤال نرود . در مورد استاد پایور که سالها بود در بستر بیماری بودند و با بیماری دست و پنجه نرم میکردند. اما از دست دادن پرویز مشکاتیان برای من بسیار غم انگیز و تاثیر گذار بود . در حین رانندگی بودم که خبر فوت مشکاتیان را شنیدم و دیگر نتوانستم به مسیرم ادامه دهم . به جرات میتوانم بگویم کارهای مشکاتیان بسیار پر عظمت و قدرتمند بود . دلیل اینکه ایشان در این اواخر هم افت داشتند همان گرفتن میدان حرکت از او بود . به نظر من مشکاتیان ایست قلبی نکرد ؛ بلکه دق کرد.

• دقیقا همین طور است ؛ پس از فوت مرحوم مشکاتیان هنرمندان بسیاری به اظهار نظرهای متفاوتی در مورد گوشه گیری های اخیر ایشان پرداختند همچون محمد رضا درویشی که اظهاری نظری مشابه نظر شما را داشتند ؛ به نظر شما دلیل عدم فعالیتهای اخیر مرحوم مشکاتیان چه میتواندست باشد ؟ خود آقای مشکاتیان در این امر چقدر مقصر بودند .

افراد بزرگی چون مشکاتیان و شجریان و امثالهم بیش از آن که متعلق به خود باشند متعلق به مردمند . نباید بگونه ای برخورد نمایند که به خود آسیب برسانند . مردم و هوادارانشان سالهاست که به عشق شجریان و صدای او زندگی میکنند . اینطور نیست که یک نفر بخواهد به اندازه سهم خودش قایقی را سوراخ کند که چند نفر دیگر نیز سر نشین دارند . این بزرگان امانتهایی هستند در دست خودشان . متاسفانه در این اواخر آقای مشکاتیان نتوانست بخوبی این امانت را حفاظت نماید . از طرفی بهترین کارهای آقای مشکاتیان با استاد شجریان و مرحوم بسطامی بوده است . در صورتی که همانطور که خودشان هم میگفتند که یک کمد اثر دارند اما خواننده ای برای اجرای آن وجود ندارد . مشکاتیان انتظار داشت که خواننده ای در حد و اندازه های خودش آثارش را اجرا کند . خواننده های بسیاری وجود داشتند که میتوانستند در عین جوانی آثار مشکاتیان را به خوبی اجرا نمایند . همانطور که می بینیم نمونه این خوانندگان را کارگاههای آواز استاد شجریان که چقدر مسلط و با تکنیک آواز ها را اجرا می نمایند. متاسفانه مشکاتیان به همکاری با خوانندگانی که هم سطح با ایشان نبودند راضی نبود .

• البته با نگاهی به آثار مشکاتیان به راحتی میتوانیم دریابیم که بهترین آثار پرویز مشکاتیان آثاری بوده اند که با همراهی شجریان بوده است ؛ شما اگر نیم نگاهی به این آثار نمائید نمیتوانید آلبومی را بیابید که از درجه پائین تری نسبت به بقیه آثار برخوردارباشند . آیا همین عامل میتواندست دلیلی بر عدم فعالیتهای مشکاتیان با خوانندگان سطح پائین تری باشد ؟
قطع رابطه مشکاتیان با شجریان میتواندست یکی از دلایل عمده گوشه نشینی ایشان باشد .

در صورتی که انسان در شرایط سخت آبدیده میشود ؛ البته من در حدی نیستم که این بزرگان را نصیحت نمایم اما ایشان میتوانند بر این سختی غلبه نموده و با خوانندگان دیگری همکاری نمایند چه بسا باعث معرفی خوانندگان بزرگی به جامعه موسیقی میشدند . البته من نهایت احترام را بر ایشان قائل بودم وهمیشه هم این سخن را خواهم گفت . حتی در گفت گویی که چندی پیش با ایشان داشتم این نکته را نیز به ایشان عرض کردم که : هر نوازنده ای که دست به مضراب میبرد به نوعی خواه مستقیم یا غیر مستقیم شاگرد شما هستند .

• به نظر شما آیا میتوان در آینده به ظهور جایگزینی در حد مرحوم مشکاتیان خوشبین بود ؟

اصلا ؛ محال امر است . فکرش را نمیتوان در سر پروراند . کارهایی که مشکاتیان با شجریان و بسطامی انجام داده اند تکرار نشدنی است . مشکاتیان جدای از آهنگسازی و نوازندگی اشرافیت کاملی بر شعر و ادبیات داشت که متاسفانه نمیتوان کسی را یافت که اینگونه مسلط بر شعر و نوازندگی و آهنگسازی باشد .

کسی همانند مشکاتیان هیچ گاه دیگر ظهور نخواهد کرد . . .

• به اعتقاد من ؛ ما همیشه میگوییم کسی همانند آقای مشکاتیان نخواهد آمد چون کارهایی که با شجریان و بسطامی و امثالهم انجام داده اند را کسی دیگر نمیتواند انجام دهد . میتوان اینگونه نیز بیان نمود که حتی شجریان نیز پس از جدایی با مشکاتیان دیگر هیچگاه آن شجریان سابق نبود نظر شما چیست ؟ آیا واقعا بعد از جدایی شجریان از مشکاتیان بازهم شاهد اجرای آن آثار فاخر توسط شجریان بودیم ؟

ببینید در مورد موسیقی هر فردی میتواند در حد خودش اظهار نظر نماید؛ من بعد از جدایی مشکاتیان از شجریان هیچکدام از کارهای ایشان را نپسندیدم و گوش نکردم . به نظر من شجریان میتواند در انتخاب موسیقی خود بسیار ظریف تر عمل نماید و کارهای زیباتر انجام دهد . این خود برای من تبدیل به نوعی سؤال گشته است که چرا موسیقی انتخابی شجریان طوریت که مخاطبی چون من نمیتواند با آن به خوبی ارتباط برقرار کند . ببینید شما دیگر در آثار آقای شجریان بوی موسیقی را احساس نمی کنید .



10

هزار تومان

کاسه، بشقاب و فنجان برای غذا خوری مدرسه تهیه کنید



45

هزار تومان

یک وعده غذای یک کودک را برای مدت یک سال در مدرسه تامین نمایید



65

هزار تومان

یک اجاق با سوخت سالم برای تهیه غذای کودکان بخرید



145

هزار تومان

به کودکان یک کلاس، برای مدت یک ماه غذا بدهید



250

هزار تومان

سرویس بهداشتی برای یک مدرسه فراهم کنید



500

هزار تومان

یک باغچه سبزیجات احداث کنید



999

هزار تومان

۳ نفر معلم را آموزش بدهید

www.wfp.org

تلفن: ۲۲۸۶۳۴۹۹ (۰۲۱) حساب بانکی: بانک تجارت شعبه اسکان (کد شعبه: ۰۳۳)

فکس: ۲۲۸۶۳۲۱۱ (۰۲۱) شماره حساب: ۰۱۱۵۶۹۴۴۵۶

دفتر برنامه جهانی غذا در ایران:

تلفن:

فکس:

ببینید شما الان می‌خواهید به دیدار استاد هنرمندی بروید؛ با ایشان تماس بگیرید و از ایشان وقت ملاقات می‌خواهید زمانی که ایشان به شما حتی وقت ملاقات نمیدهند که جوابی احوالشان گردید طبیعی است که ذهنیت‌ها از هنرمند بر می‌گردد. در این بین اساتید موسیقی کم مقصر نیستند؛ زمانی که جلیل شهناز برای ملاقات با من وقتی اختصاص نمی‌دهند؛ شما چطور انتظار دارید دوستان هنر بتوانند با ایشان دیدار نمایند.

به عنوان مثال اگر شما هم اکنون برای دیدار با وزیر و یا دولتمردی اقدام نمائید نهایتاً تا ۱۵ روز میتوانید این فرد را ببینید. اما اگر از همین الان برای دیدار با استاد شجریان اقدام نمائید مطمئناً ماه‌ها موفق به دیدار ایشان نخواهید شد. که این اصلاً صحیح نیست. البته افرادی در این سطح مطمئناً مشغله‌های کاری بسیاری دارند که باید این نکته را نیز در نظر داشت.

• شما در آینده کنسرتی به همراه گروه اشراق نیز خواهید داشت؟ که از اسفندماه آغاز میگردد و در چند شهر ایران نیز به اجرا خواهید پرداخت درباره این برنامه نیز توضیحی بفرمائید.

این کنسرت که از یازده نفر از نوازندگان به همراه خواننده گروه آقای مجتبی عسگری که از شاگردان استاد شجریان نیز میباشند و اخیراً نیز قرار است با آقای درخشانی کنسرتی را برگزار نمایند تشکیل گردیده است. قسمت اول برنامه در دستگاه شور و قسمت دوم در ماهور اجرا خواهد گردید. اشعار مورد نظر از زنده یاد حسین منزوی؛ حافظ و دکتر سعیدی انتخاب گردیده اند. شروع کنسرت از اسفند ماه از زنجان آغاز خواهد شد و در شهر تهران نیز برنامه خواهیم داشت در شهرهای اصفهان و شیراز و کرج نیز این کنسرت برگزار خواهد گردید. و احتمالاً این برنامه در خارج از کشور نیز اجرا خواهد گردید.

• با تشکر از شما به خاطر اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار ما قرار دادید.

• استنباط شخصی من این است که محمد رضا شجریان طی سه مرتبه در موسیقی ایرانی نزول کرده و ضربه خورده است؛ اولین بار جدایی از یار غار خود پرویز مشکاتیان بود که در موردش بحث کردیم؛ دومین ضربه ای که بر شجریان و موسیقی اش خورد جدایی از حسین علیزاده و کیهان کلهر بود و در نهایت کامل کننده این سیر نزولی تشکیل گروه جوان شهناز بود نظر شما چیست. ببینید در حال حاضر استاد شجریان فقط کار موسیقی انجام میدهند؛ به اعتقاد من زمانی که کاری تولید و عرضه میشود باید مردم پسند باشد که متأسفانه کارهای استاد شجریان اینگونه نیست. ما از شجریان بیش از اینها انتظار داریم در حال حاضر باز هم ایشان میتوانند کارهای محکم تر و بزرگتری را انجام دهند ولی متأسفانه مشاهده میکنیم که کارهای جدید ایشان نه تنها ارزش گوش کردن ندارند بلکه در برخی موارد قابل تحمل نیز نیستند.

بعضی اوقات کارهایی از اساتید موسیقی را مشاهده میکنیم که از آنان بعید است؛ به عنوان مثال فلان استاد با سازهایی چون دف و ویولون سل و سه تار کنسرت میدهد. ببینید چقدر مضحک و تمسخر آمیز است. در موسیقی ایرانی ساز بندی مطرح است.

اجرای موسیقی با سازهایی چون دف و سه تار و ویولون سال همانند یک موسیقی کم‌دیست. مابین سه تار و ویولون سل باید حد اقل چهار ساز وجود داشته باشد و پرد ها و فاصله آنها رعایت گردد. آقایان اسم این کار را هم ساختار شکنی می‌گذارند؛ ببینید باید این کارها خوشایند مردم باشد که متأسفانه نیست.

• عادت بدی که ما ایرانی‌ها داریم مرده پرستی است. پس از دست دادن بزرگان برایشان بزرگداشت میگیریم، مقاله مینویسیم و جشنواره برگزار میکنیم. پس از مرگ مشکاتیان به اندازه تمام سالیان عمرش برای وی مقاله نوشتند نظر شما در این مورد چیست؟ چرا از این عزیزان در زمان حیاتشان یاد نمی‌کنیم؟

اجرای سمفونی «هلال کاروان» به آهنگسازی سعید ذهنی با روایت واقعه عاشورا در تالار وحدت اجرا شد. می توانید گزارش تصویری اختصاصی مجله موسیقی ایرانیان را از شب اول و دوم اجرای این سمفونی مشاهده کنید.

عکاس: سعید عبداللہی







کردهای شمال خراسان که جمعیت شان به بیش از یک میلیون نفر می رسد در استانهای خراسان شمالی و رضوی پراکنده اند . از مانه و سملقان تا سرخس و از آنجا تا نیشابور و سبزوار و اسفراین .

«کردهای خراسان از ساکنان اولیه این استان بوده اند اما در سال هزار قمری تا هزار و یازده قریب به چهل هزار خانوار کرد به منظور حراست از مرزهای شرقی و ایستادگی در برابر ازبکها و ترکمنها به خراسان کوچ داده شده اند.»^۱

کردهای خراسان شاید از معدود اقوام خراسان بزرگ هستند که در خصوص رقص و موسیقی ناگفته های زیادی دارند . مجله آواشین چاپ انستیتو کردی سوئد عامل اصلی ماندگاری فرهنگ کردی در شمال خراسان را وجود عروسی های سنتی و موسیقی کردی می داند.^۲

با وجود گستردگی فرهنگ موسیقایی این منطقه نه تنها تاکنون مطالعه ای در خور روی این موسیقی که به سرعت رو به زوال است انجام نیافته است . بلکه هنوز منابع شنیداری گسترده طبقه بندی شده و قابل توجهی برای استفاده پژوهشگران و موسیقی شناسان و حتی مردم این منطقه وجود ندارد .

این در حالی است که شاید بتوان اصیل ترین ، قدیمی ترین و تواناترین استادان موسیقی این منطقه را نسل آخر از روایان موسیقی شمال خراسان دانست ، نسلی که متأسفانه به سرعت رو به انقراض است .

بخش عمده ای از ساکنان شمال خراسان را مهاجران کرد و ترک تشکیل می دهند . بخشی از موسیقی شمال خراسان ، موسیقی کوهپایه ای توام با فریاد است و در مقایسه با موسیقی جلگه ای قوی تر ، رساتر و گاه تندتر است (خصوصیاتی که منطبق با شرایط زیستی کوهپایه نشینان شمال خراسان است) . در کنار موسیقی کوهپایه ، موسیقی جلگه و دشت وجود دارد . موسیقی جلگه کوچان ، موسیقی جلگه معمولاً ملایم تر و درونی تر است . با حرکت به سوی جنوب و مرکز استان به جلگه نیشابور و سبزوار می رسیم که در حاشیه کویرند . موسیقی این منطقه از خراسان ملایم تر بوده و از نرمش بیشتری برخوردار است . از آنجاییکه کردهای شمال خراسان همواره از مرزبانان غیور ایران زمین بوده اند ، پاسداری از مرز و بوم در مقابل قومهای مهاجم ، کشتارها ، غارتها ، اسارتها و آوارگی ها از ویژگی های این گونه زندگی بوده است .

این ویژگی ها تاثیر مستقیم بر موسیقی این خطه از میهنمان گذاشته است که در ذیل به چند نمونه از آن اشاره می کنیم .

(۱) **الله مزار** : آهنگی است که پس از غارت و کشتار و اسارت بر سر مزار عزیزان از دست رفته خوانده می شده است .

الله مزاره ، وا چه روز گاره ...

(۲) **دو قرسه** : پس از قتل عام و کشتار ، کشته ها را در وسط جمع می کردند و برگرد کشته ها دور می زدند و مشغول ذکر می شدند این مراسم بعداً رقص و آهنگ «دو قرسه» نام گرفته است .

(۳) **انارکی** : مربوط به لحظات پس از هجوم بیگانگان و کشتار است که زنان دور اجساد جمع شده و تار می زدند و گریه می کردند.

(۴) **هه رای (هرای)** : این آواز فریاد کوهستان است و گویا زندگی پر حادثه و پرسوز و گداز و آوارگی مردم کرد است . بسیاری از آهنگ هایی که در شمال خراسان شمالی زمانی برای سوگ اجرا شده اند . پس از گذشت سالیان دراز ، آرام آرام تغییر ماهیت داده اند و امروزه از آنها بعنوان آهنگ رقص نیز استفاده می شود .

چگونگی زندگی کردهای شمالی خراسان باعث شده است که موسیقی و رقص این خطه دارای پشتوانه ای از رزم و سوگ باشد .

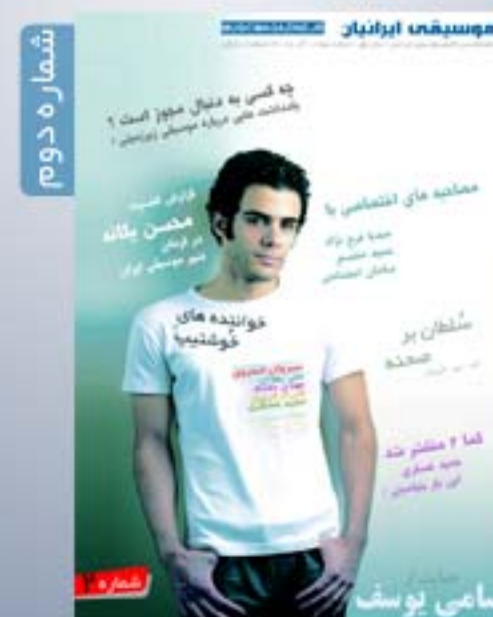
موسیقی کردی شمال خراسان را «موسیقی کرمانجی» می نامند .

کرمانجی شمالی شامل : کردهای خراسان ، آذربایجان غربی ، ترکیه ، شمال عراق و سوریه است و کرمانجی جنوبی را کردهای جنوب دریایچه ارومیه ، مهاباد ، کردستان ، کرمانشاه و سلمانیه عراق تشکیل می دهند .

جدید ترین رویدادهای موسیقی ایران و جهان
را در **مجله موسیقی ایرانیان** دنبال کنید.



 <http://www.musicmagazine.ir>



برای دسترسی به آرشیو شماره های قبلی ماهنامه به آدرس

<http://www.musicmagazine.ir/archive>

مر ارجعه کنید.

(۱) مجله کرمانج، سال اول، شماره دوم، آذرماه، ۱۳۸۰ دانشگاه فردوسی مشهد

(۲) AVASIN, korden xorasane institiya kurdi-stocholm.hej, 5. 1997

عنوان وبلاگ : گزینی بر موسیقی اصیل ایرانی

آدرس وبلاگ :

<http://mjsahafi.blogfa.com>

نویسنده وبلاگ : محمد جواد صحافی

مطالب تازنگار عمدتا مروری است بر اخبار ، مقالات و تازه های موسیقی سنتی ایرانی که از عدم توجه مسئولین و علاقه مردمان ایران زمین، در رنج است .



پایگاه خبری - تحلیلی موسیقی ۳۶۰



WWW.MUSIC360.IR

گروه موسیقی آیلین

ترانه، موسیقی، تنظیم، اجرا در استودیو و پخش

در تمام مراحل همراه شما

شماره تماس: ۰۹۳۵ ۹۵۳ ۷۸ ۶۴

آدرس پستی: aylin.team@gmail.com

جدید ترین رویدادهای موسیقی ایران و جهان
را در **مجله موسیقی ایرانیان** دنبال کنید.



 <http://www.musicmagazine.ir>

شماره سوم ماهنامه موسیقی ایرانیان

۸۰۰۰۰

دانلود شده است

آیا مایل هستید اسپانسر ما باشید ؟

info@musicmagazine.ir

مکاتبه نمایید !

اول هر ماه منتظر ما باشید !

موسیقی ایرانیان MUSICMAGAZINE.IR

ماهنامه موسیقی ایرانیان اول هر ماه به صورت رایگان منتشر می شود

حمید متبسم

حمید متبسم آهنگساز و نوازنده معاصر تار و سه تار و بنیان گذار گروه دستان است. وی که در هلند اقامت دارد از نوازندگان و آهنگ سازان حال حاضر کشور می باشد که به همراه گروه دستان در طرح ریزی و اجرای موسیقی سازی همگام با موسیقی آوازی نقشی به سزا داشته است.

زندگی نامه

حمید متبسم زاده ۲۴ مرداد سال ۱۳۳۷ شمسی، ۱۵ آگوست ۱۹۵۸ میلادی در شهر مشهد می باشد. وی در دوران کودکی آموزش تار را نزد پدرش علی متبسم آغاز کرد و سپس از اساتید بزرگ زمان خویش نظیر حبیب الله صالحی، زید الله طلوعی، هوشنگ ظریف، محمدرضا لطفی و حسین علیزاده بهره جست. وی به طور مداوم با کانون چاووش و گروه عارف همکاری داشت و پس از مهاجرت به آلمان گروه موسیقی دستان و چکاوک را به همراه دیگر هنرمندان راه اندازی کرد. از دیگر فعالیت های وی تأسیس انجمن تار و سه تار، برگزاری سمینارهای موسیقی سالانه و تشکیل گروه مضراب (از هنرجویان) و پردیس (ارکستر بین الملل) است.

آثار منتشر شده

- به نام گل سرخ، به همراهی گروه دستان
- نوازندگان مهمان: سید هارت کیشنا، رضا آبائی و پویا سرائی و به خوانندگی سالار عقیلی
- قیژک کولی، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی همایون شجریان
- ماه عروس، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی صدیق تعریف
- لولیان، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی شهرام ناظری
- گل بهشت، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی پریسا
- شوریده، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی پریسا، برنده عنوان شوک موسیقی از سوی مجله لوموند و برنده جایزه بهترین موسیقی سال ۲۰۰۳ از وزارت فرهنگ فرانسه.
- حنایی، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی سیما بینا
- ضرب تار، دو نوازی تار و تمبک همراه با بهنام سامانی
- سه نوازی، همراه با حسین بهروزی نیا و پژمان حدادی
- ساز نو، آواز نو، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی شهرام ناظری
- سفر به دیگر سو، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی شهرام ناظری
- نوای دریا تکنوازی سه تار
- بوی نورو، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی ایرج بسطامی
- بامداد، به همراهی گروه دستان و به خوانندگی بیژن کامکار
- آهنگسازی برای گروه سازهای ملی



((قسمت دوم))

نگاهی به موسیقی راک در ایران

● آریا کرنافی

در شماره قبلی خواندیم که راک، گونه ای موسیقی عامه پسند که در دهه های ۵۰ و ۶۰ میلادی در امریکا با نام راک اند رول شکل گرفت و از نظر تأثیرات اجتماعی و گسترده شنوندگانش در بین انواع موسیقی بی همتا است. نام راک کوتاه شده عبارت راک اند رول است و از فعل **to rock** در زبان انگلیسی به معنای جنباندن و تکان خوردن می آید. از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی نام راک اند رول صرفاً به موسیقی دهه ۵۰ و ۶۰ اطلاق شده ولی نام راک همچنان به عنوان نام فراگیر این گونه (که شامل راک اند رول هم می شود) به کار می رود. این موسیقی در بلوز ریشه دارد. همچنین خواندیم بلوز گونه موسیقی سازی و آوازی است که ریشه در آوازهای مذهبی و آوازهای کار و فریادها و همخوانی های سیاهان آمریکا دارد و اصل آن به فرهنگ و موسیقی غرب آفریقا می رسد. علت اینکه این سبک به بلوز معروف شد این بود که پیشگامان این سبک (برده های سیاه) با غم این موسیقی را اجرا می کردند و **Blue** در زبان انگلیسی به معنای غم نیز می باشد. شهر ممفیس زادگاه موسیقی سبک "بلوز" است.

و راک ایرانی و راک فارسی را این چنین شناختیم که گونه ای از موسیقی راک است که در کشور ایران رواج دارد. این نوع موسیقی تلفیقی از راک کلاسیک با موسیقی سنتی ایران است و زیرشاخه ای از آلترناتیو راک (راک تلفیقی) به شمار میرود. موسیقی راک در ایران، از اواخر دهه چهل خورشیدی و با ظهور خوانندگانی مانند: کوروش یغمایی، فرهاد مهراد و فریدون فروغی رواج پیدا کرد و به سرعت در میان جامعه هنر ایران جا باز کرد. امروزه موسیقی راک و هوی متال در ایران با وجود غیرمجاز بودن، پیشرفت و گسترش چشمگیری در میان ایرانیان داشته و به شکلی حرفه ای تر از گذشته روی آن کار میشود و خوانندگان و گروه های ایرانی زیادی در این زمینه فعالیت میکنند.

در نوشتاری که در شماره قبلی منتشر شد همچنین ذکر شد که این مقاله یک پرونده برای گروه های موسیقی راک ایرانی و تعریف و تمجید از آنها نیست. بلکه نوشتاری است جهت معرفی هرچه بهتر کسانی که به نوعی برای این موسیقی زحمت کشیدند. ما از نام اوهام با آسودگی خاطر گذشتیم زیرا بارها و بارها دیگران از او بابت اینکه جزو نخستین گروه های راک فارسی پس از انقلاب بوده است تشکر کرده اند. به معرفی کارهای پویا محمودی، کیوسک، فرشید اعرابی، فرزاد گلپایگانی، کهت میان، حک، صفیر عرش و عبدی بهروانفر پرداختیم و خلاصه ای از فعالیت هایشان را برایتان بازگو کردیم.

همانطور که در بالا نیز ذکر شد، راک ایرانی شاخه ای از موسیقی تلفیقی می باشد. پس بد نیست سری به فعالیت های تعدادی از موزیسین های تلفیقی کشورمان که نقش به سزایی در شکل گیری راک نیز داشتند بزنیم. اینبار قصد داریم سخن از کسی به میان آوریم که نامش را همه بارها و بارها شنیده اید. رامین بهنا به عنوان یکی از پیشگامان موسیقی تلفیقی در ایران شناخته می شود. او بود که در سال ۱۳۷۵ گروه آویژه را با همکاری پدرم درخشانی تاسیس کرد. این گروه علاوه بر توجه به موسیقی تلفیقی، به موسیقی راک نیز توجه خاصی داشت. از بهنا آهنگسازی بیش از ۴۰ عنوان فیلم سینمایی و تلویزیونی و... موجود است.

همچنین باید از پدرم درخشانی نیز به خاطر فعالیت هایش تشکر کرد. او علاوه بر گروه آویژه، گروه رومی را نیز راه اندازی کرد. و تعدادی آلبوم تلفیقی با کمک افراد مختلفی چون بابک ریاحی پور، رامین بهنا، سعید شنبه زاده، سینا سرلک، حامد نیک پی و... منتشر کرد.

حال که صحبت از موسیقی تلفیقی شد بد نیست نامی از محسن نامجو نیز بیاوریم. مشخصه ی آثار نامجو «تلفیق» است. تلفیق سبک های مختلف موسیقی ایرانی و خارجی و تلفیق اشعار کلاسیک با شعرهایی که خود می سراید. در موسیقی های او گوشه هایی از سبک های راک، سنتی، بلوز، جاز و محلی به گوش می رسد. از شعرهای مولوی، حافظ و جامی گرفته تا شاملو و برهنی در آثار او به گوش می رسد که گاهی عباراتی کوچه بازاری در میان ابیات آنها اضافه شده است.



مبحث موسیقی تلفیقی را بیش از این ادامه نمی دهیم و به بحث اصلی باز می گردیم. فرزاد رحیمی، بابک آخوندی و دارا دارایی که هسته اصلی این گروه را تشکیل می دادند، پیش از شکل گیری میرا در گروه دیگری به نام «آور» در کنار هم بودند؛ یکی از نخستین گروه های پاپ - راکی که فعالیت خود را در کشور آغاز کرد. گروه میرا پس از پیوستن رضا مقدس نوازنده ی کیبورد و کسری ابراهیمی، نوازنده ی درامز به و برگزاری دو کنسرت نخستین آلبوم خود را عرضه کرد.

بعد از انتشار آلبوم اول گروه، سه نفر از اعضای میرا - بابک آخوندی، رضا مقدس و کسرا ابراهیمی به دلیل مهاجرت به آلمان و کانادا، به فعالیتشان با گروه پایان دادند و نوازنده هایی جدیدی - آگاه بهاری نوازنده ی گیتار الکترونیک، آرش مقدم نوازنده ی درامز و پویا محمودی نوازنده ی گیتار الکترونیک و گیتار آکوستیک - به گروه پیوستند.

با مهاجرت فرزاد - خواننده و گرداننده ی گروه - به آمریکا فعالیت های میرا قطع شد. به گفته اعضای میرا، به دلیل تفاوت هایی که در سلایق آنها نسبت به انواع سبک های موسیقی وجود دارد و شیوه ای که برای کار انتخاب کرده اند، خود را به هیچ سبک خاصی محدود نمی کنند. اما موسیقی آلترناتیو فارسی دغدغه اصلی این گروه است.

گروه میرا آلبوم خود را به عنوان اولین اثر آلترناتیوراک در ایران معرفی می کنند اما عده ای معتقدند آثار گروه میرا به سمت پاپ راک متمایل است تا در جذب مخاطب نیز موفق عمل کند. اولین آلبوم میرا پس از دوندگی های بسیار برای کسب مجوز در ایران منتشر شد.

یکی از متفاوت ترین آثار راک ایرانی که تا به حال منتشر شده است، آلبوم "من و دوست غولم" از فرشاد فزونی است. فرشاد خود از سبک اش به عنوان آلترناتیو راک نام می برد و تنبک، کی برد و گیتار می نوازد. از جمله کارهای جالب فرشاد فزونی آهنگ سازی برای شعرهای ساده و طنزگونه ی شل سلوراستاین است. او پس از انتشار این آلبوم که این روزها دیگر نمی توان به راحتی آن را پیدا کرد، مانند بسیاری دیگر از موزیسین های راک ایرانی سکوت اختیار کرد.

وقتی نام راک فارسی وسط کشیده می شود، خاک نام یکی از گروه هایی است که هیچگاه نمی توان فراموشش کرد. گروه خاک سبک خود را پاپ - راک معرفی می کند و هدف خود را درهم آمیختن موسیقی شرقی و غربی - به منظور ارتقای موسیقی ایرانی - و تبدیل خاک به گروهی جهانی بیان می کند. در وب سایت خاک آمده است: خاک یک شخص یا شی نیست. خاک یک جنبش است! شهریار خاتم (خواننده و گیتار)، افشین طهماسبی (کی بُرد و گیتار) و خدایار بهمنی (درامز). این سه با یکدیگر آشنا بودند و پیش از این نیز در چند گروه دیگر با یکدیگر همکاری داشتند. با پیوستن کنستانتینو کستیسین - یک یونانی الاصل مقیم آلمان - به گروه در سال ۱۹۹۸، گروه شکل نهایی خود را پیدا کرد. دو آلبوم رسمی "عاشقم باش" و "خاک" حاصل تلاش های این گروه ایرانی است. در آلبوم دوم این گروه قطعاتی به زبان آلمانی و انگلیسی وجود دارد.

طبق روال گذشته بد نیست که از موسیقیدانان سبک متال نیز یاد کنیم. تارانتیست از جمله معروف ترین گروه های سبک متال ایرانی است. اعضای گروه اعتقاد دارند به علت ساختار هجایی زبان فارسی، ترکیب کلام فارسی با موسیقی راک و متال خوب از کار در نمی آید و ترجیح می دهند تنها در جایی که ترکیب زبان فارسی این موسیقی از زیبایی زبان فارسی چیزی کم نمی کند فارسی بخوانند. از طرف دیگر، به خاطر جنبه ی بین المللی زبان انگلیسی تارانتیست خواندن به این زبان را ترجیح می دهد. و در مورد فرزاد آجری موسیقی پرداز ایرانی نیز بدانید که او متولد چهاردهم آذر ماه سال ۱۳۶۱ می باشد. یادگیری موسیقی را از دوران نوجوانی نزد استاد "فرهنگ مشتاق" در تهران آغاز نمود و چند سالی از تجربیات ایشان استفاده نمود. پس از جدایی از استادش به تنهایی و با جدیت شروع به تمرین کرد و به مهارتهایی در نوازندگی دست یافت. سپس شروع به بازنوازی آثار برخی بزرگان راک و متال کرد و در عین حال شروع به نوشتن کارهای خود نمود و چندین آلبوم بدون کلام گردآوری کرد که بیشتر بر روی بداهه نوازی استوار بودند. آثار فرزاد در سبکهای مختلف و متفاوتی می باشد که بیشتر شامل: راک مدرن / اسپیس راک / هوی متال و پراگرسو متال است. کمی که جلوتر میاییم به نام هایی بر می خوریم که جبر زمانه کمتر بر آنها تاثیر گذاشته است. پیشرفت فناوری موجب شده تا این دسته از گروه ها و خوانندگان جای بیشتری برای معرفی خود به مردم داشته باشند.

یکی از پرتعدادترین و محبوب ترین گروه های راک ایرانی در چند سال اخیر گروه MINUS1 یا (-1) است. این گروه که توسط مسعود فیاض زاده، تنظیم کننده آلبوم های معروف و پرتعدادی همچون محسن نامجو (جبر جغرافیایی)، هادی پاکزاد و... بنیان گذاشته شده است. اعضای این گروه عبارتند از مسعود فیاض زاده (گیتار الکتریک، گیتار جاز)، سعید فیاض زاده (گیتار باس)، حامد مبارز (خواننده)، علی باغفر (درامز)، سیامک بغدادی (خواننده)، گیتار الکتریک)، سعید توانایی و دانیال بهشتی (شاعر).

گروه ۱۲۷ در سال ۱۳۸۰ توسط تعدادی از دانشجویان هنر در شهر تهران تشکیل شد. موسیقی گروه ریشه در ملودی های ایرانی و همچنین سبک جاز دارد، شعرهایشان از ناامیدی ها و شادی های زندگی می گوید، و در عین اینکه از فرهنگ و وضعیت خودشان صحبت می کنند، توأمان تنهایی، امید و ناامیدی موجود در جهان را منعکس می کنند. این گروه شش نفره که سازهای مورد استفاده شان گیتار، پیانو، ترومبون، گیتار بیس و درام می باشد، اولین گروه راک ایرانی است که در آمریکا اجرای زنده داشته. این گروه آهنگ های خود را به جز آمریکا در اروپا نیز اجرا کرده است. ۱۲۷ در کشور ایتالیا در توری به همراه گروه موتورهد شرکت داشته است.

در اینجا لازم است از فرهاد فقیه نیا نیز صحبت کنیم. او هرچند در زمینه موسیقی راک به آن شدت فعال نیست اما از نوازندگان چیره دست گیتار کلاسیک محسوب می شود. فرهاد فقیه نیا در ۲۶ دی ماه ۱۳۵۸ در خانواده ای هنر دوست در شهر تهران متولد شد.

او از خردسالی به کمک خانواده اش با دنیای اسرار آمیز هنر آشنا شد. عشق و علاقه ی او باعث شد که طی دوره های مختلف در زمینه موسیقی برای فراگیری بهتر در سال ۱۳۸۰ به اسپانیا سفر کند. او پس از بازگشت به ایران به تولید موسیقی و تدریس آن پرداخت. در سال ۱۳۸۲ از کنسرواتور پراگ پذیرش می گیرد ولی به علت تحقیقات شخصی خود در زمینه موسیقی فولکلور و محلی ایرانی به اقصا نقاط ایران سفر می کند. در سال ۱۳۸۳ موفق شد اولین آلبوم موسیقی خود را به نام "کاغذی های سفید خط خطی های سیاه" منتشر کند. همچنین فرهاد در زمینه نقاشی و عکاسی و حتی نویسندگی نیز فعالیت هایی انجام داده است. او تمامی شاخه های هنری را چون زنجیری به هم متصل می داند. به اعتقاد وی یک هنرمند بای در زمینه های مختلف هنری مهارت لازم را کسب کند تا بتواند نقشی بیافریند.

بنا به گفته فقیه نیا دنیای اسرار آمیز هنر تنها در طبیعت انسان است که تعریف می شود و طبیعت انسان در طبیعت بزرگتری که در هیچ قالبی نمی گنجد شروع به رشد می کند و خلق یک اثر هنری زمانی شکل می گیرد که لحظه ای دنیای درونی انسان بر دنیای بیرونی اش غلبه می کند تا که اندیشه اش در جنونی از احساسات شناور شده و چون حبایی که در یک لحظه متولد می شود و می میرد در امواجی از نا باوری ها هایش به اوج باورهای درونی خود می رسد. حال برای به تصویر کشاندن یا به صورت در آوردن آن باورها نیاز به خلاقیتی دارد، چون قایقی که با جسارت تمام بتواند به وسیله ی آن باورهایش را از دریاها ی طوفانی درونش به ساحل منطق وار بیرونش هدایت کند. قوه خلاقیت یک هنرمند باید قدرت آن را داشته باشد که تخیلات شخصی خود را در ذهنیت دیگری به صورت یک واقعیت در بیاورد و افکاری را تحت تاثیر احساسات خود برای لحظه ای متمرکز نماید. فرهاد فقیه نیا در این آلبوم صدایش را همسفر پنجه های پرتوانش برروی گیتار می کند تا که به شهری پر از قصه سفر کند...

آلبوم دوم فرهاد فقیه نیا "حباب" نام دارد که به تهیه کنندگی و هزینه شخصی خودش ۳ سال پیش تهیه شده است. فقیه نیا نوازنده گیتار کلاسیک است و شاید یکی از بهترین نوازندگان گیتار کلاسیک در ایران باشد. آلبوم حباب در استادیو کوچ کرج ضبط شده است و کلیه کارهای آن را به جز صدا برداری که برعهده بهنام معیریان بوده است خودش انجام داده است.

هادی پاکزاد از اولین خواننده های سبک راک و آلترناتیو در ایران می باشد. قبل از این که با موسیقی درگیر شود به اشعار کلاسیک و نوشته های فلسفی علاقه داشت. در سال ۲۰۰۰ بعد از کسب تجربه ی یادگیری پیانو و گیتار، در یک استودیوی خانگی و با کمک موسیقیدان های محلی شروع به تولید اولین آلبومش می کند. تمام اشعار آهنگ های این آلبوم توسط خودش سروده شده است. پس از این که با حمایت طرفدارهایش مواجه می شود، آلبوم دومش را با تیمی حرفه ای و در استودیو ای در تهران ضبط می کند.

در سال ۲۰۰۵ دو کنسرت رسمی و بزرگ در مشهد برگزار می‌کند. در همین سال آلبوم دوم خودش رو به نام «زندگی زیر زمین» بیرون می‌دهد. همچنین در همین ایام، ویدئو کلیپ «در یاد» از شبکه های مختلف ماهواره ای پخش می‌شود.

آلبوم زندگی زیر زمین یک آلبوم «NonStop» محسوب شده و یک اصطلاح موسیقی است؛ و به این معناست که تمام اشعار به هم مربوط بوده و مجموعاً با هم، یک داستان را روایت می‌کنند. و این داستان، داستان زندگی انسان است. اولین ترک با برداشت موجودی که از سیاره ای دیگر به زمین آمده شروع می‌شود و در ترک پنجم به مرگ می‌رسد. مرگ فردی که روح از کالبدش جدا شده و شروع به درک دنیای جدید می‌کند، ضمن این که در همان لحظه ای که می‌میرد، می‌بیند چند نفر برایش در حال گریه و زاریند. ترک ششم، ترک اصلی آلبوم و هم نام با خود آلبوم است. ترک هفتم دنیا را به یک زندان شیشه ای تشبیه می‌کند و ترک هشتم هم اکستازی نام دارد. البته نه از نوع قرصش!! بلکه به معنی خلسه!

آلبوم سوم و در واقع آلبوم آخر هادی پاکزاد هم در آخرین ماه سال ۲۰۰۷ منتشر شد؛ که اسم این آلبوم «دکتر» هست و خودش در مورد این آلبوم می‌گوید: «موضوع ترانه های آلبوم «دکتر» را یک سالی هست که از ذهنم می‌گذروم. اگر فرض کنیم همه ما اوقاتی از زندگیمون رو با بالغ درون و اوقاتی رو با کودک درون نقش بازی می‌کنیم، بالغ ما همون دکتر این داستان و کودک درونمون همون بیمار این قصه است. ترک های مختلف آلبوم هر یک از زبان یکی از این دو شخصیت درونی ما بوده و مجموع آلبوم نیز گفتمان بین این دکتر و بیمار است. سبک آلبوم «دکتر» کاملاً Alternative است».

«تمام سازهای این مجموعه ی زنده و صدابرداری آنها به عهده داریوش دانش نیا بوده که در استودیو شخصی خودم (هادی پاکزاد) ضبط و میکس شده است. تنظیم کننده قطعات مسعود فیاض زاده بوده که البته او همیشه نقشی بیشتر از عنوانی که در آثار من داشته ایفا کرده است. علی باغ فر نوازنده ی درام آلبوم بود».

رضا یزدانی حدود ۱۵ سال است که موسیقی کار می‌کند اما موسیقی حرفه ای را حدود نه سال است که شروع کرده است. وی فعالیت هنری اش را بصورت رسمی و برای اولین بار با آهنگسازی برای "دادگاه جنجال برانگیز" و "اگر باران بخواهد" از ساخته های آرش آبسالان در جشنواره های سال های ۷۷ و ۷۸ آغاز کرد. ساز تخصصی رضا، گیتار الکتریک می‌باشد.

رضا یزدانی پیش از اشتغال به حرفه موسیقی، بازیگر تئاتر بود، اما زمانی که در موسیقی موفقیت هایی پیدا کرد تئاتر را کنار گذاشت و بیشتر وقت خود را بر روی کار حرفه ای بر روی موسیقی گذاشت. وی اکنون علاوه بر انجام کارهای موسیقایی، به تدریس گیتار نیز اشتغال دارد.

رضا یزدانی به عنوان خواننده و بازیگر در فیلم های حکم و رییس مسعود کیمیایی نقش ایفا کرد و همین امر موجب پرفروش شدن آلبوم های او و همچنین پیدا کردن طرفداران زیاد و محبوبیت بسیار زیاد او شد. رضا یزدانی عاشق موسیقی راک و متال است و اکثر کارهایش نیز به همین سبک اجرا شده اند.

اولین آلبوم رضا یزدانی با نام "شهردل" از طریق کمپانی ایران صدا پخش شد. رضا و گروهش معتقدند این آلبوم به دلیل وضع بد موسیقی در آن سال ها قربانی شد. اشعار آلبوم شهر دل از حضرت مولانا جلال الدین محمد بلخی (رومی) می‌باشد. این آلبوم به سبک پاپ - راک می‌باشد و شاید تمایل به موسیقی پاپ در این آلبوم به دلیل وضعیت بد مجوز برای آلبوم های راک در آن سال ها بود.

آلبوم دوم رضا یزدانی با نام پرند بی پرند در سال ۱۳۸۲ وارد بازار شد. در این آلبوم یزدانی برخلاف آلبوم قبلی که از اشعار کلاسیک استفاده شده بود، از اشعار یغما گلرویی استفاده کرد. این امر باعث تحول عظیمی در موسیقی رضا شد. با آنکه آلبوم پرند بی پرند در آن سال ها به نظر بعضی ها! ضعیف ترین آلبوم سال شناخته شد اما ذره ای از محبوبیت رضا در بین طرفدارانش کم نشد.

ترانه لاله زار که بعدها نسخه اصلاح شده آن در فیلم حکم مسعود کیمیایی مورد استفاده قرار گرفت در آلبوم پرند بی پرند قرار دارد. آلبوم پرند بی پرند از کمپانی نام آشنای داریوش به بازار موسیقی عرضه شد.

تا آن زمان طرفداران رضا یزدانی به عده خاصی محدود می‌شدند. آخرین تیری که موجب به مشهور شدن یزدانی شد، آلبوم هیس بود. این آلبوم ابتدا قرار بود با نام والیوم ۱۰ وارد بازار شود اما به دلیل اینکه قطعه مربوطه مجوز نگرفت نام آن به هیس تغییر پیدا کرد. آلبوم هیس نسبت به آلبوم های قبلی رضا قدرتمند تر بود و اینبار رضا یزدانی بسیار مطرح شد. این آلبوم نیز از شرکت داریوش منتشر شده است.

گروه آتشباد در سال ۷۴ در دبیرستانی در کرج به سرپرستی رضا خلیلی تاسیس شد. این گروه فعالیت های خود را در آن زمان با نام گروه آوای مردمی (public voice) آغاز نمود و این اسم تا ۱۰ سال با گروه همراه بود. از سال ۷۷ فعالیت های گروه در زمینه اجرای کنسرت متمرکز شد و تا سال ۸۲ گروه در شهرهای مختلف به اجرای کنسرت پرداخت. بزرگترین کنسرت این گروه مربوط به سال ۸۱ است. کنسرتی در باشگاه انقلاب کرج با جمعیتی حدود ۷۰۰۰ نفر اما این اجرا به دلیل مسمومیت رضا خلیلی بهمن خلیلی و پوریا پورناظری دقایقی قبل از اجرا کنسل شد و کنسرتی که در ۸ ماه گروه برای آن زحمت کشیده بود برهم خورد. تا آن زمان اعضاء اصلی گروه: رضا خلیلی، سیاوش فلاحتی، علی خلج، بهمن خلیلی و پوریا پور ناظری بودند.

در پایان قصد دارم قسمت دوم این مقاله را با آوردن نام یک گروه غیر معروف پرانا ۷ به پایان برسانم. در دیماه سال ۱۳۸۶ گروه بانکر توسط آدریژان و بهزاد بیسادی و به پیشنهاد داریوش تقی پور فعالیت حرفه ای خود را رسماً آغاز نمود. در مدت کوتاهی طرح های اولیه چند اهنگ ساخته شد. پس از چندی گروه در صدد جذب نوازنده درامز و گیتار باس بر آمد که بالاخره پس از تست های بسیار از نوازندگان مختلف رضا بنائی نیا و ایدین نیکو مرام تغییر داد.



مَنْ بَا دِیدَنِ این ویدئو کلیپ ها دُچار سَر گِیجِه می شوم!

● محمد جلوانی

موسیقی صداست و موسیقی بیان احساس خویشتن که زبان آن نت ها هستند . ما با شنیدن به بلندای احساس پرواز می کنیم و تا بی نهایت می رویم . حال این آوا اگر با تصویر آمیخته شود بی گمان تاثیری ژرف بر انتقال این حس دارد . تصویر و ویدئو کلیپ یه خوبی می تواند پس زمینه ذهنی خالق اثر و آهنگ را نمایان کند و بسا ویدئو کلیپ می تواند حتی نجاتی بر موسیقی ناتوان باشد . ویدئو کلیپ تاثیر بسیار زیادی روی موسیقی خواهد داشت و با استفاده از عناصر بصری می توان تاثیر موسیقی را دو چندان و بلکه صد چندان نمود . امروزه و در دنیای سرعت و تکنولوژی و نت و میزان و ریتم و گام و آهنگ پس از به دنیا آمدن هر اثر و هر آلبوم به همراه آن ویدئو کلیپ آن هم ارائه می شود و می توان گفت ویدئو کلیپ جزء یک آلبوم موسیقی است.

صحبت بر سر همین ویدئو کلیپ هاست و در این مجال فقط و تنها فقط از ویدئو کلیپ های داخلی صحبت می کنم و وارد ویدئو کلیپ های لس آنجلسی و خط قرمز ها نخواهم شد که به راستی اکثر آنها چیزی برای دفاع ندارند . هر زمان و هر لحظه ویدئو کلیپ های وطنی را از راه های گوناگون می بینم و مدتی است من دقیق تر آنها را نگاه می کنم و هر چه فنی تر به آنها می پردازم بیشتر تاسف می خورم . ویدئو کلیپ های ما هر روز بدتر از دیروز است . ابتدا که اغلب آثار و آهنگ ها در همان لحظه موسیقی و آهنگ از نظر ترانه ، آهنگسازی ، تنظیم و اجرا چیز قابل ملاحظه ای نیستند و پر واضح است که ویدئو کلیپ آن به مراتب بدتر ! . داستان ویدئو کلیپ ها تکراری و همه در یک سبک و غم انگیز که مبتذل هستند . در ویدئو کلیپ های داخلی که حتما هم باید خانمی در آن حضور داشته باشد ، این خانم فقط رسماً در ویدئو کلیپ نمی رقصد . یا در پس زمینه و در تاریکی مشغول حرکات موزون است و یا کنترل شده می رقصد . در هر صورت چیزی که من می بینم با رقص زیاد تفاوتی ندارد . باز هم به ویدئو کلیپ های لس آنجلسی که ادعایی ندارند و تکلیف ما با آنها روشن است . هر چند آنجا ابتذال از خط قرمز ویژه در نسل جدید خوانندگان گذشته است . از بحث ویدئو کلیپ های داخلی خارج نشوم .

سوژه ها همه تکراری هستند و اگر دقت کنید اغلب دوربین ثابت است و یک سری نوازنده جلوی دوربین نوازندگی می کنند و کسی می خواند یک چیزی شبیه اجرای زنده یک اثر در جشن یا مهمانی خانوادگی . این شده همه ویدئو کلیپ های ما ! .

اداره ارشاد بر این آثار که آلبوم شده اند یا قرار است آلبوم شوند نظارت یا دست کم حساسیت دارد و بی گمان بسیاری از این آثار مورد تایید وزارت ارشاد نیستند اما به راحتی هر روز دارند پخش می شوند و البته گاهی هم انتشار یک آلبوم و یا تهیه کننده و خواننده آنرا دچار مشکلاتی کرده است . بخش آزار دهنده آن هم این است که هیچ رنگ و بوی ایرانی در این ویدئو کلیپ ها نیست و ما متأسفانه در یک فرهنگ غلط در حال غرق شدن هستیم . البته من نمی گویم فرهنگ غلط غربی زیرا بسیاری از ویدئو کلیپ های موسیقی دنیای بیرون بر اساس همان فرهنگ آثاری ماندگار و قابل تامل هستند . ویدئو کلیپ های ما تبدیل شده به من بدو و تو بدو . تبدیل شده به پسر بدو و دختره بدو . گاهی داستان اثر کاملاً دور از آهنگ است و اصلاً ارتباط این دو را نمی توان درک کرد . جالب ماجرا اینجاست که وقتی خالق اثر با محدودیت هایی در خلق اثر مواجه می شوند آن طرف آب های نیلگون خلیج همیشگی فارس جایی امن برای تولید هر اثر با عبور از هر خط قرمزی است و هر کاری که در داخل قابل تولید نبود در دبی قابل تولید است . حتی ما در ساخت این آثار هم به کپی ناشیانه می پردازیم . البته در این هیاهو برخی ویدئو کلیپ ها خوب هستند ولی آنقدر اندک هستند که می توان از آنها صرف نظر کرد .



ویدئو کلیپ بخشی از یک اثر موسیقی است و متأسفانه چون موسیقی ما حامی دولتی و غیر دولتی آنچنانی ندارد و همچنین به دلایل قوانین و دستورات داخلی با محدودیت های زیادی در ساخت کلیپ مواجه هستیم و یا بهتر عنوان کنم اجازه ساخت ویدئو کلیپ را نداریم ، انتظار زیادی هم از این تولیدات نمی توان داشت . رسانه و ویژه صدا و سیما که می تواند و باید منبع تولید و پخش کلیپ باشد از آنطرف پشت بام افتاده است و حتی تصویر ساز را هم پخش نمی کند! . البته ما در قوانین داخلی در همه موارد دچار یک خود درگیری قانونی هستیم و در موسیقی بیشتر .

شاید جای رشته تخصصی ساخت ویدئو کلیپ در ساختار آموزشی و حتی آموزش عالی خالی باشد . کلیپ های ساخته شده به دلیل نبود استاندارد و اصول و عدم آموزش ساخت کلیپ بیشتر جنبه تجربه اندوزی دارند . یکی دیگر از مشکلات در ویدئو کلیپ های ما نداشتن لوکیشن مناسب و مخصوص برای ساخت کلیپ است. البته همانطور که گفته شد موسیقی حامی مالی ندارد و انتشار یک آلبوم موسیقی با هزینه ها و سختی های زیادی برای خواننده و تهیه کننده دارد و پس از خلق اثر هم پدیده شوم انتشار غیر مجاز و کپی کردن اثر با نازل ترین قیمت ! همین امر موجب شده بودجه ای برای ساخت ویدئو کلیپ یا باقی نماند یا اندک باشد . در چنین فضایی که ساخت کلیپ در اولویت بالایی باید قرار داشته باشد به آخرین اولویت تبدیل می شود .

در ویدئو کلیپ ها نخست که من نه ترانه را می فهمم و نه اینکه نمی دانم چه ضرورتی دارد چنین اثری تولید شود و بیشتر آنها را توهین به شعور مخاطب می دانم و وقتی روی چنین خشت کجی ویدئو کلیپی ساخته می شود دیگر چه انتظاری می توان داشت؟! .

یکی دیگر از ضعف های ویدئو کلیپ ها در اجرای آنهاست و گاهی گریم خواننده اثر بیشتر به آرایش شبیه است تا گریم گاهی بیشتر خواننده اثر شبیه خانمه‌هاست تا آقایان . اگر کمی دقت کنید بدون تعصب و موضع گیری نمونه های این گریم ها را به راحتی خواهید یافت . ویدئو کلیپ های ما به راحتی بسیاری از خط قرمز ها را عبور کرده اند و هر روز به ابتذال نزدیک تر می شوند . لازم به ذکر است من با هر تصویر زیبا از ایران و ایرانی موافقم و باعث افتخار من است که نسل آریایی با تصویر زیبا و چهره زیبا و لباس برازنده به دنیا شناخته شوند و نسل ایران زمین نسل آراسته و پیراسته باشند . این نقد حاصل هیچ تعصب و نگاه بن بست گونه و کهنه پرستانه نیست و مدافع هیچ گروه یا جریان نیست و از طرفی مخاف هیچ نوآوری و جریانی هم نیست . بر آن هستم که در همه امور تفکر را جای تعصب کنم . اما به راستی آیا ویدئو کلیپ های ما جایی برای دفاع دارند ؟ آیا نشانی از ایرانی و آریایی دارند ؟ آیا ظاهر خواننده و گریم آن را می توان تحمل کرد ؟ من که با دیدن این ویدئو کلیپ ها دچار سر گیجه می شوم ...

گفت و کوی اختصاصی با ساسان سلیم نژاد و فرشاد چنگیزی

روای صورتی اولین مجموعه هنری ساسان سلیم نژاد است. فرشاد چنگیزی آهنگساز این مجموعه می باشد. علاوه بر نوازندگان حرفه ای که در این آلبوم حضور دارند، بابک صفر نژاد نوازنده حرفه ای ساز دهنی نیز در این آلبوم حضور دارد. با وجود اینکه "روای صورتی" در بازار داغ موسیقی ایرانی منتشر شد. توانست خود را نشان دهد و در بین ستارگان این روزهای موسیقی پاپ بدرخشد. هر چند کاری دشوار بود ولی از عهده آن بر آمد و این نشانه ی قوی بودن آلبوم است. در همین مدت کوتاه این آلبوم فروش بسیاری کرده است. به همین سبب سراغ ساسان سلیم نژاد رفتیم و در همین حین با فرشاد چنگیزی آهنگساز این اثر نیز کمی زدیم.



• چرا موسیقی را انتخاب کردید؟

ساسان: من از کودکی از طرف خانواده به موسیقی تشویق می شدم و پدرم مشوق من بود. کم کم نوازندگی سازهای مختلف را فراگرفتم، تخصصی ترین آن گیتار بود. بعد از طریق یکی از دوستان با آقای چنگیزی آشنا شدم و تصمیم گرفتم آلبوم عرضه کنم.

• قبل از این آلبوم هم فعالیت حرفه ای داشتید؟

ساسان: مدتی نوازنده ی گیتار الکتریک و لیدر یک گروه راک بودم.

• چرا موسیقی راک را ادامه ندادید؟

ساسان: به موسیقی پاپ خیلی علاقه داشتم. از طرفی موسیقی راک در ایران ساپورت نمی شود، چه از نظر طرفداران و تشویق اطرافیان و چه از نظر مالی. به همین دلیل سبک پاپ را ادامه دادم، معمولا اجراهای خودم را با گیتار انجام می دادم. با تشویق های پدرم، قدم در راه حرفه ای برداشتم.

• کار آلبوم رویای صورتی را از چه زمانی آغاز کردید؟

ساسان: آلبوم رویای صورتی 3 سال پیش استارت خورد. به خاطر اینکه می خواستم اولین قدم حرفه ای باشد، روند کار کمی آرام بود. آقای چنگیزی و من حساسیت زیادی داشتیم که آلبوم بدون نقص عرضه شود. به همین خاطر از ابتدای کار تا عرضه شدن، یک سال فعالیت حرفه ای داشتیم و ۱۱ ماه هم درگیر اخذ مجوز ارشاد بودیم.

فرشاد: قرار بود که این آلبوم نیمه شعبان عرضه شود ولی به دلیل مشکلاتی عرضه به تعویق افتاد.

• برای جمع کردن آلبوم مسیر فکری خاصی مدنظرتان بود؟ هدفی را دنبال می کردید؟

ساسان: آلبوم در واقع یک فضای پیش بینی شده داشت. من با ذهنیتی که رویای صورتی اسم آن بود جلو آمدم. ابتدا ما فقط یک اسم داشتیم. اول اسم رویای صورتی را انتخاب کردیم و بعد کار آلبوم را شروع کردیم. بابک صحرایی رویای صورتی سرود و فرشاد رویای صورتی ساخت و به آن هدفی که در ذهن داشتیم رسیدیم.

• همه ترانه ها مثل کار رویای صورتی از پیش طرح شده بود؟

ساسان: نه. برخی کارها و رویای صورتی با سوژه از قبل مشخص بود ولی برخی دیگر از کارهای سروده شده بود و انتخاب کردیم.

• قطعات آلبوم شما چه ربطی به موسیقی شب داشت؟ با توجه به جمله ای که در آلبوم نوشته بودید!

ساسان: من عادت به نوشتن دارم. ترانه سرا نیستم ولی خیلی می نویسم، معمولا هم شب ها می نویسم. موسیقی شب صدایی است که در سکوت مطلق در گوش زمزمه می شود. موسیقی شب آن صدایی است که می خواهیم بشنویم.

• شما در ابتدا اشاره کردید که نوازنده بودید و در واقع با سازها آشنایی دارید. به عنوان خواننده اثر، در آهنگسازی و تنظیم هم اظهار نظر می کردید؟

ساسان: کار آقای چنگیزی اینقدر نظر من را جلب می کرد که دیگر جایی برای نظر من نبود. فضای تنظیم ایشان کاملا برای من قابل قبول بود و جایی نبود که من بخواهم تغییر ایجاد شود.

• در مورد زمان عرضه شدن آلبوم، همزمان با مجموعه خوانندگان معروف عرضه شد. ولی توانست خودش را نشان دهد. به نظر شما دلیل این دیده و شنیده شدن چه بود؟

ساسان: در حال حاضر طیفی از شنوندگان عادت کرده اند به موسیقی ریتمیک و الکترونیکی که به خاطر استفاده در ماشین به آن گرایش دارند. من از روز اول به موسیقی با ارزش فکر کردم. با آقای چنگیزی هم در مورد موسیقی صحبت کردم که ماندگار باشد و تا سالها قابلیت و ارزش شنیده شدن را داشته باشد. مسلما هر موسیقی مخاطب خود را دارد. هر نوع و سبک موسیقی طرفدار خود را دارد. در این آلبوم هر مخاطب از ۸ تراک آن حد اقل یکی دو تا از آنها را دوست دارد. در واقع به این صورت نیست که مثلا همه یک تراک را دوست داشته باشند. دلیل آن را جدا از ترانه، هوشمندی آهنگساز و تنظیم کننده می دانم. در آلبوم ساختار سبک های موسیقی کاملا رعایت شده است. قطعات دارای سبک هایی مثل جاز، راک-چاچا، فلامینگو، راک اندرول در این آلبوم وجود دارد. مثلا آهنگ نقاش راک چاچا است. به همین خاطر می تواند مورد استقبال قرار بگیرد.

فرشاد: من از زاویه دیگری به این قضیه نگاه می کنم. چندین سال است که با تبلیغ موسیقی را به مردم تحمیل و تزریق می کنند. و اکثرا هم به خاطر اینکه حمایت فلان شرکت را بدست آورند که این شرکت هر زمان اسمی دارد، سعی می کنند مطابق سلیقه ی شرکت کار کنند. ما اصلا نیازی به حمایت نداشتیم و در واقع نمی خواستیم به حمایت تحمیلی فکر کنیم، فقط به موسیقی توجه کردیم.



دیگری کار کنم.

• **در آلبوم بعدی هم خط فکری خاصی را دنبال می کنید؟**
مثل رویای صورتی؟

ساسان: من بدون برنامه ریزی کاری انجام نمی دهم. هیچ موقع هم در مورد کار آینده صحبت نمی کنم و تا لحظه آخر محرمانه نگه می دارم. حتی تا لحظه آخر خانواده ام هم قطعات را نشنیده بودند! در واقع عادت ندارم در مورد مسئله ای که به شکل واقعی نرسیده صحبت کنم.

فرشاد: البته قول متفاوت بودن را هم می دهیم. خط فکری تکراری نیست. کسانی که رویای صورتی را شنیده اند دوباره تکرار آن را نخواهند شنید. از 6 کار به جز دو کار شش و هشت، 6 سبک متفاوت را عرضه کرده بودیم و کار بعدی تکرار این سبک ها نخواهد بود. واقعا هم قرار دادن کلام فارسی روی سبک ها مشکل است. من هم در واقع نمی توانم روی هر ترانه ای آهنگسازی کنم. غیر از آلبوم عشق با احتیاط که شرایط خود را داشت این کار را تکرار نخواهم کرد.

• **پس دیگر شما ترانه نخواهید سرود.**

فرشاد: قبلا هم گفتم که بزرگترین اشتباه آلبوم عشق با احتیاط این بود که مجبور شدم خودم ترانه بنویسم. در واقع آن زمان هم به دلیل روحیه ای که داشتم و اینکه کار اول بود و برخی قبول نمی کردند که ترانه واگذار کنند، مجبور شدم خودم برای شروع ترانه ها را بنویسم. کاری هم ندارم که بعد از آن خیلی ترانه آمد که وزن نداشت ولی ترانه های من هم وزن نداشت! الان هم اگر چیزی بنویسم در حد سوژه است.

• **در آلبوم بعدی، فاکتور بازار را هم مدنظر قرار می دهید؟**

ساسان: من اول به خود موسیقی احترام می گذارم و به چشم تجارت صد در صد نگاه نمی کنم. در درجه بعدی هر خواننده ای نیاز به کسب درآمد دارد. ما سعی خواهیم کرد خیلی از گوش مردم دور نشویم و اینقدر فاصله نگیریم که مردم متوجه موسیقی نشوند، ولی سعی هم می کنیم که سطح موسیقی خودمان را برای عرضه شدن بالا ببریم.

فرشاد: به نظر من بازار باید ما را در نظر بگیرد! چون بازار تخریب شده و واقعا این نیست. مردم استقبال خوبی ندارند و باید شرایط فراهم شود. من به عنوان شوخی گفتم ولی در واقع بازار باید موسیقی قابل احترام را در نظر بگیرد. من تا حالا به بازار فکر نکردم و فکر هم نخواهم کرد.

• **اصلا هدف نهایی شما در خوانندگی چیه؟ به چی می خواهید برسید؟**

اگر همزمان با کما، 2 آلبوم 14 و یکی بود و یکی نبود عرضه شده، حتی با استندها و تبلیغات گسترده شرکت ها برای این آلبوم ها، مجموعه ای عرضه شود که تازه کار باشد ولی اصول را رعایت کند نباید از رقابت بترسد. آلبوم شاید نفروشد، شاید درآمدی برای او نداشته باشد ولی انعکاس آلبوم در فضاهای بی طرفی مثل اینترنت نتیجه رقابت را نشان می دهد. در واقع بازار در دست فلان شرکت معروف است ولی در اینترنت که نمی تواند اعمال فشار کند. فقط خوب بودن آلبوم رویای صورتی به دیده شدن آلبوم کمک نکرد. بلکه پایین بودن سطح بقیه آلبوم ها هم دلیل دیگری بود.

• **اصلا زمان بندی خاصی برای ارائه ی آلبوم نداشتید؟**

فرشاد: نه. قطعا آلبوم اول یک خواننده سودی ندارد. ترسی هم از همزمانی نداشتیم. چون اینترنت و برخی رسانه های رادیویی کارها را در رقابت واقعی قرار می دهد که شرکت های خاص، قابلیت اعمال نظر و دخالت هایی که در بازار می کنند را در آنها ندارند....

• **در واقع این همان مشکل مافیای موسیقی ایران است که به حذف برخی استعدادها و مطرح شدن برخی ... منجر می شود. در حال حاضر فیدبک هایی که از کار گرفتید چطور بوده؟**

فرشاد: آهنگ نقاش در رده بندی 10 آهنگ برتر هشتم شد و در این رده بندی از کارهایی که با

تبلیغات گسترده عرضه شده بود با لاتر قرار گرفت.

در شهرهایی که پخش آلبوم خوب بود، کار بسیار موفق بوده است. کار به صورت غیرمجاز هم بسیار گسترده در اینترنت پخش شده است.

• **در تهران چطور بود؟**

فرشاد: در تهران دیرتر از شهرستان ها پخش شد. ولی به خاطر مشکلاتی که در تهران هست و نفوذ برخی شرکت های خاص! نتوانسته ایم در همه نقاط تهران پخش کنیم.

• **برای آلبوم بعد چه برنامه و ایده ای دارید؟**

ساسان: من به پیوستگی در موسیقی اعتقاد دارم. اگر به صورت حرفه ای در راه قدم گذاشتید باید برای موسیقی باشد و موسیقی باارزش تولید شود. الان در حال فعالیت روی آلبوم دوم هستم.

• **با آقای چنگیزی؟**

ساسان: من کار ایشان را قبول دارم و دلیلی ندارم که با شخص



هنر هنرمند
Artcm.ir
همه چیز درباره سینما موسیقی تلویزیون



وبسایت فرهنگ هنری پیرامون موسیقی اصیل

avaye del . ir



وب سایت تخصصی دانلود

<http://www.onlydownload.ir>



http://www.simorq.org
Simorq
a music project



• به طور کلی چطور با مراجعه کنندگان برای آهنگسازی کار می کنید؟

فرشاد: اول این را بگویم که تعداد افرادی که باهاشون کار کرده ام خیلی کم است و کم هم خواهد ماند. شخصیت خواننده برای من مهم است و بعد از حل شدن این موضوع، ارتباط فکری راحت برقرار می شود. من تقریباً می توانم فکر کنم که خواننده چه می خواهد. فکر می کنم هر آهنگسازی باید بتواند این کار را انجام دهد و احساس خواننده را در خود نگه دارد.

• اگر خواننده ای مراجعه کند و از مرحله اول عبور کند. با توجه به ایده شما که خواننده کار اولی باید کار آکوستیک انجام بدهد، اگر خواننده توانایی مالی برای تقبل هزینه ها نداشته باشد، چطور با آن برخورد می کنید؟

فرشاد: اگر استعداد خاص باشد، من خیلی به مادیات قضیه اهمیت نمی دهم، حداقل قسمتی از این فاکتور که مربوط به من باشد، رعایت می شود. ولی من فکر نمی کنم خواننده بخواهد قبول نکند. اگر توافق اولیه اتفاق بیفتد عقاید من را قبول می کند. واقعیت هم این است که به خاطر اعتقاد با افراد زیادی به توافق نمی رسم.

اصرار نیست که همیشه آهنگساز کار کند. من به یک سبک موسیقی شناخته شده ام و برداشتی از کارهای من می شود که دوست ندارم تغییر کند.

• مسیر حرکتی خودتان در آهنگسازی از آلبوم عشق با احتیاط تا رویای صورتی را چطور ارزیابی می کنید؟

فرشاد: همیشه باید کار بعدی بهتر از قبلی بشود. فکر کنم این رعایت شده است. اهداف دیگری در ذهنم بوده که به آنها هم در حال نزدیک شدن هستم که جای صحبت آن نیست. در واقع خیلی ها خوب هستند و دیده نشده اند. تلاشی هم در این راستا دارم که افراد خوب دیده شوند و افراد ضعیف اینقدر دیده نشوند!

• کلام آخر؟

ساسان: امیدوارم وضع موسیقی کشور بهتر از این شود و افرادی که در حال فعالیت هستند اصول موسیقی را بیشتر رعایت کنند. ما هم سعی می کنیم بهتر از قبل کار کنیم و همه با هم سطح موسیقی کشور را بالا ببریم.

فرشاد: این را اضافه کنم که اطلاعات آلبوم رویای صورتی در سایت thepinkdream.net قرار گرفته است. تشکر از شما و زمانی که اختصاص دادید.

ساسان: من هیچ وقت نقطه خاصی مشخص نکردم. همیشه به بی نهایت می خواهم برسم و بی نهایت مشخص نیست!

• فضای آلبوم رویای صورتی بیشتر آکوستیک و ساز زنده است. نظرتون در مورد فضا سازی دیجیتال چیه؟

فرشاد: به نظر من خیلی کار سختی هست. اینکه فضا کاملاً الکترونیک باشد ساده نیست. اگر من تا حالا اصراری روی آن نداشتم دلیل آن وجود نداشته است. اعتقاد من این است که خواننده برای معرفی نباید به سراغ یک فضای کاملاً دیجیتالی برود.

به همین خاطر کارهای اخیر ساز محور بوده است. ، البته این موضوع به ترانه و ملودی هم بستگی دارد. می توان همه کارهای آلبوم رویای صورتی را ترانس تنظیم کرد ولی دیگر این احساس را نخواهد داشت.

اگر در اکثر قطعات آلبوم رویای صورتی ساز ساکسوفون را می شنوید، دلیل آن علاقه شخصی من نیست، به خاطر این است که چیز دیگری نمی تواند جایگزین آن شود. البته در آلبوم رویای صورتی، آهنگ رویای صورتی (بدون در نظر گرفتن ساکسوفون و ساز دهنی) و قطعه آخر کاملاً الکترونیک است.

• در تنظیم ها سراغ سازهایی رفته اید که در آلبوم های داخلی کمتر شنیده می شود. دلیل آن چی بود؟

فرشاد: سازهایی مثل آکاردئون استفاده می شود ولی اگر نمود نمی کند به دلیل این است که نتی که به آن می دهند مخصوص آن ساز نیست. هم چنین ساکسوفون هم این مشکل را دارد. برخی تنظیم کنندگان، کار را انجام می دهند بعد تصمیم می گیرند چند تا ساز زنده باشد و انتخاب می کنند ولی من از همان موقع که نت را می نویسم، حتی سمپل کار را سمپل خود ساز استفاده می کنم. ساز دهنی خیلی می تواند به موسیقی پاپ فضا بدهد ولی کسی این مورد را نمی بیند! بابک صفرنژاد هم آلبومی بی کلام با ساز دهنی عرضه کرده است. شاید از حالا به بعد بیشتر مورد توجه قرار بگیرد. این ساز خیلی قابلیت دارد. انتخاب من به این خاطر بوده که واقعا در اورتوری که در رویای صورتی یا شب های مردابی زده شده جایگزینی ندارد. در واقع سازهای زنده این آلبوم را اصلاً نمی توان جایگزین کرد.

• در استفاده از سازهای زنده بعد مالی را هم در نظر می گیرید؟

فرشاد: قطعاً نه! اینقدر هزینه در این کار هست که هزینه مربوط به نوازنده ها به چشم نمی آید.

اسطوره سازی؛ واقعیت یا رویا؟

پرونده ای برای اسطوره سازی در موسیقی

مقدمه : پرداختن به موضوعی چون اسطوره های موسیقی و اسطوره سازی در موسیقی خیلی کار سختی است. شاید اگر این پرونده را برای اسطوره هایی خارج از مرزهای ایران در می آوردیم کار ساده تری داشتیم چون بالاخره آنها تکلیف شان با خودشان مشخص است اما اینجا چنین نیست. در موسیقی ایران اسطوره ها کم نیستند اما همان طور که مشخص است هیچ کدام از آنان آنچنان که باید به معنی واقعی اسطوره شناخته نمی شوند. این را در بخش های بعدی خواهید خواند.

در همه ملت ها و همه فرهنگ ها و آیین ها و در هر رشته هنری که فکرش را بکنید اسطوره وجود دارد. حتی اگر ناشناخته باشد. اما بیاییم کمی نگاه کنیم که این اسطوره ها چگونه ساخته شدند و آیا اسطوره ها باید ساخته و معرفی شوند یا خود به خود به وجود می آیند؟ در دنیای امروز اسطوره ها چه جایگاهی دارند؟

این پرونده قصد ندارد تا به اسطوره ها بپردازد. می خواهیم کمی به ساختن این اسطوره ها نگاه کنیم و اینکه چه چیزی نقش مهم تری در «ساختن» این اسطوره ها دارد... این پرونده را بخوانید تا کمی با فضای اسطوره سازی آشنا شوید.

● امید محمودزاده ابراهیمی

این که گفתי یعنی چه !!؟

اسطوره در لغت آنگونه که در فرهنگ عمید نوشته است بدین معناست: «افسانه، قصه، حکایت، جمع: اساطیر» اگر به لغت اسطوره اکتفا کنیم شاید هیچ مورد واقعی نمی یابیم اما برخلاف معنی لغوی، این لغت امروزه یک واقعیت واضح است؛ نه قصه است و نه افسانه

اسطوره ها دیگر شخصیت قصه های خیالی نیستند. کمی اگر به دور و بر نگاه کنیم بیشتر و بیشتر از این دست اسطوره ها می بینیم.

اسطوره ها امروز نمایندگان یک ملت و یک فرهنگ محسوب می شوند و همین عامل باعث می شود که هر کشوری که تاریخ بیشتر و تمدن قدیمی تری داشته است بیشتر به فکر شناساندن اسطوره های خود به ملل دیگر باشد. البته بدون غرض باید بگوییم که حساب کشورمان از این نکته جداست. ما بیشتر اسطوره کشی را دوست داریم تا اسطوره سازی که این خود جای بحث بسیاری دارد.

ما اسطوره هم مگه داریم؟

بله داریم اما خب چون زیاد عادت نداریم به آنها بها بدهیم تقریباً هیچ گاه این اسطوره ها در هیچ کجا دیده نشدند. ایران از دیرباز سرزمین پهناوری بوده است و تمدن بزرگ آن مردان بزرگی را به یادگار گذاشته است. از همان زمان که هنر در ایران یک بافت ناگسستنی از فرهنگ این کشور شد؛ اسطوره های هنری هم یکی یکی در تاریخ ثبت شدند.

چه کسی اسطوره را کشت؟

اینکه نقش مردم یا مسئولان در این اسطوره کشی ما ایرانیان کدامیک پررنگ تر است؛ جواب قاطعی ندارد. شاید بتوان گفت هر دو، ما هم ستاره کش هستیم و هم اسطوره کش! دقیقاً معلوم نیست این اخلاق ایرانی ها به چه کسی رفته است. طاقت این را نداریم که کسی که همین دیروز کنارمان بوده است را در شمایل یک اسطوره ببینیم!

چگونه اسطوره بسازیم؟

رسانه، رسانه و رسانه. برای معرفی اسطوره ها و ستاره هایمان در دنیای کنونی ابزار بزرگی وجود دارد به نام رسانه که اگر بتوانیم از آن درست استفاده کنیم؛ می توانیم اسطوره هایمان را بسازیم. اسطوره ها همیشه هستند اما چه اتفاقی می افتد که آنها به مفهوم حقیقی اسطوره می رسند سوالی ست که پاسخش همین رسانه است.

ساختن فیلم و سریال درباره شخصیت های بزرگ و اسطوره های میهنی و دینی امری ست که همیشه مورد توجه بوده است اما پرداخت به شخصیت های ملی متأسفانه به دلایل متعدد مورد بی توجهی قرار گرفته است. ملتی که نتواند اسطوره های خویش به را معرض نمایش بگذارد حتماً مورد هجوم عرضه های فرهنگی از خارج خواهد شد. نمونه بارز آن هم نمایش فیلم ۳۰۰ در سینماهای جهان بود که تصویری خشن و به دور از واقعیت از تاریخ ایران را نشان می داد. در غیاب ساخت فیلم ها و مجموعه های تلویزیونی برای تاریخ کهن ایران؛ دور از ذهن نیست که دیگرانی بیایند و اسطوره های شما را در صحنه علنی دنیا به محاکمه بکشند.

بها دادن به اسطوره های کنونی و زنده هم از دیگر وظایف همین رسانه است. گرچه ایده ایجاد همایش چهره های ماندگار برای تقدیر از بزرگان عرصه فرهنگ بسیار خوب و قابل توجه بود اما برگزاری سالانه و حالت نمایشی آن ضعفی ست که به شدت در آن حس می شود. متأسفانه این چهره ها فقط اسم شان جلوی دوربین خوانده می شود و چندان به دستاوردهای آنان پرداخته نمی شود.

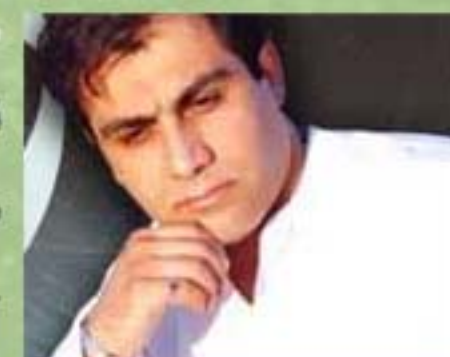
بحث که به موسیقی و چهره های ماندگار آن می رسد وضع بدتر می شود. هنر موسیقی هنری ست که متأسفانه هیچ جلوه تصویری در نزد عام ندارد و سالهاست که این ضعف در حال مشاهده است. اگر روزی قرار به معرفی بیوگرافی کاری یکی از چهره های ماندگار در عرصه موسیقی باشد، قطعاً تایم زیادی نخواهد برد. معرفی و پرداخت به موسیقی در همین رسانه گویی به خط قرمزی می ماند که هیچ نمی تواند به راحتی از آن عبور کند.

من باب اینکه ستاره های موسیقی پاپ ستاره می مانند و یا روزی به اسطوره تبدیل می شوند سخت می توان نظر داد. هیچ گمانه زنی هم وجود ندارد. همیشه از آدم های موفق پاپ به صورت «ستاره» نام برده شده است و کمتر کسی از آنان به اسطوره یاد می کند. خصوصا آنکه آنها همین جا حضور دارند و هنوز سن زیادی ندارند. پس محافظه کاری ایجاب می کند که ستاره بخوانیم شان و نه اسطوره. البته در همین حد هم باید گفت که به اندازه کافی دوست نداریم ستاره هایمان را در شمایل بزرگ ببینیم و با کوچکترین لغزش یا ... از جلوی چشم طرد شان می کنیم.

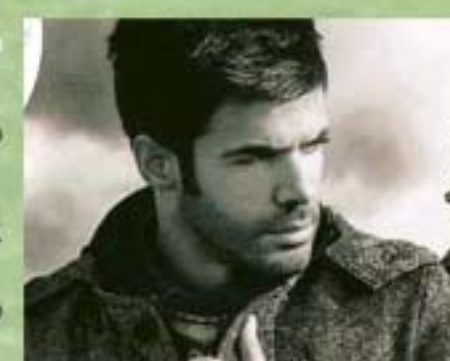
نگاهی داریم به چند خواننده قدیم و جدید پاپ که می توانند شمایل ستاره بودن را به اسطوره بودن تبدیل کنند... آیا آنها می توانند؟



شادمهر عقیلی : ستاره دیروز موسیقی پاپ ایران. کسی که با نسل اولی های پاپ شروع کرد اما نخواست که آن را ادامه دهد. عقیلی تمام شمایل یک ستاره را یکجا داشت و اگر مانده بود شاید زودتر از خیلی ها به اسطوره موسیقی پاپ ایرانی تبدیل می شد. عقیلی هم می نواخت و هم می خواند و حضور او وزنه سنگینی برای پاپ ایران بود. اما او خود «نخواست» ...



سعید شهروز : هم نسل شادمهر عقیلی اما پرکار تر و جسور تر. شهروز هیچ وقت در رده اولی های پاپ قرار نگرفت اما سایه او را می توان بر موسیقی پاپ ایران هر لحظه و هر مکان حس کرد. شاید تمایل شهروز به نداشتن مصاحبه های زیاد یا پرداختن نشریات به او و کارهایش باعث شده است که تا به حال در سایه قرار بگیرد. سعید شهروز با تولد نسل جدید موسیقی پاپ ایران در میانه دهه ۸۰ از دور کنار نرفت و ماند که «بماند» ...



سیروان خسروی : خیلی ها او را پیشروی موسیقی الکترونیک و تنظیم هایی از این دست می دانند. سیروان کار خود را با یک تفاوت آشکار در موسیقی آغاز کرد. او دنباله روی موسیقی راک و همکار کاوه یغمایی بود اما حس و حال موسیقی پاپ زیاد با روحیات او سازگار نشد. همین عامل باعث شد که سیروان بیشتر طرف تنظیم های خاص خود برود و با همکاری برادرش موسیقی خود را پاپیولار تر عرضه کند. سیروان از موسیقی پاپ حق بیشتری می خواهد. او ستاره این روزهای تنظیم های الکترونیک است و می خواهد این شمایل را «همیشه» حفظ کند...



بنیامین بهادری : کسی که به یک تنه می تواند روند و فضای موسیقی پاپ را عوض کند ممکن است به این زودی ها اسطوره شناخته نشود اما حتما یک ستاره است. بنیامین کسی که تفاوت را خیلی دوست دارد و می خواهد همیشه نوگرایی اش را حفظ کند. برای او نوگرایی و تفاوت دو اصل پیشرفت کاری اش هستند و همین عوامل باعث شده است که همچنان با «قدرت» به کارش ادامه دهد...



رضا صادقی : سلطان مشکی پوش کم هوادار ندارد. صادقی که مشکی پوش موسیقی ایران نام گرفته است در سال ۱۳۷۱ اولین آلبوم خود را که زیاد هم جالب نبود منتشر کرد و از آن زمان تا کنون نزدیک ۱۲۵ ترانه رسمی و غیر رسمی منتشر کرده است که می توان گفت به همین دلیل از پر کارترین خوانندگان موسیقی پاپ است. وی که می داند چه انتظاری از جامعه و اثرگذاری اثرش دارد شاید در آینده بتواند خودش را به عنوان اسطوره به «جامعه موسیقی» معرفی کند ...

اسطوره ها زیر ذره بین

● مهسا خواجه دهی

اصولا در هر زمینه ای، تعدادی از افراد هستند که نسبت به سایرین موفق ترند و در آن زمینه ی به خصوص «سرآمد» محسوب می شوند. در هنر و به طور مشخص تر در موسیقی که مورد بحث ماست هم، چنین رده بندی هایی وجود دارد. اسطوره ها در نگاه اول چنین تعریفی دارند، یعنی کسانی که در رشته ی خاصی از سایرین موفق ترند اما این تعریف، تعریف دقیقی نیست. مثلا ممکن است شخصی آلبومی تولید کند که از نظر فاکتورهای رایج هنری در حد قابل قبولی باشد، چنین شخصی را می توانیم «موفق» بدانیم چرا که توفیق تولید یک آلبوم استاندارد را کسب کرده است. حالا اگر این آلبوم در بین مردم پرتعداد شود و علاوه بر رعایت استانداردها، مخاطب عام و تا حدودی خاص را جذب کند یک پله بالاتر می رویم و با کسی رو به رو می شویم که حالا دیگر «ستاره» شده است. اما هنوز هم برای رسیدن به مفهوم اسطوره راه داریم... اسطوره ها بدون شک ستاره هستند اما هر ستاره ای اسطوره نمی شود. اسطوره، ستاره ای است که در کنار مخاطبان عام، از حمایت و تائید مخاطبان خاص نیز برخوردار است. کسی که ستاره می شود برای همکارانش حکم الگو را دارد. البته شایان ذکر است که منظور از الگوگیری به هیچ عنوان تقلید و کپی برداری نیست.

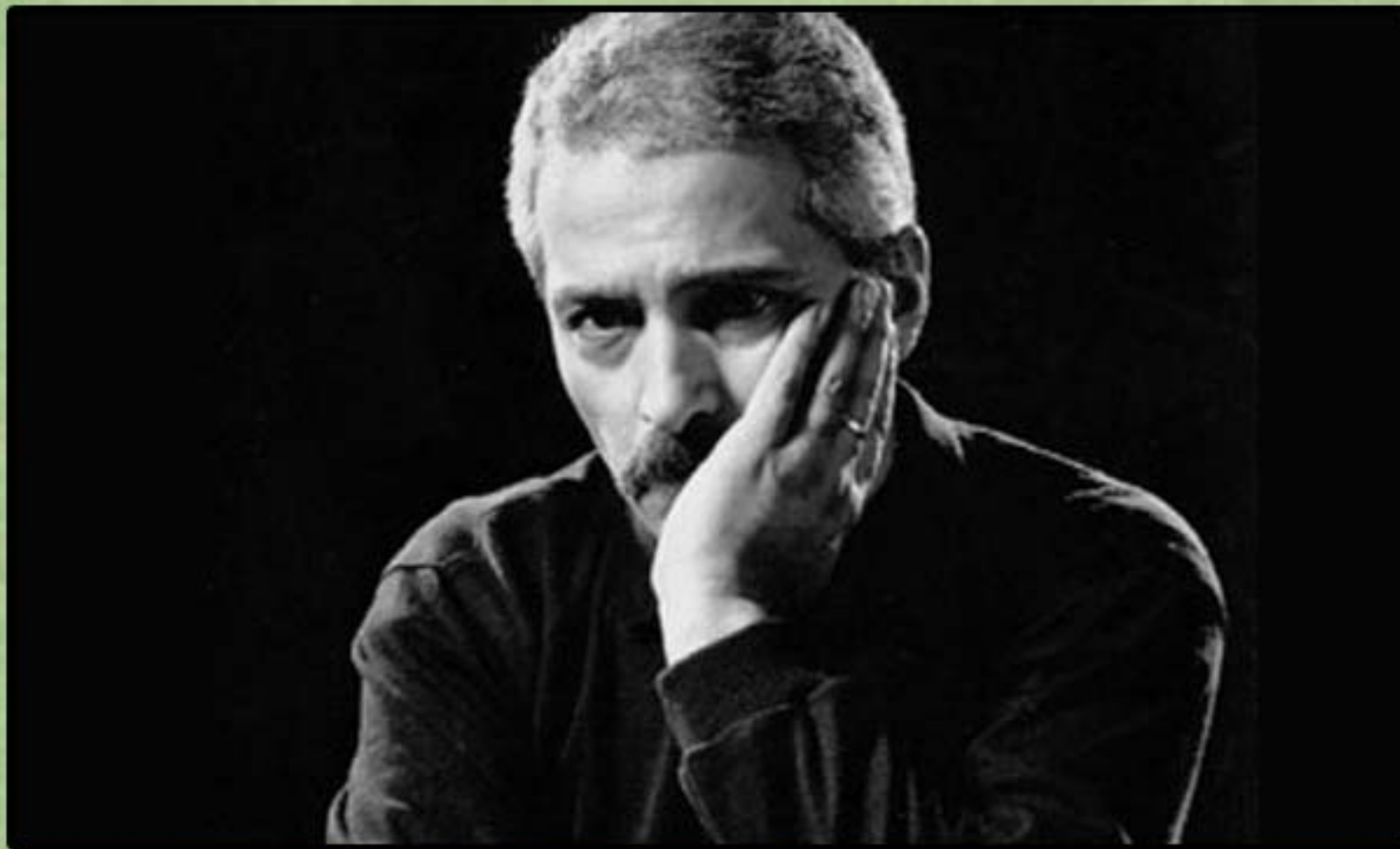
اگر این پرونده برای اسطوره های بین المللی تهیه می شد نوشتن به مراتب ساده تر بود. کار وقتی سخت تر می شود که بخواهید موسیقی پاپ را هم در این بررسی بگنجانید؛ چون هم عمر موسیقی پاپ در کشورهای دیگر نسبت به ایران بیشتر است و هم با پدیده ای به نام «بومی سازی» رو به رو نیست.

اما فارغ از این بحث ها، باید به این نکته نیز اشاره کنیم که اسطوره ها علاوه بر موفقیت های شغلی شاخص، از نظر اخلاقی و شخصیت اجتماعی هم مورد توجه هستند. مانند جهان پهلوان تختی؛ یا در موسیقی، استاد شجریان.

اسطوره ها وسعت قابل توجهی دارند و با اینکه در زمینه شغلی شان مطرح و تاثیر گذارند از نظر اجتماعی محدودیتی ندارند. آنها کسانی هستند که اگر چندین سال هم از صحنه هنر دور باشند باز هم در یادها می مانند و حتی پس از مرگشان هم از آنها به نیکی یاد می شود. اسطوره ها کسانی هستند که بودند، هستند و خواهند بود...

اسطوره ها زیر ذره بین

قرار شد تا از بین اسطوره های وطنی موسیقی در سه سبک شاکس در ایران یعنی کلاسیک ایرانی، پاپ و راک؛ نمونه های قابل لمس و مطرحی را گلچین کنیم. البته نام بردن از این اشخاص به معنای زیر سوال بردن ارزش هنری سایر اسطوره ها نیست. محدودیت فضا باعث شد تا نتوانیم به بزرگانی چون محمد علیزاده، جلال ذوالفنون، محمد رضا لطفی، فریدون فروغی و... بپردازیم.

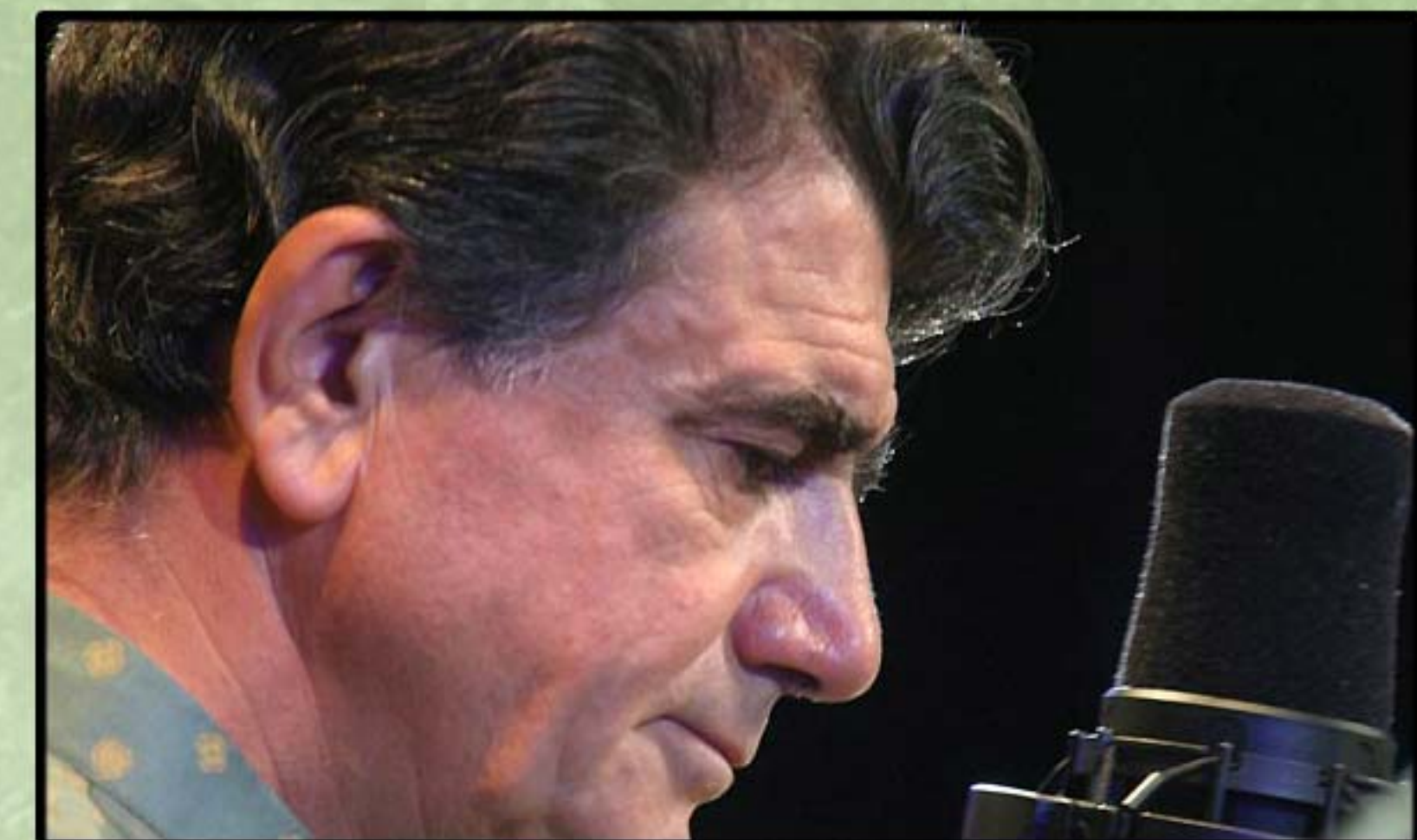


اسطوره پاپ : فرهاد مهراد

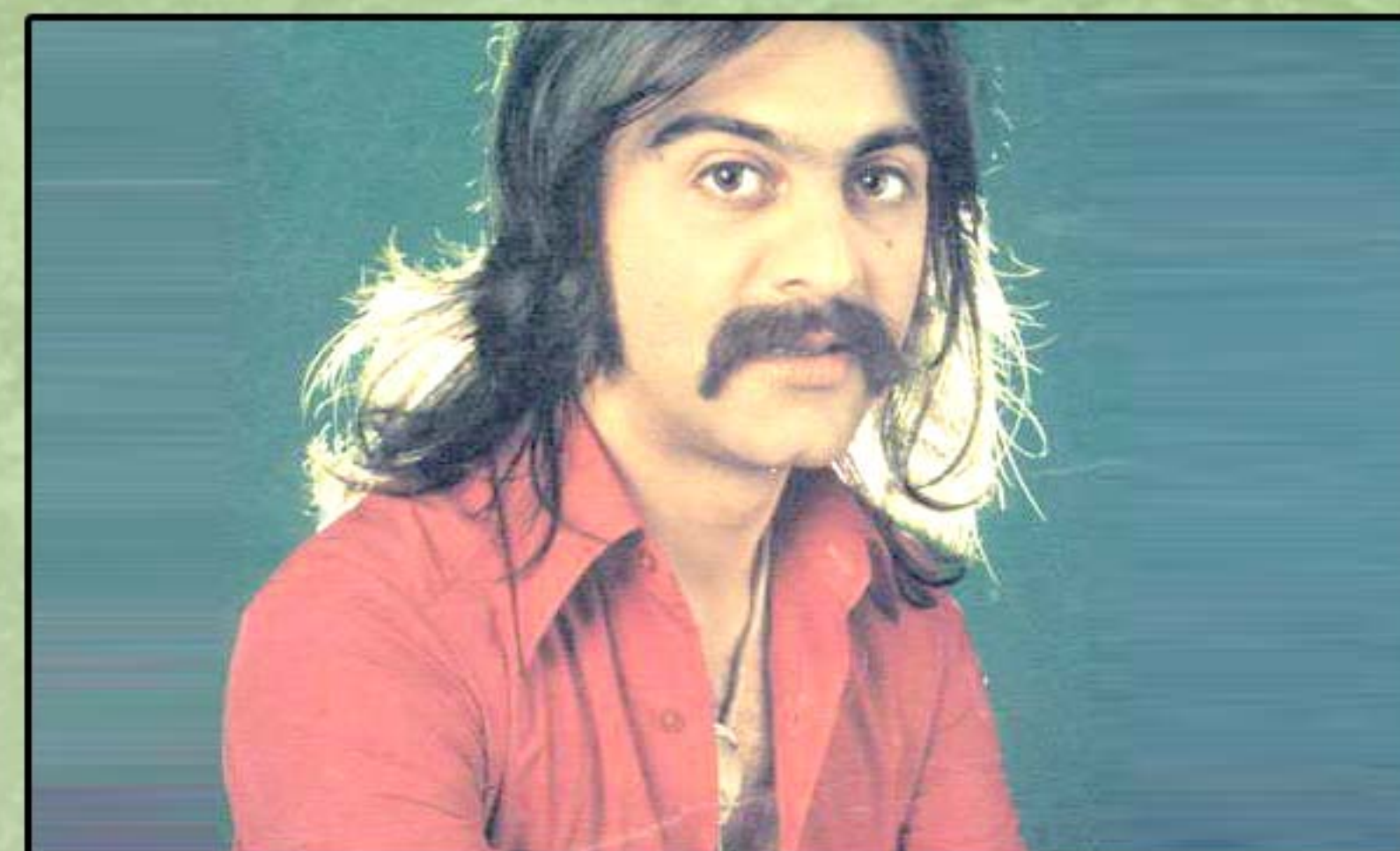
گم می شم تو معنی تو؛ معنی تازه می گیرم...

- فرهاد مهراد در زمینه موسیقی پاپ، صاحب سبک و سبک آفرین بود. کسی که تمام کارهایش دارای امضا و مشخصه ویژه ی خود اوست. شیوه ی منحصر بفردی که بارها و بارها توسط افرادی کپی برداری شد اما هیچ گاه برای کسی توفیقی به همراه نداشت.
- نوازنده ی گمنام سال های دور کافه های تهران، با چنان عشق و شور و حالی به اجرای ترانه هایش می پرداخت که ایمان و اعتقاد قلبی اش را به مخاطب منتقل می کرد.
- فرهاد جنس موسیقی پاپ را می شناخت و بار احساسی عمیقی با خواندن ترانه های نوستالژیک و اعتراضی اش ایجاد می کرد.
- همسویی او با جریانات مردمی، وی را تبدیل به نماد اعتراض و جنبش های مردمی کرده است. حدود نیمی از ترانه هایش مضامین مرتبط با وطن پرستی دارند. او در زمان انقلاب هم فعالیت های بسیاری داشت به طوری که بعضی ها او را یکی از رهبران فرهنگی انقلاب می دانند.
- تصویرهای مینیاتوری ترانه هایش شاخصه ی ویژه ای است که بعد از او دیگر تکرار نشد. حتی در ترانه هایی که شهریار قنبری ترانه سرای محبوب فرهاد برای خواننده های دیگر سرود.
- فرهاد مهراد به چندیدن زبان ترانه می خواند و اگر عمرش کوتاه نبود و پروژه های بزرگی را که در سر داشت عملی می کرد، می توانست یکی از هنرمندان بین المللی ایران باشد. مخصوصا آلبومی که قبل از پیشرفت بیماری و مرگش به چند زبان دنیا و تحت تاثیر بحث گفتگوی تمدن ها قصد جمع آوری اش را داشت.
- او هنرمند بسیار با اخلاق و قدرشناسی بود و همواره به همکاران و مردمش احترام می گذاشت. با وجود شهرت و جایگاه و الایی که داشت هرگز دچار غرور نشد و خود را بالاتر از دیگران نمی دید.

- استاد شجریان در زمینه موسیقی ایرانی، طرفدار تنوع و تجربه های جدید است. ایشان با ارائه ی تصنیف هایی که از نظر فنون آواز و آهنگسازی در نوع خود بی نظیرند، تبدیل به الگویی برای جوانان مستعد در زمینه ی موسیقی ایرانی شده اند. هر چند به گفته ی خودشان اگر لازم باشد آهنگ را فدای شعر می کنند؛ با این وجود استانداردهای کاری استاد آنقدر بالاست که برای همه ی موسیقی دوستان و موسیقی دانان یک اسطوره ی به تمام معنا باشند.
- ابتکار و نوآوری های ایشان علاوه بر شیوه اجرا، در ساخت سازهای جدید هم نمود پیدا می کند. سازهای ابداعی استاد زمینه ی ایجاد تنوع و گستردگی بیشتر موسیقی ایرانی را فراهم کرده است.
- علاوه بر سطح ملی، در سطح بین المللی نیز از چهره های شاخص و نامدار محسوب می شوند و کنسرت های متعدد ایشان در خارج از مرزهای ایران و در شهرهای بزرگ دنیا همواره با استقبال خیره کننده ایرانی ها و غیر ایرانی ها مواجه شده است. کسب جوایز و افتخارات متعدد بین المللی گواه این مدعاست. استاد شجریان حتی در جشنواره ی بزرگ گرمی که مهم ترین فستیوال موسیقی در دنیاست هم حضور درخشانی داشته اند و چندین بار تا مراحل پایانی، صعود کرده اند.
- ایشان به جوانان و آینده داران موسیقی اهمیت فراوانی می دهند و عمده ی فعالیت هایشان در جهت آموزش و پرورش استعداد های جوان است. تا جایی که از برگزاری کنسرت هایشان با نوازندگان جوان و گمنام هیچ ابایی ندارند که در جای خود قابل تحسین است. استاد همواره انتقادات را می شنوند و به جای جبهه گیری آنها را قبول می کنند.
- استاد شجریان پیشرو در انجام فعالیت های خیرخواهانه و مردم دوستانه است که مشارکت در ساخت باغ هنر بم در کرمان تنها یکی از آنهاست.



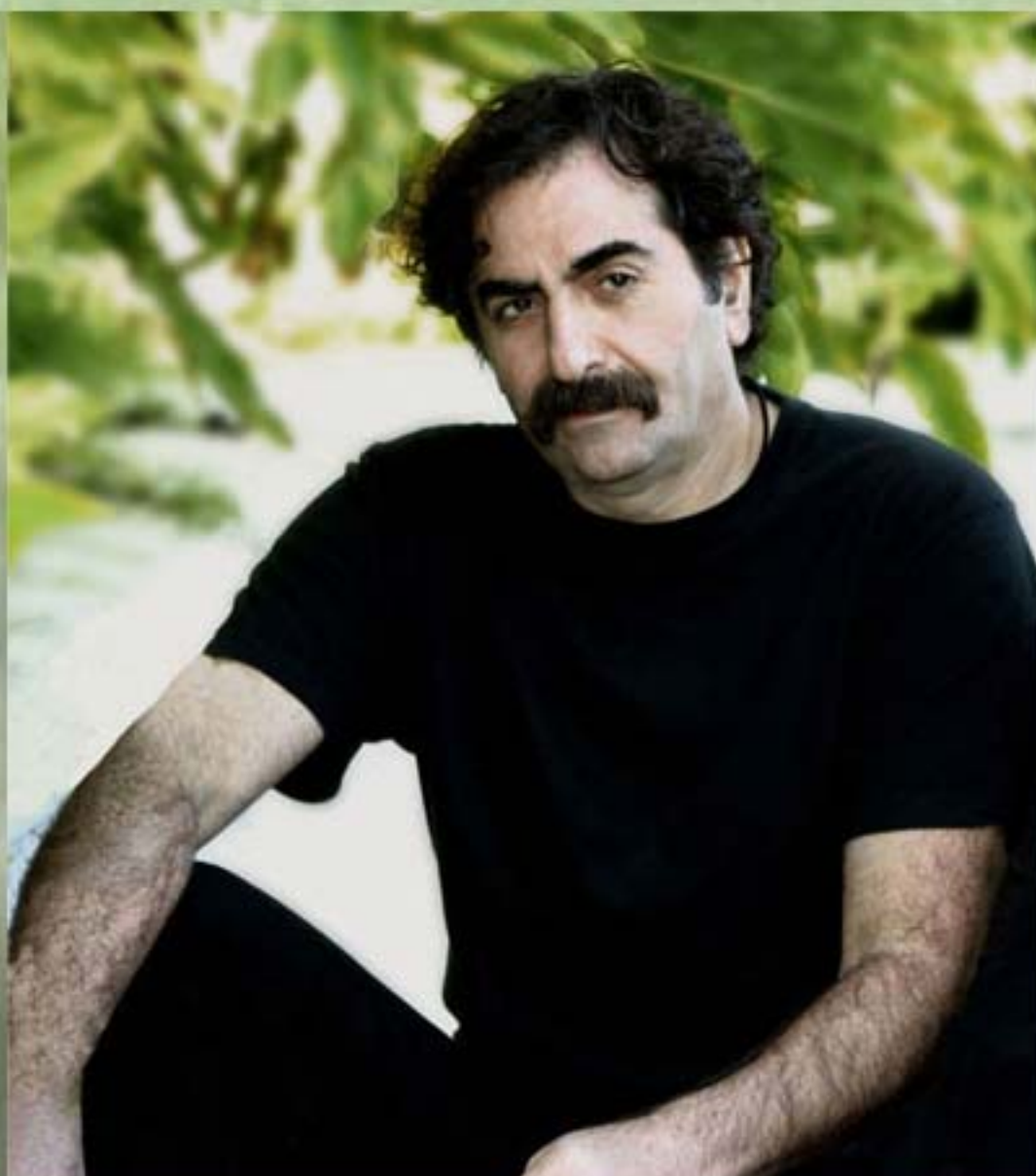
- کوروش یغمایی استعداد صرف در زمینه ی موسیقی بود. او برای یادگیری موسیقی هیچ استادی نداشت و غریزه و استعداد ذاتی اش او را تبدیل به اسطوره ی بی چون و چرای راکرها کرد.
- کوروش به دلیل رعایت استانداردهای جهانی در موسیقی اش در سطح بین المللی مطرح . مشهور بود. به طوری که آثارش به خارج از مرزهای ایران نفوذ کرد و در آنجا با اجراهای جدیدی منتشر شد. گروه های اروپایی بارها از او تقاضای همکاری می کردند.
- استاد کوروش یغمایی اولین موزیسین راک ایرانی محسوب می شود که موسیقی کاملاً غربی راک را به طرز استادانه ای بومی و ایرانی کرد و همین خدمت بزرگ هم برای اسطوره شدنش کافی است



استاد شهرام ناظری اما از جنس دیگر است، اسطوره ای که بیشتر از آنکه ما ایرانی ها بشناسیمش فرانسوی ها عاشقش هستند، کافی هست به فروشگاههای صوتی تصویری فرانسه مخصوصاً پاریس سرکی بکشید، بعید است که آلبومی یا اثری از استادمان آنجا نیابیم.

مخصوصاً خواص و روشنفکران فرانسوی بیشتر از ما آنها را میشناسند، کافی است نام حافظ ناظری پسر شهرام ناظری را در گوگل سرچ کنید، آن موقع هست که میبینید تعداد صفحه های انگلیسی و فرانسوی زبان بسیار بیشتر از تعداد پیج های فارسی زبان در مورد حافظ ناظری هست

اکثر عوام ناظری را تنها با آن سیبیل خاص و تصنیف « اندک اندک جمع مستان » میشناسند، ولی واقعیت این است که آثار ناظری بسیار متنوع تر و تاثیر گذارتر از اینگونه آهنگ هاست که متأسفانه مردم ما خیلی هایشان را نشنیده اند، اگر از « گل صدبرگ » و « آتش در نیستان » بگذریم که اکثر هنردوستان این آثار را شنیده اند، با آلبوم های جاودانه ای مثل « در گلستانه » و « یادگار دوست » روبرو میشویم که هر کدام سبک و استایل خود را دارند، در این اواخر هم اسطوره ی نازنین و عاشق مسلک ما آلبوم های قوی، ماندگار و متفاوتی چون « مولویه » و « سفر عسرت » را به بازار فرستاده که هر کدام حال و هوای موسیقایی و شعری خود را دارند، البته اگر بخواهیم قوی ترین آلبوم ناظری را در ۱۰ سال اخیر نام ببریم به « سفر به دیگر سو » می رسیم، آلبومی که بسیار سطحش بالاتر از عوام و همچنین خواص هست، متأسفانه این آلبوم بسیار کمتر از حش دیده و تبلیغ شد که به واقع یک نوع نگرش بسیار نو، احساسی، بکر و عظیم به موسیقی ایرانی و شعر مولانا داشت و دارد. از ویژگی های بارز و عجیب دیگر ناظری می توان به قدرت ملودی سازی او اشاره کرد که صاحب جایزه شوالیه خود را هم موزیسین می داند و هم خواننده، او جزو کمتر خواننده ای در موسیقی ایرانی است که خود مولف است، بیشتر خواننده ها آهنگ های دیگران را می خوانند ولی اکثر آثار ماندگار ناظری از ملودی های خودش بوده.



بعد از «ری را»، انتظارها از «سهیل نفیسی» آن قدر بالا رفته بود که پس از گذشت مدت چند ساله ی سکوت اش، شنیدنِ آلبوم «ترانه های جنوب» برای بسیاری هیجان انگیز باشد. به خصوص که نفیسی در این آلبوم آثار شاعر و ترانه سرای برجسته ی جنوبی «ابراهیم منصفی» (با لقب مشهور «رامی») را اجرا می کرد که پیش از حتی اجرای مرحوم «ناصر عبداللهی» از قطعه ی «مَوا بَرم» توی کنسرت هایش، در میان اهالی موسیقی در تهران هم شناخته شده بود. کارهای بد کیفیت اما گرم و خلاقانه ی رامی را، جسته و گریخته، از طریق مراکزی که به معرفی موسیقی جنوبی (موسیقی بوشهر و بندرعباس) می پرداختند در کنار موج جدید نوازنده گانی که ترکیب های محلی را با سبک های «بلوز» و «پاپ» آمیخته بودند، کم و بیش شنیده بودیم و می دانستیم او، ترانه سرایی ست با دغدغه های نسبتاً ارزش مندی در ادبیات آهنگین جنوب. کسانی مثل «عیسی بلوچستانی» و «حمید سعید» و «امین قاسمی» را، که در حیطه ی کاری خودشان آدم های موفق هستند، از طریق همین منابع پیدا کردیم. آثار منصفی اما، روحیه ای خاص و منحصر به فرد داشت که می توان تفاوت اش را با دیگر هنرمندان جنوبی به راحتی پیدا کرد؛ او مثل دیگر جنوبی ها به کلی با فارسی خداحافظی نکرده بود تا بی تفاوت، به مسیر زبان خودش برود و تعداد محدودی مخاطب محلی داشته باشد. بلکه سعی کرد با زیبایی های بازی های کلامی محلی که برای اغلب مخاطبان اش قابل درک باشد، فارس زبان ها را نیز به سوی زبان خودش جذب کند. علت تاثیر پذیری کسانی چون ناصر عبداللهی و سهیل نفیسی و بسیاری دیگر نیز از او، همین جنبه ی مشتاق به ارتباط اش با عموم مردم است.

سهیل نفیسی، در نخستین آلبوم اش در راه پیوند موسیقی و شعر نو کوشید. او قطعاتی از «مهدی اخوان ثالث» و «تیما یوشیچ» و «احمد شاملو» و «ابراهیم منصفی» را با گیتار و یکی دو ساز تزئینی و پایه ای دیگر اجرا کرد. صدای نفیسی و شکل خوانش شکننده ی اشعار بسیاری را به یاد کارهای متفاوت «فرهاد مهراد» می انداخت. شباهتی که نفیسی آن را انکار نمی کند. او که خود را از بسیاری جهات برای پیش رفت در موسیقی مدیون رامی می داند آلبوم دوم اش را خیلی شخصی تر کرد؛ یک گیتار، یک صدا، و یک بغل ترانه ی محلی با لهجه و تلفظ مخصوص و باقی جذابیت های ظریفی که روی مرز باریکی از سلاقی شخصی حرکت می کنند. به غیر از این که موسیقی نفیسی با جریان اصلی موسیقی ایران تفاوت دارد و او، مخاطبان مخصوصی برای خودش جمع کرده، شناخت سبک کارهایش و تقسیم بندی آن در چهارچوبی خاص کاری دشوار است. اجراهای سختی چون «پریا» و «سر دو راهی یه قلعه بود» که گاهی مسیرش در ریتم ها و واژه گان پیچیده می شود آلبوم ری را به اثری مهم تبدیل کرد. آلبوم ترانه های جنوب، نسبت به کار قبلی نفیسی مستقل و انفرادی تر است. نه قطعه دارد که بر اساس نه ترانه ی رامی ساخته شده اند. در این گونه آلبوم های سولو و تک نفره شاخصه های جذابیت اثر کاملاً تغییر می کنند. دیگر نمی توان بنا را بر تنظیم قطعه ها و شکل و سازبندی و تحریرها گذاشت. همه چیز بر صدا و نوا، که در حالتی بسیار ظریف روی لبه ی تیغ حرکت می کنند متمرکز می شود. صدای خواننده و میزان اشتباهات و گاف های اثر بیش از آثار شلوغ و ارکستری دیگر در معرض شنیده شدن قرار می گیرد و در اینجا است که توانایی خواننده محک زده می شود. اجرای ریتم و ملودی هماهنگ، توانایی نفیسی را در ساختار قطعه ها و اشراف اش بر مصالح کارش نشان می دهد. سه قطعه ی «گپ شو»، «گله» و «غوغای سکوت»، به زعم من، از بهترین نمونه های این برداشت هستند. جدا از شمایل فرم، مضامین آن ها تلاقی و نزدیکی فراوانی با سبک و حرکت و موجودیت آهنگ ها دارد. نواهای جنوبی، وقتی بر ترانه های عاشقانه تنظیم شده، به تعادل طلایی جذابی رسیده. عشق هایی که جنس شان را از روحيات رامی، می توان عشق های آدم های سرگردان و خسته دل و پشت پا خورده نامید. با زبانی که در عین حفظ تم های محلی، قابل درک فارسی زبان ها هم هست.

در قطعه ی غوغای سکوت، که با همراهی یک ساز کوبه ای و یک گیتار باس نواخته شده، می شود توانایی های بی حد و عمیق آهنگساز و ترانه سرا را به خوبی دیدار کرد. ترانه ای چندوجهی و استاندارد که در ترکیبی زیبا به تن موسیقی نشسته.

می بی چه با تو بدم که ، تو بی چه با می بدت که!

یه یک دم غرق تو بودم ، تو بی چه عشقم ردت که؟

یه از تو الهامه گفتم ، تو از می پرهیز کردی!

تیغ همه نامهربانیت ، بی قلب می تیز کردی!

تو شوونه تنهایی می ، یه دنیا مهتاب استری!

تو تو غوغای سرد سکوتم ، یه شعر ناب استری!

یه بی تو تقدیس کردم ، تو به می نفرین کردی!

هرچه بسته تلخ بودی ، کامه می شیرین کردی!

مه از یاد مهر تو لبریز ، تو از دست عشق می خسته!

یه با تو ای بهترین یار ، هنو یه دنیا کارم هسته!

تو بی مه از یاد بردی ، می به تو تکرار کردم!

تو از می هی دوره بودی ، می فکر دیداره کردم!

تو شوونه تنهایی می ، یه دنیا مهتاب استری!

تو تو غوغای سرد سکوتم ، یه شعر ناب استری!

لبه تیغ !

سهیل نفیسی و ترانه های جنوب !

آرمین ابراهیمی

هم آواز در مبارزه با گرسنگی

سازمان ملل متحد
برنامه جهانی غذا



مصاحبه اختصاصی با مدیر برنامه های سامی یوسف

● ابراهیم مولائی

« سامی یوسف » با اصلیتی ایرانی جزو یکی از شناخته شده ترین هنرمندان جهان اسلام است که طرفداران زیادی در سرتاسر دنیا دارد. اخیرا در ایران شایعاتی درباره او و آلبوم جدیدش بوجود آمده که برای اطلاع از صحت و سقم ماجرا سراغ مدیر برنامه ی او رفتیم، در ادامه میتوانید مصاحبه مجله موسیقی ایرانیان با مهدی جهانگیر را بخوانید.



درباره آلبوم جدید سامی یوسف

آلبوم جدید سامی یوسف که هنوز نام آن مشخص نشده است در مراحل پایانی به سر می برد و زمان دقیق انتشار این آلبوم هنوز مشخص نیست. اما به احتمال فراوان بهار سال آینده شاهد انتشار گسترده این آلبوم خواهیم بود. در ضمن با ریزنی هایی که انجام شده، قرار است این آلبوم توسط یکی از شرکت های معتبر در ایران برای هواداران ایرانی سامی یوسف عرضه شود .

آهنگ های فارسی در آلبوم جدید سامی یوسف

به طور حتم دو یا سه آهنگ «انگلیسی / فارسی» در آلبوم جدید قرار خواهد گرفت. همانند شکلی که سامی یوسف در ترانه «به سویم آمدی» به صورت نسخه ی «فارسی / انگلیسی» اجرا کرد، این دفعه هم سامی یوسف در دو یا سه ترانه چنین کاری را عرضه خواهد کرد.

انتشار آثار سامی یوسف بدون اجازه وی

متأسفانه در ژانویه سال گذشته «موسسه اوکنینگ» که اسپانسر قبلی فعالیتهای سامی یوسف بود، اقدام به پخش دمو و آثار ناتمامی از سامی یوسف کرد، عنوان این آلبوم «بدون تو without you» بود که سامی یوسف در سایت رسمی خود این آلبوم را بایکوت کرده و گفته انتشار این آلبوم مطابق میل من نیست و این آثار به سرقت رفته، ناتمام و دمو از کارهای قبلی من بوده است. گفتنیست این آلبوم در نه قطعه منتشر شد که شش قطعه ی آن مربوط به آلبوم جدید سامی یوسف می باشد.

اطلاعاتی درباره آلبوم جدید سامی یوسف

سامی یوسف سه ترانه از آلبوم تقلبی که «موسسه اوکنینگ» منتشر کرده بود را در آلبوم جدید خود به صورت کامل و تکمیل شده خواهد داشت. ترانه های «بدون تو» ، «همه چیز برای تو» و «او آنجاست» قطعاتی هستند که توسط کرنر ریوس خواننده و شاعر انگلیسی سروده شده و در این آلبوم قرار خواهد گرفت .

یان برون خواننده و شاعر معروف انگلیسی نیز در این آلبوم ترانه ای با عنوان Give the young a chance برای سامی یوسف سروده است که یکی از ترانه های این آلبوم خواهد بود.

به جز ترانه ی « به سویم آمدی » هم که در ماه رمضان امسال به چهار زبان دنیا به صورت رایگان منتشر شد، « وقتی که ایمان شروع می شود » ، « مردمان شریف » ، « جز تو » و « هویت » نیز دیگر قطعات این آلبوم خواهند بود.

اکثر قطعات این آلبوم ترانه های معنوی، انسان دوستانه و اجتماعی خواهند بود و طبق گفته سامی یوسف این آلبوم حاصل رفتارها و اتفاقاتی است که در دو سال گذشته برای وی بوجود آمده.

برگزاری کنسرت سامی یوسف در ایران

اخیرا گفته می شود یک موسسه ایرانی با سامی یوسف برای حضورش در ایران مذاکره داشته است که هیچ کدام واقعیت ندارد و تاکنون هیچ مذاکره ای برای حضور سامی یوسف در ایران صورت نگرفته است.

سامی یوسف که در آستانه انتشار آلبوم جدیدش، تور کنسرت های جهانی ۲۰۱۰ را نیز آغاز خواهد کرد ، ممکن است یکی از کشور هایی که برای برگزاری کنسرت انتخاب می کند ایران باشد !

جالب است بدانید هنوز کشور هایی که سامی یوسف در آنها کنسرت خواهد داشت مشخص نشده و همه چیز بستگی به تصمیم های خود سامی یوسف دارد .

شایعه !

در پایان من نکته ای را برای هواداران سامی یوسف در ایران عرض می کنم، اخیرا شایعه ای منتشر شده مبنی بر اینکه سامی یوسف از اشخاص یا گروه های سیاسی خاصی در داخل ایران حمایت کرده است ، که این شایعه به هیچ عنوان واقعیت ندارد و سامی یوسف از هیچ گونه جنبش یا گروهی حمایت نکرده است و هیچ پیغام یا اظهارنظری در این رابطه نداشته است.

واما کریس دی برگ!

کریس دی برگ در خرداد سال ۱۳۸۷ و بعد از انتشار آلبوم چهارم گروه آریان سفری به تهران داشت. این سفر توسط شرکت ترانه شرقی و به منظور آماده سازی وی جهت برگزاری کنسرت در ایران انجام شده است.

آهنگ مشترک کریس دی برگ و آریان با نام «نوری تا ابدیت (دوستت دارم)» در چهارمین آلبوم آریان با عنوان «بی تو با تو» منتشر شد.

کریستوفر جان دیویسون ملقب به کریس دی برگ در ۲۳ مهر ۱۳۲۷ برابر با ۱۵ اکتبر ۱۹۴۸ در آرژانتین متولد شد. پدرش «چارلز دیویسون» دیپلمات بریتانیایی و مادرش «ماوی امیلی دی برگ» منشی ایرلندی بود. کودکی کریس دی برگ به خاطر شغل دیپلماتیک پدر به مسافرت و کسب تجربه در این راه گذشت و به این خاطر در کشورهای مختلفی مثل مالت، نیجریه و زئیر بزرگ شد. هنگامی که ۱۲ ساله بود خانواده اش به Emerald Isle در ایرلند رفتند، جایی که هنوز هم کریس دی برگ با همسرش دایان و سه فرزندش رزانا، هوبی و مایکل زندگی می کند.

در سال ۱۹۶۰ پدرش یک قلعه قدیمی به نام بارگی کاسل خرید که در قرن ۱۲ ساخته شده بود. بعد از اینکه قلعه دوباره توسط خانواده دیویسون بازسازی شد، آنها آنجا را به یک هتل خانوادگی برای تعطیلات تبدیل کردند. کریس اولین کنسرتهايش را در این قلعه اجرا می کرد و بعد از ظهر ها برای میهمانان گیتار می نواخت. کریس نواختن گیتار را با روش سعی و خطا، یعنی بدون هیچ نت از پیش نوشته شده ای یاد گرفت.

کریس زبان انگلیسی و فرانسه را در کالج معروف ترینیتی در شهر دوبلین آموخت. هنگامی که وی مشغول تحصیل در کالج ترینیتی بود شروع به نوشتن آهنگهای پاپ کرد. در سال ۱۹۷۱ کریس برای پیدا کردن یک شغل در موسیقی به لندن سفر کرد. در یک رستوران و آرایشگاه به عنوان خواننده شروع به کار کرد و از طرف یکی از دوستانش که به تازگی رستورانی به نام Captain Americas در دوبلین تأسیس کرده بود پیشنهاد کار دریافت کرد و برای میهمانانی که مشغول صرف غذا بودند موسیقی می نواخت.

در سال ۱۹۷۴ کریس با کمپانی M&A قرارداد امضاء کرد و گروه سوپر ترمپ را در تور جدیدترین آلبومشان به نام Crime of the Century همراهی کرد. در این زمان بود که نامش را به کریس دی برگ تغییر داد و در سال ۱۹۷۵ آماده انتشار اولین آلبومش به نام Far Beyond These Castle Walls شد.

کریس دی برگ تورها و کنسرتهايش زیادی در سراسر دنیا از جمله در آلمان، انگلستان، ایرلند، ژاپن، لبنان، کانادا، آفریقای جنوبی، اروپای شرقی، اروپای مرکزی و خاور دور اجرا کرده است که بسیاری از آنها سریعاً به فروش رفته است. در سال ۲۰۰۹ آلبوم جدید خود را با نام FootSteps که شامل ۱۵ ترانه جدید به همراه یک ترانه Bonous می باشد منتشر کرده است.